

دبستان

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره ششم / شماره ۴ / تابستان ۱۳۹۴



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین برزین
مسعود تهرانی فرجاد
سیدغلامرضا فلسفی
مدیرداخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: لیلا بنی طباطبائی
طراح گرافیک: مهسا قباپی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵
تلفن ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)
نمبر: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيامنگار: pishdabestani@roshdmag.ir
تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۲۳۶۶۵۶
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
شمارگان: ۶۵۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سردبیر / یادگیری را با لذت در هم آمیزیم! / سردبیر ۲
- گفت و گو / کودکان سالم امروز، جامعه بدون سرطان فردا / ائلدار محمدزاده صدیق / ۴
- پیش کسوتان / مارگارت لونفلد، مبتکر شن درمانی / دکتر فرخنده مفیدی / ۸
- نقد و نظر / دو نسل، با دو تجربه! / فریده عصاره / ۱۰
- آموزش / مهارت‌های اجتماعی، کلید یادگیری / شیرین برزین / ۱۴
- نقد و نظر / اینجا را بیشتر دوست داریم! / مرتضی طاهری / ۱۶
- نقد و نظر / رسمی شدن دوره پیش دبستانی و مربیان کارآمد / مسعود تهرانی فرجاد / ۱۷
- نقد و نظر / مرکز ما دو زبانه است! / مهسا شیخان / ۱۸
- گزارش / کار برای کودک باید توحیدی و با بهره‌مندی از تجربیات جهانی باشد / ائلدار محمدزاده صدیق / ۲۱
- آموزش / بازی‌های کودکان؛ مسائل و چالش‌ها / دکتر مرجان گودرزی / ۲۴
- آموزش / رشد و تحول کودکان را دریابیم! / دکتر مرجان کیان / ۲۶
- نقد و نظر / پدر، مادر، رسانه، ما متهمیم! / سیدغلامرضا فلسفی / ۲۸
- گفت و گو / ورزش یوگا، راهی برای آرامش مادر و کودک / سمانه آزاد / ۳۰
- پژوهش / تحلیل برنامه مراکز پیش دبستانی و مطابقت آن با راهنمای برنامه مصوب شورای عالی / احسین چابک و صفرعلی یازلو / ۳۳
- آموزش / چگونه خلاقیت کودکان پیش دبستانی شکوفا می‌شود؟ / طیبه میراحمدی / ۳۶
- آموزش / نکاتی تربیتی در آموزش دوره پیش دبستان / یوسف زارع نبیلیان / ۳۹
- آموزش / بازی را دست کم نگیریم! / سعدی سامی / ۴۰
- آموزش / پیش دبستانی و اهمیت آن در پرورش کودکان / مهدی ولی‌نژاد / ۴۲
- آموزش / تنظیم خواب کودکان / فاطمه حصارکی / ۴۴
- معرفی کتاب / راهنمای کارورزی مدیران مراکز قبل از دبستان / الهام وفايي نژاد / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.



یادگیری را بالذت در هم آمیزیم!

تابستان می تواند فصل آرامش بخشی باشد؛ اگر...

سلام به خوانندگان مهربان و باوفای فصل نامه!

● فعالیت های مکمل و فوق برنامه، به عنوان بخشی از تدریس فعال کودکان و خانواده ها، باید به گونه ای طراحی شوند که یادگیری و لذت، هر دو در زندگی روزمره آنان وجود داشته باشد.

از آنجا که یادگیری و کسب مهارت در زندگی کودکان موضوعی اساسی است، در صورتی که این فعالیت ها در فصل تابستان به درستی انتخاب و اجرا شوند، روحیه پرسشگری، خلاقیت و نیز جامعه پذیری و مقبولیت اجتماعی کودکان را تقویت می کنند. می دانیم که هدف اساسی بسیاری از برنامه ها و فعالیت های مکمل، افزایش انگیزه و محرک های لازم برای ادامه رشد یا تکامل طبیعی و سالم کودکان و خانواده هاست. بنابراین، آن ها باید از امکانات و نیز تقویت کننده های مناسب و فضا و آزادی کافی برخوردار باشند.

غنی سازی اوقات فراغت و توسعه منابع یادگیری در صورت سرمایه گذاری درست می تواند از طریق مراکز آموزشی و از سال های پایه به خانواده و جامعه نیز تسری یابد زیرا تسهیل فرایند رشد اجتماعی، پرورش استعدادها و مهارت پروری از جمله اهداف این قبیل برنامه ها محسوب می شود که نه تنها به پرورش اندیشه، گفتار و مهارت بلکه به بعد روحی و روانی و آرامش و صلح جویی در کودک و خانواده کمک می کند.

فعالیت های علمی، ورزشی، فرهنگی،

رضایت شغلی را حالت هیجانی لذت بخشی تعریف می کنند که ناشی از ارزیابی شغل یا تجربه های شغلی فرد است و می تواند شامل کار، نوع سرپرستی، شخصیت و رفتار همکاران، شیوه های ارتقا و بهبود شغل و دریافت حقوق و مزایای مکفی باشد

و تعاون و امداد نیز می توانند از انواع فعالیت های پایدار در این زمینه محسوب شوند.

هنری و اجتماعی

● و اما بار دیگر در این فصل زیبای خداوند به مسئله رضایت شغلی مربیان و کسانی که با کودکان پیش دبستانی کار می کنند، نگاهی می اندازیم. در راستای نیل به اهداف هر سازمان، باید شرایطی را فراهم ساخت تا کارکنان در محیط های جذاب و با خشنودی و رضایت کامل به انجام وظیفه بپردازند تا کارایی و اثربخشی لازم را در اجرای این امر خطیر داشته باشند. رضایت شغلی را حالت هیجانی لذت بخشی تعریف می کنند که ناشی از ارزیابی شغل یا تجربه های شغلی فرد است و می تواند شامل کار، نوع سرپرستی، شخصیت و رفتار همکاران، شیوه های ارتقا و بهبود شغل و دریافت حقوق و مزایای مکفی باشد. مطمئناً در صورت عدم رضایت از این موارد، پیامدهای نارضایتی شغلی نادرست و ارتباط نادرست با افراد و مخاطبان باشند. باید بگوییم که بعد از خانواده، نظام آموزشی هر جامعه مهم ترین نقش را در تعلیم و تربیت فرزندان به عهده دارد. در آموزش و پرورش و مراکز تربیتی این وظیفه بر عهده مربیان است و عملکرد آن ها آینده کشور را رقم می زند. به همین جهت، به برنامه ریزان و مدیران مراکز آموزشی کودکان توصیه می کنیم که در این تابستان - که فصل تفکر بیشتر برای آمادگی و آغازی تازه است - به راه های ایجاد نگرش مثبت در مربیان پیش دبستانی نسبت به شغل و حرفه خود بیشتر فکر کنند تا آن ها بر پایه این احساس خوب، برای شغل خود ارزش بیشتری قائل شوند و احساس کارایی و رضایت فردی بیشتری داشته باشند. این هم می تواند به کارایی آنان در کار با کودکان و خانواده ها کمک بسیار مؤثری بنماید. در وضعیت کنونی مشوق های مالی می توانند به انگیزش شغلی در مربیان کمک کنند. افزایش کارایی و احساس رضایت فردی و شغلی در ایام تابستان نیز مربیان عزیز را تشویق می کنیم که به مناسبت هایی چون روز ادبیات کودکان، ولادت ائمه اطهار (ع)، ایام ماه مبارک رمضان و اعیاد مربوط، برنامه ریزی های ارزنده ای برای کودکان و خانواده ها ترتیب دهند. و... بار دیگر ما و همه همکاران مجله با شما هستیم و امیدواریم شاهد ارتباط بیشتر شما با این نشریه هدفمند باشیم.

سردبیر

کودکان سالم امروز جامعه بدون سرطان فردا

پای صحبت مدیران مؤسسه خیریه «سرطان»

انلدار محمدزاده صدیق

اشاره

باید نقشی انسانی برای خودشان قائل شوند تا همه با هم بتوانیم مقداری از بار سنگینی را که به بیمار تحمیل می‌شود بکاهیم.

دکتر ملکی: مؤسسه خیریه سرطان همان‌طور که از نامش برمی‌آید، هم «خیریه» است و هم به مبتلایان به سرطان خدمات می‌دهد. خیریه بودن آن و ضرورتش برای همه تلنگری است و تأکید می‌کنم ما چه بخواهیم چه نخواهیم در جریان زندگی قرار داریم و ناگزیریم در جهت منافع مادی و تقویت زندگی خصوصی حرکت‌هایی داشته باشیم اما نکته این است که این امر نباید به قدری پررنگ شود که ما از انرژی‌های درونی که در مسیر انسانیت است، از جمله همدردی و همراهی با یکدیگر و فعالیت‌هایی که بشر بودن ما را بیشتر تقویت می‌کند، غافل شویم. اگر آن بُعد اول که فعالیت برای امرار معاش است پررنگ شود، ناگزیر تبدیل به خودخواهی می‌شود و یادمان می‌رود در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که همه انسانیم و باید دست کمک به هم بدهیم. لذا به‌زعم من با این تعبیر بیش از اینکه خیریه به کمک‌های مردم نیاز داشته باشد، نیاز داریم که گوشه‌ای از زندگی‌مان را به فعالیتی گره بزنیم که معنوی و در جهت صیقل دادن وجه انسانی ماست. برای اینکه اثبات کنیم همه زندگی ما دنیا، مادیات و منیت ما نیست و همه زندگی ما تنها خانواده خودمان نیست.

سرطان دومین علت مرگ‌ومیر مردم در کشورمان است. بررسی دقیق آمار سرطان در کشور نشان می‌دهد که متأسفانه بروز سرطان در کشور روندی تصاعدی دارد و شمار مبتلایان به این بیماری رو به افزایش است. سرطان بیماری صعب‌العلاج و زجرآوری است اما با برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌های آموزشی و بالا بردن سطح آگاهی در بسیاری از موارد قابل پیشگیری است. مسئولان مؤسسه خیریه سرطان از اجرای نمایش‌های عروسکی در سطح مراکز پیش‌دبستانی و اول دبستان با هدف انتقال پیام‌های علمی در رابطه با سرطان به بچه‌ها خبر می‌دهند و معتقدند که آگاه‌سازی کودکان به‌منظور ارتقای سطح سلامت و پیشگیری از سرطان را باید از سنین کودکی در آن‌ها نهادینه کرد.

دکتر کاظم زنده‌دل، مدیرعامل مؤسسه غیردولتی خیریه سرطان است که دو سال از تأسیس آن می‌گذرد. او استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سرطان و انستیتو سرطان ایران است. **دکتر مسعود ملکی،** مدیر اداره کل سلامت خارج از کشور هلال احمر نیز به‌عنوان معاون خیریه سرطان و **بهاره ساسان‌فر،** کارشناس تغذیه در گروه خیریه سرطان دیگر شرکت‌کنندگان در این گفت‌وگو هستند.

برای شروع بحث خیریه سرطان (مؤسسه غیردولتی کمک‌های مردمی به بیماران مبتلا به سرطان) را معرفی و اهداف و فعالیت‌های این مرکز را بیان کنید.

دکتر زنده‌دل: در طول کار در انستیتو سرطان ایران با کارهای بسیاری مواجه بودیم که در قالب برنامه‌ها و وظایف یک سازمان دولتی نمی‌گنجید. به‌همین دلیل، به همراه دوستانمان تصمیم به ایجاد این مؤسسه گرفتیم. اهداف اصلی این سازمان را در سه بُعد آموزش عمومی، آگاهی‌رسانی به مردم و انجام دادن پژوهش‌هایی که منجر به کسب اطلاعات بیشتر در مورد این بیماری شود و همچنین مدیریت درمان و ارتقای وضعیت درمانی سرطان در کشور در نظر گرفتیم. فکر می‌کنیم که غیر از ما متخصصان بسیاری در بیمارستان‌ها مشغول به کارند و عده بسیاری نیز خارج از وزارت بهداشت و بیمارستان‌ها و خارج از رشته پزشکی توانمندی‌هایی دارند که استفاده از این توانمندی‌ها برای مبارزه با بیماری سرطان ضروری است. «کنترل سرطان» شامل پیشگیری، درمان و تشخیص زودرس است و بیشتر فعالیت ما در این مؤسسه بر این موضوع متمرکز شده است. معتقدیم که تمام اقشار و سازمان‌ها

تقریباً در افراد زیر ۱۵ سال، حدود ۱۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر مبتلا به سرطان هستند، سرطان بیماری‌ای است که بیشتر برای سنین بالاست و ما انتظار نداریم که در سنین پایین سرطان داشته باشیم



بخشی از وجودمان باید به فکر دیگران باشد. یکی از وجوه تمایز انسان با بقیه موجودات نیز همین است. از این بُعد، انسان باید در هر زمینه‌ای که می‌تواند، از جمله وقت، مهارت، مال، هنر و ابعاد مختلف دیگر در طول زندگی به نیازمندان کمک کند؛ فارغ از اینکه سرطانی باشند یا نه. اگر این چنین باشد می‌توانیم امید داشته باشیم که جامعه ما به سمت جامعه مدینه فاضله برود.

این مؤسسه در راستای فعالیت‌های آموزشی چه برنامه‌هایی دارد؟ چه کارهایی را برای مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دستانی می‌توان انجام داد؟

دکتر زنده‌دل: از جمله برنامه‌های مهم ما آگاهی‌رسانی و آموزش مردم است. بدین منظور تحقیقات و اطلاعات دانشگاهی را، که با روش‌های علمی به‌دست آمده است، به پیام‌های قابل استفاده برای مردم تبدیل می‌کنیم. برای اینکه مخاطب خود را پیدا کنیم ناگزیر باید به میان مردم برویم و با آن‌ها تماس برقرار کنیم. برای خانواده‌ها کاری را و به‌طور مشخص با خانه‌های سلامت، شروع کردیم و برنامه‌های آموزشی را تدوین کردیم. این برنامه ویژه مادران است که در مناطق مختلف شهرداری تهران برگزار می‌شود. هدف از اجرای این برنامه دستیابی به اهداف پیشگیری از درون خانواده‌هاست. به‌طور خاص، برای مهدکودک‌ها با افتتاح این مؤسسه با گروه نمایش عروسکی «برفین» قراردادی منعقد کردیم که پیام‌های بهداشتی ما را در قالب نمایش‌های عروسکی در مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دستانی و اول ابتدایی اجرا کنند. این گونه به دل مهدکودک‌ها می‌رویم و بچه‌ها را به‌طور غیرمستقیم با روش‌های پیشگیری و کارهایی که باید انجام دهند، آشنا می‌سازیم و پیام را به آن‌ها منتقل می‌کنیم. باید تأکید کنم که برای تولید پیام‌ها از یک گروه علمی خبره استفاده می‌کنیم که تخصصشان ارتقای سلامت است نه اینکه ذهنشان را با مطالبی پر کنیم که شاید به دردشان نخورد و یا اینکه مضراتش بیشتر از منفعتش باشد. این کار جزء برنامه‌های فعال ماست که به زودی شروع خواهد شد و این برنامه در مراکز پیش‌دستانی و مهدکودک‌ها اجرا می‌شود.

راه‌های پیشگیری از سرطان قبل از تولد و همچنین بعد از تولد و نحوه درمان آن کدام‌اند؟

دکتر ملکی: در این زمینه تحقیقات بسیاری انجام شده است. سلول‌های بدن از زمانی که در وجود مادر شکل می‌گیرند، متأثر از محیط‌اند. بنابراین، می‌شود گفت عوامل محیطی به نوعی جریان تغییرات سلولی را که منجر به سرطان می‌شود، رقم می‌زنند و عوامل

محیطی از جمله سیگار کشیدن، مصرف الکل، آلودگی‌های محیطی شغلی و یا غیرشغلی و به‌طور مشخص و یا اشعه‌های درمانی و غیردرمانی که در طول بارداری ممکن است به مادر تحمیل شود، می‌توانند شرایطی را ایجاد کنند که در بدن طفل خطر ابتلا به سرطان را افزایش دهند اما شاید این تحقیقات در حدی نباشند که هم‌اکنون به‌عنوان یک اصل بتوان روی آن‌ها تمرکز کرد و توجهات را به آن سمت معطوف کرد. اتفاقاً موضوع پیشگیری از سرطان بیشتر معطوف به کارهایی است که خود آدم‌ها باید برای خودشان انجام دهند. البته باید بتوانیم عوامل محیطی را کنترل کنیم. مثلاً در هیچ شرایطی نباید بگذاریم که در محیط بسته بچه و یا فرد بزرگ از آلودگی سیگار متأثر شود. تمام افراد جامعه از زمان کودکی طوری باید آموزش ببینند که روش صحیح زندگی سالم را بیاموزند و خودشان را آماده کنند که اگر امکان پیشگیری از سرطان وجود

دارد، آموزش‌های لازم را دیده باشند و از آن استفاده نکنند. مثلاً چاقی خیلی زیاد و عدم فعالیت فیزیکی جزء عوامل شناخته شده است که اگر بی‌رویه ادامه پیدا کند در خیلی از گروه‌ها سرطان‌های مختلف ایجاد می‌کند. بنابراین، کودک باید طوری آموزش ببیند که به‌جای نشستن جلوی تلویزیون به بازی‌های فیزیکی علاقه‌مند شود و ورزش کند. موضوع بعدی مصرف سیگار است. می‌دانیم که تقریباً ۴۰ درصد افراد سیگاری در ۲۵-۲۰ سالگی به مصرف سیگار مبتلا می‌شوند و حتی در سنین پایین‌تر با توجه به اینکه الگوهای درستی در ذهنشان شکل نگرفته است با دیدن فیلم‌ها و سناریوهایی که به دلایل مختلف به ذهنشان منتقل می‌شود به سیگار کشیدن سوق پیدا می‌کنند. بنابراین، اگر بچه‌ها را در مهدکودک‌ها و مدرسه‌ها به‌گونه‌ای آموزش دهیم که استعمال سیگار را یک «تابو» و یک رفتار غیراخلاقی و غیراجتماعی تلقی کنند، احتمالاً در برابر وسوسه‌های ناشی از تبلیغات سیگار مقاومت زیادی خواهند کرد. بنابراین، مربی‌ها در دوره مهدکودک و پیش‌دبستانی باید کاملاً برنامه داشته باشند و ذهن بچه را طوری آماده کنند که خطر این رفتار به حداقل برسد. همچنین تغذیه صحیح و اصولی نیز بسیار مؤثر است. اینکه ما به بچه یاد دهیم که تعداد میوه‌ها و سبزی‌های رنگی بیشتری را انتخاب کنند، سبب پیشگیری از سرطان خواهد شد.

کودک به‌جای علاقه‌مند شدن به گوشت و پفک و چربی و آشغال‌خوری و غذاهایی که به سرعت آماده می‌شوند (Fast Food) از غذاهای متنوع شامل حبوبات و سبزیجات استفاده کند. البته آموزش یک بحث است و تمام‌کننده نیست و از طرفی باید امکان دسترسی به این‌ها هم فراهم شود. من فکر می‌کنم که هر قدر آموزش دهیم، نیاز ایجاد می‌شود و نیاز که ایجاد شد، کسش ایجاد می‌شود. در نتیجه، تأمین‌کننده‌ها در صنعت و ارتباطات شکل خواهند گرفت و جامعه

به آن سمت سوق پیدا می‌کند. یکی از مشکلات، تمایل نداشتن بچه‌ها به غذاهای سالم‌تر است. بنابراین، بازار پر می‌شود از غذاهایی که هم تبلیغات بیشتری دارند و هم اینکه بچه‌ها به آن‌ها رغبت دارند. در نهایت طوری می‌شود که ما این فرصت‌ها را که از کودکی باید در ذهنمان شکل بگیرد، از دست می‌دهیم. از دیگر موارد می‌توان به دوری کردن از نور خورشید اشاره کرد که باعث ابتلا به سرطان پوست می‌شود که از سرطان‌های شایع کشور ماست. آشنا بودن با آلودگی هوای ناشی از بنزین و تأثیر آن بر فرد و همچنین آلودگی‌های شغلی و رفتارهای محافظتی و پیشگیرانه در مقابل آن از جمله دیگر مواردی است که از کودکی قابل شکل‌گیری است.

سازمان فرد: تغذیه در کودکان مبتلا به سرطان به‌دلیل شیمی‌درمانی و رادیوتراپی‌ای که انجام می‌دهند، بحث جداگانه‌ای دارد که روی سطح دریافت فرد، چه کودک و چه بزرگسال تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که هر دو گروه دچار کمبودهای دریافتی شوند. عوارضی نظیر حالت تهوع، استفراغ، اسهال، سوزش معده و از طرفی هم از لحاظ روانی خود فرد هم ممکن است تمایل زیادی به غذا خوردن نداشته باشد. عوارض کموتراپی و رادیوتراپی وسیع است که بررسی آن فرصت جداگانه‌ای را می‌طلبد. در مورد بچه‌ها هم هدف اصلی افزایش آگاهی است؛ برای اینکه بچه‌ها از این موضوع اطلاع پیدا کنند که تغذیه صحیح شامل چه چیزی است و چگونه باید باشد تا فرد در سنین بالاتر دچار این بیماری نشود. در مورد تغذیه سالم بحث ما اول کاهش دریافت کالری است، البته نه اینکه خیلی محدود کنیم؛ چون بچه‌ها در سن رشدند و اگر بخواهیم آن‌ها را از لحاظ مصرف کالری محدود کنیم، ممکن است در رشدشان تأخیر ایجاد شود. بنابراین، باید زیر نظر باشند و توسط مشاور قد و وزن آن‌ها سنجیده شود که خیلی کاهش دریافت کالری نداشته باشد. چاقی از عواملی است که سبب ایجاد سرطان در سنین

بالاتر می‌شود. از طرفی مصرف غذاهایی که سریع آماده می‌شوند (فست‌فودها) و تنقلات علاوه بر تولید کالری بالا، املاح و ویتامین‌های مورد نیاز بچه‌ها را تأمین نمی‌کنند. مورد سوم اینکه جلوی اشتها بچه‌ها را برای دریافت مواد مغذی می‌گیرند و علاوه بر آنتی‌اکسیدان‌های مورد نیاز برای بچه‌ها نیز تأمین نمی‌شود. توصیه بیشتر به این است که در تغذیه بچه‌ها خیلی ممانعت ایجاد نشود بلکه با آگاهی دادن در مورد ضررهای این مواد غذایی آن‌ها را متقاعد کنیم که خودشان مواد را دریافت نکنند؛ زیرا محدودیت در داخل منزل سبب روی آوری آن‌ها به این مواد در خارج از منزل می‌شود. در مورد عوامل آنتی‌اکسیدانی خیلی بر میوه‌ها و سبزیجات تأکید داریم. اکثر آنتی‌اکسیدان‌های مورد نیاز با رادیکال‌هایی که در بدن آزاد می‌شوند و عوامل ایجاد سرطان در بدن هستند مقابله می‌کنند. همین آنتی‌اکسیدان‌ها هستند که به مقابله با رادیکال‌های آزاد می‌روند و به‌همین خاطر سبزیجات رنگین به‌ویژه گوجه‌فرنگی، هویج، فلفل دلمه، کلم، سبزیجات زردرنگ توصیه می‌شود که حتماً با وعده‌های غذایی دریافت شوند. ویتامین C، که از آنتی‌اکسیدان‌های مهم است، در رنگدانه‌های قرمز گوجه‌فرنگی موجود است. سیوس گندم و گردو منبع ویتامین E و سلنیوم هستند.

اگر کودکی به این بیماری مبتلا شود، این مرکز چگونه به او و خانواده‌اش کمک می‌کند؟

دکتر زنده‌دل: انتظار بیماران دریافت خدمات مالی است. با توجه به اینکه یک مؤسسه نوپا هستیم، وسع مؤسسه در حدی نیست که تأمین مالی کند اما کاری که جزء برنامه‌های ماست، برنامه آموزش بیماران است. برنامه آموزش بیمار و نیاز او به مشاور از جمله مواردی است که

همین آنتی‌اکسیدان‌ها هستند که به مقابله با رادیکال‌های آزاد می‌روند و به همین خاطر سبزیجات رنگین به ویژه زرد رنگ توصیه می‌شود که حتماً با وعده‌های غذایی دریافت شوند. ویتامین C، که از آنتی‌اکسیدان‌های مهم است، در رنگدانه‌های قرمز گوجه‌فرنگی موجود است. سبوس گندم و گردو منبع ویتامین E و سلنیوم هستند

دکتر زنده‌دل: اولاً واقعاً تفاوتی وجود ندارد که سرطان در کودکان در کشوری بیشتر از کشور دیگر است بلکه صحبت از تعداد است که ما با چه جمعیتی از بچه‌ها در کشور مواجهیم.

تقریباً در افراد زیر ۱۵ سال، حدود ۱۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر مبتلا به سرطان هستند، سرطان بیماری‌ای است که بیشتر برای سنین بالاست و ما انتظار نداریم که در سنین پایین سرطان داشته باشیم. فرایند سرطانی شدن طولانی است و از موقعی که سلول شروع به سرطانی شدن می‌کند تا زمانی که بیماری خودش را نشان می‌دهد، زمان زیادی طول می‌کشد: اگر جمعیت کشورمان را ۷۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، ۷ هزار نفر از افراد تا زیر ۱۵ سال مبتلا به سرطان هستند.

این مؤسسه در حال حاضر چه برنامه‌ مشخصی را برای مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی دارد؟

دکتر ملکی: کلیه مراکز پیش‌دبستانی و کلاس‌های اول دبستان که تمایل دارند به‌وسیله نمایش عروسکی پیام‌های سلامت را به بچه‌ها انتقال دهند، می‌توانند با ما تماس بگیرند، هماهنگی کنند تا وقتی را تنظیم کنیم تا خدمت برسیم. اجرای چنین نمایش‌هایی در حد امکان و در سطح استان رایگان خواهد بود و هدف از آن انتقال پیام‌های سلامت به‌وسیله ابزار نمایشی و عروسکی جذاب است.

را در کتاب‌های درسی بگنجانند و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار باشد. اینکه به تازگی وزیر بهداشت گفته است که باید زنگ ورزش در

مدرسه‌ها افزایش یابد، خیلی مفید است. به این ترتیب، فعالیت فیزیکی بچه‌ها افزایش پیدا می‌کند. همچنین باید برنامه‌هایی برای تغذیه سالم بچه‌ها در نظر گرفته شود. غذاهایی که در مدارس تهیه می‌شوند، باید سالم باشند. این می‌تواند یکی از برنامه‌های غیرمستقیم آموزش و پرورش باشد که نهادینه شود و ربطی به سرطان ندارد بلکه سبب افزایش سطح سلامت در مدارس می‌شود. بنابراین، باید به‌عنوان اولویت مدنظر برنامه‌ریزان قرار گیرد. اما برنامه‌های موردی از جمله کمپین پیشگیری، بچه‌ها را آماده می‌کند که اطلاعات خود را در این زمینه زیاد کنند. اهمیت دادن به پژوهش‌هایی در ارتباط با سلامتی در جشنواره‌های مختلفی نظیر خوارزمی ارزشمند است. البته جشنواره‌ها نباید تنها با رویکرد تکنولوژی به دانش‌آموزان امتیاز بدهند بلکه لازم است پژوهش‌های مؤثر در زمینه سلامتی و ارتقای آن را نیز ارزشمند بشمارند. توانمند کردن معلم‌ها به‌عنوان یک برنامه جدی اثر غیرمستقیم بر بچه‌ها خواهد داشت. بنابراین، فرصت‌های زیادی برای آگاهی‌رسانی جهت پیشگیری از بیماری سرطان وجود دارد. پیشگیری از سرطان یک بحث و خود سرطان یک بحث دیگری است. اگر بچه‌ای سرطان گرفت و به کلاس آمد، اطلاع نداشتن از نحوه برخورد با این بچه مسائل زیادی ایجاد می‌کند.

چند درصد از کودکان ایران به سرطان از انواع مختلف مبتلا هستند؟ در این زمینه در مقایسه با کشورهای دیگر چه جایگاهی داریم؟

در طول دوره درمان کمتر برای بیماران وجود دارد و از طرفی بیماران احتیاج زیادی به آن دارند.

چه عواملی در شکل‌گیری سرطان مؤثر است تا به خانواده‌ها و جامعه اطلاع‌رسانی شود؟

دکتر زنده‌دل: دلیل تأسیس این مؤسسه این است که علاقه‌مندان داوطلبانه و خیرخواهانه بیایند و به اقداماتی که می‌خواهند صورت گیرد، شکل بدهند. مثلاً اگر در مهدکودک‌ها افراد علاقه‌مندی هستند، درست کردن ابزارها و بسته‌های علمی را در دست بگیرند و کمک کنند تا این کار شکل بگیرد. شاید گروه‌های حمایتی بیایند و به میزان فعالیت‌هایی که در مهدکودک‌ها انجام می‌شود، به مهدکودک‌ها گواهی‌نامه بدهند. لازمه این کارها تعریف شدن فعالیت‌هاست. البته نباید اطلاعاتی را که واقعیت علمی ندارد به بچه‌ها انتقال داد بلکه مواردی که ارائه می‌دهیم، باید دارای رویکرد علمی باشند و حرفی را بزنی که سند علمی داشته باشد و براساس شایعات و حرف‌های غیرعلمی نباید چیزی را در قالب بسته آموزشی به بچه‌ها منتقل کرد. مثلاً نباید به بچه‌ها بگوییم دلیل ابتلای کسانی که سرطان گرفته‌اند این است که خانواده‌هایشان رعایت نکرده‌اند! نباید ذهنیت اشتباهی را در بچه ایجاد کنیم و باید انتقال مفاهیم به بچه‌ها به درستی و به‌صورت علمی صورت گیرد. ما به توانمندی گروه مربیان آموزشی نیاز داریم و از طرفی باید مطالبی را تبلیغ کنیم و به بسته و پیام آموزشی تبدیل کنیم که بشود از آن‌ها نتیجه گرفت، منبع داشته باشند و براساس فنون آموزشی آن‌ها را بتوان منتقل کرد. برنامه‌ای برای آموزش تعدادی از مربیان آموزشی خواهیم داشت تا ذهن آن‌ها درست باشد و آن‌ها کمک کنند تا این برنامه‌ها در مهدکودک‌ها اجرا شود.

آموزش و پرورش نیز می‌تواند این مطالب



مارگارت لونفلد مبتکرشن درمانی

دکتر فرخنده مفیدی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

کلیدواژه‌ها: مارگارت
لونفلد، شن‌درمانی، تکنیک
جهانی لونفلد

مقاله‌های آموزشی در زمینه تحلیل رشد و بازی کودکان نیز هست. لونفلد دریافت که کودکان چگونه می‌اندیشند و احساس می‌کنند و مهم‌تر اینکه چگونه این افکار و احساسات را ابراز و از راه آن ارتباط برقرار می‌کنند. از این منظر، او را مبتکر شیوه‌هایی می‌دانند که به کمک آن‌ها می‌توان به افکار و احساسات نهانی کودک پی برد.

علاقه لونفلد به چگونگی تفکر و احساس کودکان در پایان دوره تحصیل در رشته پزشکی آشکار شد. او پس از دریافت مدرک پزشکی و بعد از جنگ جهانی اول متوجه این مطلب شد که چگونه می‌تواند به کودکان قربانی جنگ‌ها به‌رغم تجربه‌های دردناکشان کمک کند و استعداد آن‌ها را شکوفا نماید. وی در ابتدای کار خود، در پروژه‌های تحقیقی پزشکی در زمینه روماتیسم کودکان و شیردهی از پستان مادر نیز شرکت نمود و عقیده محکمی درباره نیاز به تحقیق و ارزش‌یابی برای شناخت کودکان پیدا کرد.

شیوه وی که اولین بار با عنوان «تکنیک جهانی لونفلد»^۱ مطرح گردید، به شکل گسترده امروزی از اوایل سال ۱۹۳۰ با عنوان «شن‌بازی»^۲ شناخته شده است.

لونفلد دریافت که کودکان با «دست‌هایشان و از طریق عملی» می‌اندیشند. ابتکار و نوآوری او و برجسته‌ترین کمکش به دنیای کودکان، ابراز عقاید مهم و عملی در

مارگارت فرانسیس جین لونفلد^۱ (۱۹۷۳- ۱۸۹۰)، در لندن از مادری انگلیسی و پدری هلندی متولد شد. وی که از پیش گامان روان‌شناسی و روان‌کاوی کودک به حساب می‌آید، از پژوهشگران حوزه پزشکی و نویسنده مطالب و کتاب‌های علمی و



مارگارت لوفلد بنیان‌گذار شن‌درمانی واقعی شناخته شده است

از تکنیک دنیای لوفلد در درمان مراجعان خود، به روش جدیدی دست یافت و نام **شن‌بازی درمانی**^۱ را برای این روش انتخاب کرد. این روش نیز در کاهش رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه و بهبود مهارت‌های اجتماعی و توانایی انتقال انرژی به فعالیت‌های مناسب نظیر هنر مؤثر است. بازی با شن به کودکان فرصت می‌دهد احساسات پرخاشگرانه و لطمه‌دیده خود را برای تسهیل و جایگزینی رفتارهای مناسب‌تر و اجتماعی‌تر بیان کنند.

نکته مهم در کارهای لوفلد این است که عقاید و دیدگاه‌هایش از مشاهدات مستقیم و واقعی از کودکان، اعمال و کلمات آن‌ها نشئت گرفته است. به‌عبارت بهتر، تنها برگرفته از خاطرات بزرگ‌ترها و یا منبعث از جلسات روان‌درمانی نیست. مهم‌تر اینکه او همیشه و بیشتر به کشف و بازشناخت نقاط قوت کودکان و نه تشخیص ضعف‌های آن‌ها توجه داشته است. در اواخر سال ۱۹۲۰، لوفلد یکی از اولین کلینیک‌های هدایت کودکان را در بریتانیا بنا نهاد که به ایجاد مؤسسه روان‌شناسی کودک و تربیت روان‌درمانگران کودک براساس نظریه و فنون غیرکلامی وی انجامید.

انگلستان برای تدریس اصول ریاضی پایه برای کودکان خردسال استفاده می‌شود. تکنیک «دنیای لوفلد» از یک سینی پر از شن، مجموعه‌ای از حیوانات اسباب‌بازی، آدم‌ها، وسایل نقلیه و ساختمان‌ها تشکیل شده است.

این نمایشگرهای مینیاتوری از زندگی و محیط روزمره و تخیلات کودکان نشئت گرفته‌اند و به‌همین دلیل آن‌ها را قادر می‌سازند تا مکثات درونی خود را به درستی آشکار سازند.

مارگارت لوفلد بنیان‌گذار **شن‌درمانی واقعی** شناخته شده است. روش شن‌درمانی نوعی بازی درمانی غیرمستقیم است که در آن درمانگر نقش تسهیل‌گر را دارد و مراجعان می‌توانند هیجانات و تصویرهای ذهنی خود را آزادانه و با استفاده از جعبه شن و اشیاء مینیاتوری مختلف در درون جعبه شن خلق کنند. در نظر یک درمانگر، صرف نظر از جهت‌گیری وی، این روش می‌تواند منبعی بارز برای تشخیص و شناخت محسوب شود. کالف^۷، یکی از شاگردان لوفلد، پس از سال‌ها استفاده

مورد **بازی** بود که آن را فعالیتی بسیار مهم در رشد و تحول کودک می‌دانست. وی عقیده داشت که **بازی** در حقیقت زبانی است که کودک می‌تواند از طریق آن تجربه کسب کند.

ابتکار بعدی وی ابداع آزمون موزائیکی است^۴ که در بیان شکل و رنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و در روان‌درمانی و روان‌کاوی و تحقیقات بین‌فرهنگی کاربرد دارد. آزمون موزائیک ابزاری عینی و پروژکتیو است که به کودک اجازه می‌دهد تصویری از خود در عمل نقاشی ترسیم نماید. این آزمون همچنین در تشخیص تفاوت‌های فرهنگی کارساز است.

تجربیات طولانی‌مدت لوفلد در مشاهده کودکان و استفاده از تکنیک غیرکلامی^۵ به رشد نظریه‌های اساسی و اختصاصی وی منجر شد. تجربه وی در مشاهده کودکان همچنین او را قادر به طراحی ابزاری آموزشی به نام پلی‌دوبلاکس^۶ کرد که به کودکان خردسال در کشف اصول اساسی ریاضیات کمک می‌کند. از این وسیله هنوز به‌طور گسترده در مدارس

پی‌نوشت‌ها

1. Margaret Lowenfeld
2. the world technique
3. sand play
4. Mosaic test
5. Non-Verbal
6. Poleidoblocs
7. Kalf
8. Sand Play Therapy





دو نسل، باد و تجربه!

فریده عصاره
کارشناس پیش دبستانی

از سویی در آن زمان شکل خانواده‌ها اغلب گسترده بود؛ یعنی هر خانواده با پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و گاه عموها و عمه‌ها در یک خانه زندگی می‌کردند یا اگر از خانه جدا شده بودند، در بسیاری مواقع در یک محله سکونت داشتند. این هم‌زیستی‌ها نه تنها الگوی خوبی برای اجتماعی شدن کودکان بود و بچه‌ها را از محبت بیشتر بهره‌مند می‌ساخت بلکه بچه‌ها و نوه‌های خانواده را گرد هم جمع می‌کرد. در واقع مهد کودک خودجوشی تأسیس می‌شد که مدیریت و نظارتش را خود ما کودکان بر عهده داشتیم.

در گذشته اقوام، فامیل و همسایگان مراد و مؤنسست بیشتری با هم داشتند. به هنگام گرفتاری‌ها و پیشامدهای ناگوار برای خانواده‌ای همگی گردهم می‌آمدند تا از آن‌ها دلجویی کنند و با همفکری و همدلی‌های خود گره از مشکلشان بکشایند یا در شادی‌ها، مثلاً مجالس عروسی و مراسم شادی دیگر، خویشان و همسایگان چند شبانه‌روز نه تنها با ابراز شادی و پایکوبی در شادی یک خانواده سهیم می‌شدند بلکه در تهیه غذا و پذیرایی از مهمان‌ها با او همراه و همگام بودند. سفره ساده و بی‌ریایی می‌گسترده و با صفا و صمیمیت همگی دور آن حلقه می‌زدند. چنانچه شخصی به رحمت ایزدی می‌پیوست خویشان و

اشاره

در این مقاله، ابتدا از دهه‌های دوران کودکی ما یاد شده و سپس دوران کودکی بچه‌های شهرنشین امروزی، به‌ویژه تهرانی‌ها، به چالش کشیده شده است. به راستی کودکان در کدام یک از این دوره‌ها به‌طور طبیعی به رشد همه‌جانبه خودجوش می‌رسند؟ حلاوت کودکی در کدام دوره چشیده می‌شود؟ دوره کودکی کودک عصر قدیم یا کودک عصر جدید؟ بزرگ‌سالان عصر قدیم مستقل‌تر، کوشاتر، صبورتر، سازگارتر، شادتر و سرحال‌ترند یا جوانان عصر جدید؟ کودک درون کدام یک از این دو زنده‌تر است؟ برای کودک امروز چه باید کرد؟

کلیدواژه‌ها: کودکان پیشین، کودکان امروز، کودک شهری، زنده بودن کودک درون، تعلیم و تربیت طبیعی، مهد کودک خودجوش، آزادی عمل در بازی‌ها

یاد باد آن کوچه پس کوچه‌های دوره کودکی ما

در دوره کودکی ما، خانه‌ها فراخ، با اندرونی، بیرونی، زیرزمین، حیاط، باغچه، حوض، اتاق‌ها، پستوها، گنجه‌ها، تاقچه‌ها و رفک‌ها بود. از سوی دیگر کوچه پس کوچه‌های محله با تنوع معماری، گچکاری زیبای سر در خانه‌ها، نقش و نگارهای چشم‌نواز، در کوب‌ها و خواجه‌نشین‌ها از فضای خانه تا پیچ و خم‌های کوچه و محله هر گوشه‌اش دارای محرک‌های چشم‌نواز برگرفته از فرهنگ اصیل ایرانی بودند. این تنوع معماری فرصت‌های آموزشی، جست‌وجوگری و مکاشفه را برای ما کودکان ساکن آنجا فراهم می‌کرد.

همسا یگان

خانواده‌اش را تنها نمی‌گذاشتند و با همدلی و همدردی‌های خود بخشی از بار غم او را به دوش می‌کشیدند. همگی کمک می‌کردند تا غذا به خوبی تهیه شود و مراسم عزاداری به نحو شایسته‌ای برگزار گردد.

کودکان هم در این الگوهای انسانی یکرنگی و یکدلی را مشاهده و آن را در ضمیر ناخودآگاهشان ثبت می‌کردند. آن‌ها در این محافل و مجامع مجالی می‌یافتند تا با کودکان دیگر اوقاتی را به مصاحبت و بازی بگذرانند.

در کوچه یا حیاط خانه دنبال هم می‌دویدند و بازی‌های ذهنی و جسمی با هم طراحی و اجرا می‌کردند. به این ترتیب، نه تنها ذهن و جسمشان پرورش می‌یافت بلکه کارها، اعمال، رفتارها، احساسات، عواطف و صمیمیت‌های ناب و خالص را که در میان این افراد رد و بدل می‌شد، از نزدیک لمس می‌کردند. هم با آداب و رسوم‌های بین‌فامیلی آشنا می‌شدند، هم جنبه عاطفی شخصیت خود را متعالی می‌کردند و هم با شرکت در این مجامع هر روز به گستردگی حلقه اجتماعی خود می‌افزودند. نحوه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با هم‌سالان و بزرگ‌ترها را یکجا می‌آموختند و بدین وسیله جنبه اجتماعی شخصیت خود را نیز پرورش می‌دادند.

یاد باد آن چشم و دل سیر بازی کردن‌ها

در خانه، در میان باغچه وسط حیاط می‌گشتیم و برگ‌های خشک را جمع می‌کردیم و آن‌ها را به اشکالی درمی‌آوردیم. شاخه‌های کوچک ریخته شده را دوباره در باغچه می‌کاشتیم و به امید اینکه برویند تا مدتی به آن‌ها آب می‌دادیم، از آن‌ها مراقبت می‌کردیم و آن‌ها را هر روز بررسی می‌کردیم که ببینیم سبز شده‌اند یا نه. وقتی از سبز شدنشان مأیوس می‌شدیم فرضیه دیگری در ذهنمان نقش می‌بست. در باغچه گل بازی می‌کردیم، تونل درست می‌کردیم. ریشه درخت‌ها را در خاک دنبال می‌کردیم. وقتی کرمی در میان خاک می‌یافتیم به دنبال لانه‌اش به جست‌وجوی پرداختیم.

مورچه‌ها را دنبال می‌کردیم تا به لانه آن‌ها می‌رسیدیم و وقتی مورچه در لانه‌اش می‌رفت و از چشم ما پنهان می‌شد، شروع به خیال‌بافی می‌کردیم؛ لانه مورچه را تصویرسازی می‌کردیم؛ مورچه ترسانی را تجسم می‌کردیم که نفس‌نفس‌زنان به آغوش مادرش می‌خزید و گفت‌وگوهای بین مورچه و مادرش را هم می‌آفریدیم و در واقع، داستان را خود تمام می‌کردیم. بعد از گل بازی دست‌هایمان را زیر شیر کنار باغچه می‌شستیم و تازه توجه‌مان به حوض و آب آن جلب می‌شد. ظرف‌هایی را از آب حوض پر می‌کردیم. دوباره آب آن‌ها را در حوض خالی می‌کردیم و امواجی را که بر سطح آب تشکیل می‌شد، به نظاره می‌نشستیم و دستمان را در موج فرو می‌کردیم. ماهی‌های حضور را مشاهده می‌کردیم. برایشان نان خرد می‌کردیم. غیر از این‌ها گاه به میوه‌هایی که در سطح حوض پخش شده بودند، ناخنکی می‌زدیم که این دزدکی خوردن چقدر به مذاقمان خوش می‌آمد. هنوز شیرینی یکی از آن سیب‌ها را در دهانم حس می‌کنم.

در کوچه با هم بازی‌ها لی‌لی، طناب‌بازی، گرگم به هوا، هفت سنگ، قایم‌باشک بازی، شمع و گل و پروانه، و... بازی می‌کردیم. در اکثر بازی‌های گروهی قواعدی را

از

قبل مشخص می‌کردیم و ملزم

به اجرای آن‌ها بودیم. بازی‌هایی که تحرک داشت و تقویت ماهیچه‌ها را در پی داشت. چنان بر بازی متمرکز و در لذت آن غرق می‌شدیم که گذشت زمان را نمی‌فهمیدیم.

در حین بازی وقتی گرسنه‌مان می‌شد و یا هوس میوه خوردن به سرمان می‌زد، به خانه برمی‌گشتیم؛ در یخچال یا گنج‌ها را باز می‌کردیم و لقمه‌ای یا به قول امروزی‌ها اسنکی می‌آوردیم ولی اغلب آن را به نیت هم‌بازی‌هایمان می‌آوردیم. آن لقمه را هم چون با دست خودمان درست شده بود، نوع آن را خود تعیین کرده بودیم و از همه مهم‌تر هیچ فرمانی از طرف بزرگ‌ترها برای خوردن آن صادر نشده بود، در میان دوستان با لذت می‌خوردیم. نه تنها از خوردن آن لذت می‌بردیم بلکه از تماشای خوردن دیگران نیز خشنود می‌شدیم. راستی که مواد آن هرچه بود، نوش‌جان و گواری وجودمان می‌شد. از طرفی، بدین‌گونه به خودمان کمک می‌کردیم تا هرچه زودتر از مرحله خودمحوری‌های کودکانه بیرون آییم، به استقلال برسیم و گامی در جهت اجتماعی شدن برداریم. گاه با یکدیگر قرار می‌گذاشتیم که امروز من خوراکی می‌آورم فردا تو و بدین وسیله قرارداد و تفاهم‌نامه‌ای شفاهی با یکدیگر به امضا می‌رساندیم.

گاه به تقلید از بزرگ‌ترها، سور و سات عروسی را در عالم بازی کودکانه‌مان راه می‌انداختیم. یک نفرمان مادر عروس می‌شد و دیگری مادر داماد و بقیه همبازی‌ها هم مدعوین در طول مراسم جشن و سرور خود با عروسک‌هایی که با چوب و پارچه درست کرده بودیم، به جای بزرگسالان نقش‌آفرینی می‌کردیم. حرف‌ها، اعمال و رفتار و صحنه‌ها و فضا را بازسازی می‌کردیم. بدین وسیله ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به شیوه‌ای مطلوب و غیرمستقیم در ما نهادینه می‌شد.

خیلی از اسباب‌بازی‌هایمان از پیش ساخته نبود یا از طبیعت بود و یا خود ساخته بودیم و به قول «اشنایر» خلاقیت و تخیل ما به اسباب‌بازی‌هایی که فقط یک کارکرد دارند، محدود نمی‌شد. محیط یادگیری بسیار گسترده بود؛ از خانه گرفته با محرک‌های متنوع و تفکربرانگیزش تا کوچه، مزرعه، باغ، رودخانه و دیدوبازدیدهای فامیلی به همراه آداب و رسوم‌ها در موقعیت‌های مختلف.

از وسایل خانه گرفته تا خاک و سنگ، درخت و آب... همه و همه محیط و فضای یادگیری ما را تشکیل می‌داد. در واقع، از همه فرصت‌های موجود برای بازی و یادگیری و کسب تجربه استفاده می‌کردیم؛



دبستان

در بازی‌های کودکانه

خودساخته که بزرگ‌سالی هم حضور نداشت به‌طور عملی می‌آموختیم؛ بدون اینکه بدانیم به کدام موضوع درسی مربوط‌اند. چه مهارت‌هایی کسب می‌کردیم و چه نیکو برای به‌کارگیری ضوابط و قواعد اجتماعی در یک جامعه بزرگ‌تر آماده می‌شدیم. هزاران آموزش و تجربه و مهارت زندگی را در دنیای کودکی آموخته‌ایم.

طفلک، کودک شهری امروز

ولی کودکان امروز ساکن شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران، در چار دیواری آپارتمان‌ها محبوس شده‌اند و دائم در معرض «بکن‌نکن»‌ها، «دست‌زن»‌ها، «اینجا اوخ می‌شی»، «آنجا را کثیف نکن» و بسیاری از باید و نبایدها و خط قرمزها- که هر کدام دنیای کودکی‌شان را خط‌خطی می‌کند- قرار دارند.

بسیاری از آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی‌ای زندگی می‌کنند که گاه همسایه‌های روبه‌رو و مجاور رفت و آمدشان را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که کمتر با هم برخورد کنند و یکدیگر را ببینند. گاه از چشمی آپارتمان نگاه می‌کنند و چنانچه کسی در راهرو نباشد در را باز می‌کنند و بیرون می‌روند.

بسیاری از کودکان امروزی در خانواده هسته‌ای خود خواهر و برادری ندارند و بسیار کم مادر بزرگ، پدر بزرگ و عمه و خاله و عمو و دایی خود را می‌بینند. با فامیل دورتر هم که ارتباطشان اندک است. اقوام و فامیل را نوروز به نوروز اگر ببینند! پدر و مادرشان هم در مراسم ختم و عروسی به تنهایی شرکت می‌کنند و بیشتر وقت‌ها آن‌ها او را با خود نمی‌برند. یا اگر هم مثلاً به جشن عروسی بروند، فامیل درجه یک دور یک میز می‌نشینند و با میزهای دیگر ارتباطشان کم است. از این گذشته در آن‌گونه محافل هم کمتر پیش می‌آید بچه‌های دیگری را ببینند؛ چون خانواده‌های امروزی که اکثراً بچه ندارند. این بچه‌ها وقتی بزرگ‌تر می‌شوند، پدر و مادر به بهانه مشغله درسی آن‌ها را به خانه خویشان و آشنایان نزدیک هم نمی‌برند و به سن

بدون

اینکه بزرگ‌تری

این محیط یادگیری را برایمان از

قبل طراحی کرده باشد اما امروز محیط یادگیری کودک شهری بسیار محدود است و خودش هم در تعیین و طراحی آن دخالتی ندارد. بزرگ‌ترها برایش طراحی می‌کنند، اجرا می‌کنند و برایش معین می‌کنند که چگونه از آن استفاده کند. ما بچه‌های دیروز به مزرعه‌ها و باغ‌های اطراف خانه‌مان می‌رفتیم و به گشت و گذار می‌پرداختیم و از نهال و گل و بوته و درخت و میوه گرفته تا لانه پرندها هیچ چیز از نظرم دور نمی‌ماند. مانند فعالیت‌های دیگر همیشه از تجارب دست اول برخوردار بودیم.

مشکل گشایی کودکانه

یادم می‌آید یک روز با همبازی‌های هم‌محله‌ای به هنگام گشت و گذار در کوچه از روی سنگ سیمانی که بر روی جوی آب گذاشته بودند و آن را پل کرده بودند، رد شدیم تا به مغازه خواروبار فروشی آن نزدیکی برویم و تنقلات بخریم. پول کافی نداشتیم و مغازه‌دار ما را از مغازه‌اش بیرون کرد. در راه برگشت با هم زمزمه می‌کردیم که مادرمان دیگر پول به ما نمی‌دهد. فکر می‌کردیم که از چه منبعی پول بگیریم و بیاییم از همان مغازه خوراکی بخریم. از روی پل رد شدیم. این بار توجه ما به پل جلب شد. به آن نگاهی انداختیم. یکی از بچه‌ها دستش را روی آن مالید و گفت: «سیمانی است.» یکی دیگر از بچه‌ها که بزرگ‌تر از بقیه بود گفت: «این پل قیمتش باید زیاد باشد.» یکی دیگر گفت: «می‌توانیم آن را بفروشیم و با پولش خوراکی‌هایی را که دلمان برایشان لک می‌زند، بخریم.» به فکر افتادیم که پل کوچک را از روی جوی آب برداریم و بفروشیم. سعی کردیم به کمک هم پل را جابه‌جا کنیم ولی زورمان نرسید. کنار پل نشستیم و فکر کردیم که چگونه آن را جابه‌جا کنیم. بالاخره به این نتیجه رسیدیم که چیزی بیاوریم و زیر لبه پل بزنیم. ابتدا با یک سنگ امتحان کردیم؛ از جایش بلند نشد. بالاخره در کنار ساختمانی که کارگران مشغول ساخت و ساز بودند، میله‌ای آهنی پیدا کردیم و آوردیم. میله را زیر پل فرو کردیم و توانستیم آن را از روی جوی بلند کنیم ولی موفق به جابه‌جایی و انتقال آن نشدیم.

اگرچه به نتیجه‌ای نرسیدیم ولی فرایندی را که پیمودیم آموزنده بود بعدها وقتی به مدرسه رفتیم، و به درس اهرم در کتاب علوم که رسیدیم یاد میله آن روز فهم مطلب را برایم آسان کرد.

بسیاری از مفاهیم علوم تجربی مربوط به مدرسه را قبل از

که می‌رسند، دیگر خودشان دوست ندارند نزد آن‌ها بروند.

گاه در امکان عمومی مانند اتوبوس و غیره کودکی را می‌بینی که معمولاً همان یکی است. او هم با گوشی همراه مادرش مشغول است و چنان غرق در برنامه‌های آن شده که نه متوجه کسی است و نه به اطراف توجهی دارد. این وسایل الکترونیکی که بچه‌های امروز شیفته آن‌ها هستند، به یقین تهدیدی برای جوانب رشدی، به‌ویژه رشد اجتماعی کودکان محسوب می‌شوند. برای تغذیهٔ کودک امروزی مادران کاسه و قاشق به‌دست و بدوبدو به دنبال او می‌دوند. قاشق گاه هواپیما می‌شود گاه ماشین. و با هر قاشق کودک خروار خروار تشویق می‌شود. گاه وعده‌وعیدهای متعدد به وی می‌دهند که اگر غذایت را خوردی فلان چیز را برایت می‌خرم و... هیچ کدام از این تشویق‌ها نه تنها درونی نیست و انگیزهٔ غذا خوردن و لذت آن را به او نمی‌چشاند بلکه او را کودکی باج‌گیر بار می‌آورد. کودکی که مسئولیتی حتی در قبال غذا خوردنش هم ندارد.

بچهٔ آپارتمان‌نشین امروز در خانه کمتر با حیاط و گل و گیاه و حوض و آب هم‌نشین است، دوست و همبازی ندارد و اجازهٔ بیرون رفتن از خانه را هم به او نمی‌دهند. وقتی با مادرش به خارج از خانه می‌رود بیشتر وقت‌ها از مبدأ تا مقصد دست در دست مادر است و نباید به چیزهایی که سر راهش است دست بزند. وقتی او را به پارک می‌برند باز هم آزادی لازم را ندارد. نمی‌تواند آن‌طور که دلش می‌خواهد با آب و گل و سبزه و چمن و خاک دل سیر بازی کند. بازی‌اش فقط تحت کنترل مادر و با شرایط و ضوابطی است که او برایش وضع کرده است. سرسره و الاکلنگ و چند وسیلهٔ بازی کودکانه را سوار می‌شود و به خانه برمی‌گردد.

در اتاق او که ممکن است در و دیوار آن خیلی هم زرق و برق‌دار باشد، اسباب‌بازی‌های جورواجور و از پیش‌ساخته هست که بیشتر آن‌ها یک کارکرد دارند او به تنهایی با آن‌ها بازی می‌کند و گاه با دوست خیالی‌اش سرگرم می‌شود.

بسیاری از مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی فضای باز برای کودکان ندارند و بیشتر اوقات کودکان در کلاس پشت میزها با کتاب و کاغذ فعالیت‌هایی چون «نگ بزن»، «وصل کن» و بسیاری از کارهای غیرخلاقانه و منفعلانه سپری می‌شود و به فعالیت‌هایی که با تحرک و جنب‌وجوش، که ذات کودکان با آن عجین است - کمتر همراه است پرداخته می‌شود. به این ترتیب، به شکوفایی تفکر و خلاقیت که اساس فطرت کودک را تشکیل می‌دهد، هیچ توجهی نمی‌شود.

به مهدکودکی در یکی از نقاط خوب تهران رفته بودم. دم در با ده پانزده بچهٔ سه ساله که قرار بود به همراه دو مربی به پارک بروند، مواجه شدم. همهٔ بچه‌ها را جلوی در مهدکودک، سینهٔ دیوار ردیف کرده بودند. یکی از مربی‌ها ضمن اعلام پارک رفتنشان از آن‌ها می‌خواست که در آنجا هفت یا هشت قانون را رعایت کنند. «قانون یک: همه صف می‌بندید. قانون دو: تا پارک صف را به هم نمی‌زنید. قانون سه: در پارک وارد چمن نمی‌شوید. قانون چهار: به گل‌ها، چمن‌ها و درخت‌ها دست نمی‌زنید. قانون پنج: نباید خودتان را خیس کنید. قانون شش: ...» هنوز این قانون را اعلام نکرده بود که توجهم به چند تا بچه جلب شد که داشتند با هم صحبت می‌کردند و اصلاً به حرف‌های مربی توجهی نداشتند. کمی آن طرف‌تر دو سه بچهٔ دیگر پروبر به هم نگاه می‌کردند. از ظاهرشان پیدا بود که حرف‌های مربی را هضم نکرده‌اند که دیگر ما به داخل رفتیم و بچه‌ها را ندیدیم.

قرار باشد به آب و گل و چمن دست زنند، دیگر طبیعت چه لطفی برایشان دارد؟ چرا حسرت لمس طبیعت و پدیده‌های طبیعی را در دل کودکان می‌گذاریم؟ بعضی وقت‌ها که برای پیاده‌روی به پارک می‌روم، مادرها را می‌بینم که دائم در حال تذکر دادن به فرزندانشان هستند: «روی چمن نشین! لباس‌تازه شستم، کثیف میشه. شیر آب را باز نکن، خیس میشی! به فواره حوض نزدیک نشو.» ای مادر، می‌دانی وقتی ذرات ریز آب به صورت و پوست کودک می‌خورد و خنکش می‌کند چه لذتی می‌برد. کودک در یک زمان هم جریان بادی را که به صورتش می‌خورد حس می‌کند و هم خنکی آب را. تمام وجودش از هماغوشی با طبیعت لبریز از شادی می‌شود.

طبیعت همان آیت خداوندی است که گشت و گذار در آن به ما، بندگان، مکرر توصیه شده است؛ همان طبیعتی که بهترین منبع برای ملموس کردن وجود حق تعالی برای کودکان است.

پس کودکان را از طبیعت و آزاد بودن در آن محروم نکنیم

به راستی، زنده ماندن کودکِ درون چگونه است؟ از چه راه‌هایی

است؟

همین

تجربه‌ها و لذت‌های دوران کودکی است که کودکِ درون دورهٔ بزرگسالی را سرزنده نگه می‌دارد. کودکی که زیاد «بکن نکن» شنیده است در بزرگسالی به یک فرد والد حمایتگر تبدیل می‌شود. کسی می‌شود که چون از کودکی‌اش لذتی نبرده است؛ در بزرگسالی هم آن‌طور که باید و شاید لذت نمی‌برد.

نویسنده و شاعری که می‌تواند برای کودکان بنویسد و شعر بگوید و کودکان بتوانند دنیا واقعی خودشان را در آیینۀ آثار او ببینند و از نوشته‌هایش لذت ببرند، کودکِ درونش زنده است و در دورهٔ کودکی‌اش به خوبی کودکی کرده است. مربی کودکی که مهارت مطلوب برقراری ارتباط با کودکان را دارد و کودکان از بودن با او لذت می‌برند، خود تجربهٔ شیرین کودکی را چشیده است.

برخی از افسردگی‌ها و دل‌مردگی‌های دورهٔ بزرگسالی ریشه در کودکی دارد و از کنترل‌های افراطی والدین نشئت می‌گیرد. برخی از افراد به دلیل کودکی نکردن به موقع، در کهن‌سالی رفتارشان کودکانه و به دور از هنجارهای اجتماعی است.

مورچه‌ها را دنبال می‌کردیم تا به لانهٔ آن‌ها می‌رسیدیم و وقتی مورچه در لانه‌اش می‌رفت و از چشم ما پنهان می‌شد، شروع به خیال‌بافی می‌کردیم؛ لانهٔ مورچه را تصویرسازی می‌کردیم

مهارت‌های اجتماعی کلید یادگیری

شیرین برزین
کارشناس پیش دبستانی

اولیای کودکان امیدوارند که کودکانشان در مدت زمانی که به پیش دبستان می‌روند چیزهای زیادی یاد بگیرند، شعر بخوانند، نقاشی کنند و مفاهیم علمی را بیاموزند اما باید توجه داشت که کسب بسیاری از مهارت‌های دیگری لازم است تا یادگیری برای کودک تسهیل شود. مطالعات نشان می‌دهند که کودک در آغاز ورود به پیش دبستان نیازمند کسب و توسعه مهارت‌هایی است که کلید یادگیری محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، این گونه مهارت‌ها اساس یادگیری خواندن، نوشتن، ریاضیات و علوم هستند. تقویت اعتماد به نفس، مهارت همکاری و ارتباط با دیگران، خودکنترلی و حس کنجکاوی از جمله این مهارت‌ها هستند.

کلیدواژه‌ها: مهارت اجتماعی، خودکنترلی

اعتماد به نفس گذرنامه کودک برای داشتن یک عمر زندگی همراه با سلامت روان، شادی و کلید موفقیت او در بزرگسالی است. این به آن معنی است که کودک بتواند احساس خوبی در مورد خود داشته باشد. این حس به ارتباط کودک با خود، ارتباط او با دیگران و نیز به یادگیری او در حال حاضر و در سال‌های بعدی مدرسه کمک خواهد کرد. اولیا و مربیان در تقویت این حس در کودک نقشی اساسی دارند. کودک در خانه و مدرسه باید احساس امنیت کند و رفتار با او به گونه‌ای باشد که مطمئن باشد که دوستش دارند. همراهی با کودک در بازی‌ها، خواندن قصه برای او نه تنها اتلاف وقت نیست بلکه در پرورش حس اعتماد به نفس او تأثیر بسزایی دارد. برای تقویت حس اعتماد به نفس در کودک لازم است در برخورد با او به نظرات و احساساتش اهمیت داده شود. هنگام صحبت کردن با کودک لازم است او را به نام خطاب کنیم و با او تماس چشمی همراه با لمس دست و یا شانه‌اش داشته باشیم. به استعدادها و توانایی‌های هر کودک باید ارزش گذاشته شود و هرگز نباید کودک را با دیگران مقایسه کرد، زیرا هر کودک استعداد خاص خود را دارد. در برخورد با کودک، واژه‌هایی مانند تنبل، ترسو و یا عبارتی مثل «این کار تو نیست» یا «تو نمی‌توانی»، را نباید به کار برد. لازم است کودک را در کارهایی که در انجام دادن آن‌ها مشکل دارد، راهنمایی و کمک کنیم. در عین حال، به او مسئولیت بدهیم و نیز چگونگی انجام کار را پیگیری کنیم. ابراز خود در جمع از طریق انجام دادن وظایف، ارائه ایده‌ها، احساسات و دانش خود در مورد جهان پیرامون در تقویت حس اعتماد به نفس کودک تأثیر بسزایی دارد.

کنجکاوی کودکان

کنجکاوی نشان دهنده تشنگی کودک برای یادگیری است. کودک کنجکاو همیشه فعالانه به دنبال پاسخ به سؤالات خویش است. این کنجکاوی او را به سوی حل کردن رازورمزهای زندگی سوق می‌دهد. کنجکاوی کودک باعث می‌شود او یادگیرنده‌ای فعال باشد و مفاهیم را به راحتی درک کند. بازی و سایر فعالیت‌های فیزیکی یکی از بهترین راه‌ها برای تقویت حس کنجکاوی کودک است. کودکان اساساً در مورد اسباب‌بازی‌ها و وسایل خود کنجکاوند. اسباب‌بازی‌های فکری می‌توانند وسیله‌ای خوب برای توسعه کنجکاوی ذهنی کودک باشند. تشویق به کشف محیط‌های طبیعی و دست‌کاری در آن‌ها حس کنجکاوی کودکان را تحریک می‌کند. کودکان باید تشویق شوند که سؤال کنند و برای یافتن پاسخ سؤالات خود به خوبی جست‌وجو و مشاهده کنند. مربی با استفاده از طیف گسترده‌ای از مواد و وسایل و ایده‌های جالب می‌تواند کنجکاوی ذاتی کودکان را تحریک کند.

مهارت خودکنترلی

خودکنترلی یعنی توانایی کودک در به تأخیر انداختن خواسته خود برای رسیدن به چیز بهتری در آینده. خودکنترلی جزئی حیاتی برای برخورداری از رفاه اجتماعی است و به کودکان کمک می‌کند که یاد بگیرند احساسات و رفتارهایشان را در جهت یک تصمیم‌گیری خوب کنترل کنند. کودکانی که از این مهارت برخوردارند نسبت به خود احساس مثبتی دارند. آن‌ها حس ناامیدی و ناکامی خود را کنترل می‌کنند. خودکنترلی و توسعه نظم و انضباط از طریق فعالیت‌هایی شکل می‌گیرد که در کودک انگیزه ایجاد می‌کند. برای مثال، آن‌ها درک می‌کنند که برای شروع بازی باید نوبت بگیرند، هنگام گرسنگی منتظر بمانند تا غذا آماده شود و... برای تقویت این مهارت در کودکان، هرگاه کودک رفتار نامناسب خود را کنترل کرد باید تشویق شود و پاداش بگیرد. باید در جلب اعتماد کودک تلاش کرد. اگر به کودک قولی داده می‌شود، حتماً به آن عمل شود و در پذیرش یا نپذیرفتن رفتار کودک باید ثابت قدم بود. بزرگ‌ترها باید رفتار خود را کنترل کنند. هنگامی که کودک خشم

و عصبانیت آن‌ها را می‌بیند، احساس می‌کند زندگی پر از شرایط اضطراری است و در مقابل مشکلات احساس ناتوانی می‌کند و این امر کنترل رفتار را برای او دشوار می‌سازد. بنابراین، مهم‌ترین کار این است که با کودک با آرامش و مهربانی رفتار شود. با ایجاد محدودیت‌های منطقی و مشخص کردن زمان برای انجام فعالیت‌ها و استمرار و تمرین، پذیرش نظم و انضباط در کودک توسعه می‌یابد. انتظار کشیدن تمرین خوبی برای خودکنترلی است. اگر کودک مطمئن باشد که انتظار کشیدن نتیجه خوبی دارد، مثلاً نوبت بازی می‌رسد یا چیزی را که می‌خواهد به دست می‌آورد، به جای داد و فریاد زدن می‌پیزد که منتظر بماند اما باید توجه داشت انتظار طولانی که کودک قادر به تحمل آن نیست، نتیجه عکس دارد. در مواقع خطر، مثلاً زمانی که کودک در مکان خطرناکی ایستاده است، بزرگ‌ترها باید آرامش خود را حفظ کنند؛ زیرا نشان دادن اضطراب خود به کودک امکان گرفتن تصمیم‌های عقلانی را از او سلب می‌کند و سبب می‌شود با اقدام عجولانه به خود آسیب برساند. کودک باید یاد بگیرد که برای انجام دادن کارهایی که مشخص شده است، اجازه بگیرد و این امر از طریق تمرین و تکرار محقق خواهد شد. هرگاه او با اصرار و یا بدون اجازه بتواند چیزی را به دست آورد، بیشتر خواهد خواست. او باید بداند برای انجام دادن کارها و یا برداشتن و داشتن چیزی رضایت بزرگ‌ترها شرط است. از این طریق است که نظم و انضباط شکل می‌گیرد.

همکاری

همکاری و ارتباط با دیگران مهارت مهم دیگری است که مربی می‌تواند آن را از طریق فعالیت‌های کلاسی در کودکان تقویت کند. اعضا در جریان کار گروهی می‌آموزند به تصمیمات گروه اهمیت دهند و آن‌ها را بپذیرند و نیز احساسات اعضای را به حساب آورند. آن‌ها یاد می‌گیرند چگونه در زمان تعیین شده کاری را به نتیجه برسانند. مشارکت در فعالیت‌هایی مانند پخت‌وپز، نطافت، جمع‌آوری برگ‌ها و صدف‌ها در گردش علمی، و درست کردن تابلو به صورت گروهی تمرین‌هایی برای یادگیری همکاری است. همچنین کودکان از طریق بازی، قصه، شعر و سرود یاد می‌گیرند چگونه با دیگران همکاری و همدردی کنند. مربی باید امکانات بازی و دیگر فعالیت‌های یاددهی - یادگیری را برای کودکان فراهم کند. کودک اولین بار حروف و اعداد را از طریق بازی‌های نمایشی، بلوک‌سازی و... می‌آموزد. بنابراین پدران و مادران، اخم نکنید اگر کودک شما به خانه می‌آید و می‌گوید: «در طول روز در مدرسه فقط بازی کردم!» مطمئن باشید که کودک با راهنمایی

و هدایت مربی و کنجکاوی ذاتی خود در حین بازی به کسب مهارت‌های اساسی و مهمی چون حل مسئله، خواندن، ریاضی و علوم سوق داده شده است. بدین گونه است که کودک مشتاق یادگیری می‌شود؛ چرا که او از طریق بازی کشف می‌کند که یادگیری سرگرم‌کننده و لذت‌بخش است و بدین ترتیب، به یک یادگیرنده مادام‌العمر و مشتاق تبدیل می‌شود.

منابع

<http://www.etllearning.com/for-parents/articles/5-ways-develop-your-childs-curiosit>
<http://www.askdrsears.com/topics/parenting/child-rearing-and-development/12-ways-help-your-child-build-self-confidence>
<http://www.scholastic.com/parents/resources/article/social-emotional-skills/why-social-skills-are-key-to-lrning>
<http://www.ahaparenting.com/-blog/Parenting-Blog/post/Help-Your-Child-Develop-Self-Control/>

برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، مترجم: فرخنده مفیدی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۱.

خودکنترلی
به کودکان کمک می‌کند
که یاد بگیرند احساسات و
رفتارهایشان را در جهت یک
تصمیم‌گیری خوب کنترل کنند



اینجا را بیشتر دوست داریم!

مرتضی طاهری
کارشناس گروه پیش دبستانی

دنیای کودکان سرشار از پاکی، صداقت و یکرنگی است. بسیاری از واقعیت‌ها را از گفتار و کردار آنان می‌توان دریافت.

در بازدیدهایی که از کلاس و فعالیت‌های مراکز پیش دبستانی داریم، حین گفت‌وگو با کودکان، اغلب از آن‌ها می‌پرسیم: «راستی بچه‌ها، اینجا را بیشتر دوست دارید یا خانه را؟»

عموماً پاسخ دسته‌جمعی نوآموزان چنین است: «اینجا را!» و این پاسخ را هم با نشاط و فریاد و شادی بیان می‌کنند. هنگامی که دلیل را می‌پرسیم، پاسخ‌هایی از این دست می‌شنویم: «اینجا بازی می‌کنیم، چیز یاد می‌گیریم، چیز می‌خوریم و...»

البته وقتی هم که به شوخی می‌گوییم: «پس امشب را در همین‌جا بمانید و به خانه نروید»، با خنده می‌گویند: «دل‌مان برای مادر و پدرمان تنگ می‌شود!»

نکته جالب این است که همین کودکان هنگامی که به دوره‌های بالاتر می‌روند، اغلب از شنیدن خبر تعطیلی مدرسه شاد می‌شوند و از آن استقبال می‌کنند!

آیا علت این تعارض را نباید در آزادی و اختیار کودکان پیش دبستانی از یک‌سو و اجبار حضور همسالان در مدرسه در دوره‌های بالاتر، از سوی دیگر دانست؟



رسمی شدن دوره پیش دبستانی و مربیان کارآمد

مسعود تهرانی فرجاد
کارشناس پیش دبستانی

با ویژگی‌های مخاطب از اصلی‌ترین ارکان در تمام نظام‌های آموزشی و پرورشی دنیاست. به طوری که بین میزان پیشرفت و توسعه مطلوب هر کشوری با رسمیت دادن به نقش مربیان توانمند دوره اول کودکی آن رابطه معناداری وجود دارد. جامعه ما نیز برای برون‌رفت از مشکلات و پرفروغ‌تر شدن آینده خود نیازمند توجه اساسی و عملی به نقش سازنده مربی است. تا قبل از رسمی شدن دوره

برای نگاه دقیق به آینده توأم با موفقیت و پیشرفت کشور نیازمند توجه به بنیادی‌ترین دوره تعلیم و تربیت، یعنی سال‌های اول کودکی فرزندانمان، هستیم. این نگرش وقتی تحقق می‌یابد که افق روشن و برنامه‌ای مستند و مصوب در پیش‌روی دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان این دوره باشد و مسئولان و مجریان خود را موظف به انجام کامل آن بدانند.

«آموزش و پرورش رسمی» دارای برنامه آموزشی و پرورشی مشخصی است که نظام تعلیم و تربیت کشور آن را از همه جهات به رسمیت می‌شناسد و مسئولیت آن را بر عهده دارد

پیش دبستان هرگاه درباره توجه به این دوره، به‌ویژه آموزش، تربیت و جذب مربیان توانمند سخن به میان می‌آید، پاسخ این بود که پیش دبستان دوره‌ای غیررسمی است؛

در سند تحول نظام تعلیم و تربیت و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، پیش دبستان «دوره‌ای رسمی» تعریف شده است (برنامه درسی ملی صفحه ۴۶). با مطالعه و بررسی در این اسناد به‌طور کلی می‌توان گفت: «آموزش و پرورش رسمی» دارای برنامه آموزشی و پرورشی مشخصی است که نظام تعلیم و تربیت کشور آن را از همه جهات به رسمیت می‌شناسد و مسئولیت آن را بر عهده دارد. منابع دینی و علمی در حوزه تعلیم و تربیت انسان، علاوه بر تأثیر آموزش‌ها در هفت سال اول کودکی بر نقش بی‌مانند مربی و معلم در مقایسه با دیگر عوامل در این مقطع سنی بسیار تأکید دارند.

علمی و اجرایی از مربیان پیش دبستان و نظارت بر حسن اجرای فعالیت و کارآمدی آنان به صورت جدی و رسمی برنامه‌ای صورت نمی‌گرفت. اکنون با رسمی شدن دوره پیش دبستان می‌توان گفت از مصادیق بارز رسمیت یافتن این دوره، جذب با ثبات و تربیت مربیان کارآمد و توانمند برای حضور در مراکز و کلاس‌های پیش دبستان است. امید است با عنایت به اثربخش‌ترین اقدام‌ها، یعنی رسمیت دادن به آموزش و پرورش دوره پیش دبستان از طریق تربیت مربی کارآمد، شاهد فردای بهتر کشورمان باشیم.

کلیدواژه‌ها: مربیان پیش دبستان، آموزش و پرورش رسمی، دوره پیش دبستانی.

جذب مربی کارآمد از مصادیق رسمی بودن

توجه به نقش نیروی انسانی یا همان مربی و معلم دلسوز، آشنا و آگاه



پدیده «دوزبانی» در مهدهای کودکان

مرکز ماد دوزبانه است!

مهسا شیخان

پیشینه

مطالعاتی

آموزش زبان بدان

معناست که مواد درسی در

قالب برنامه‌های درسی موازی در دو

زبان مورد نظر و در ساعات درسی عموماً یکسانی ارائه می‌گردد اما این پرسش مطرح می‌شود که این مهدکودک‌ها فعالیت‌های دو زبانه را در مراکز خود تا چه میزان عملی می‌کنند و پیش می‌برند. مشاهدات شخصی من به‌عنوان طراح مطالب درسی و مدرس زبان انگلیسی در یک مهدکودک دو زبانه حاکی از این است که آن مرکز خاص تنها کلاس‌هایی برای آموزش زبان انگلیسی ترتیب داده است و فعالیت‌هایش در قالب دو زبانه بودن عملاً مصداقی ندارد. با این حال، والدین قشر متوسط و البته مرفه اشتیاق وافری به این نوع مهدکودک‌ها نشان می‌دهند و اغلب با پرداخت هزینه‌های هنگفت کودکان خود را در این نهادهای «دو زبانه» ثبت‌نام می‌کنند.

چیز

خودنمایی می‌کند،

تبلیغ این مراکز در رابطه با آموزش زبان انگلیسی برای «کودکان سه تا پنج ساله» است و جالب توجه‌ترین مورد، «مراکز مهدکودک و پیش‌دبستانی دو زبانه» اند. عموماً مسئولان این مراکز به پرسش‌های مراجعان در مورد چگونگی فرایندهای یادگیری دو زبانه با این ادعا پاسخ می‌دهند که در فعالیت‌هایشان خدمات آموزش زبان خارجی بسیار ویژه‌ای به کودکان ارائه می‌شود و سطح فرایندهای آموزشی و یادگیری آن‌ها با این مراکز مشابه از نظر مواد و ساعت‌های درسی فوق‌برنامه بسیار متفاوت است. مفهوم ارائه آموزش زبان در قالب محیط‌های «دو زبانه» در قالب

کلیدواژه‌ها:

مراکز دو زبانه، زبان دوم، زبان آموزی

اخیراً، در سطح تهران شاهد ظهور مهدهای کودک بی‌شماری هستیم که هر کدام با نماهای مختلف و رنگین جلوه جدیدی به کوچه پس کوچه‌های شهر داده و عموماً نمای ساختمان‌های قدیمی را با رونمایی دوباره تازه کرده‌اند. آنچه به‌طور اجمالی در تبلیغات و شعارهای این مراکز مطرح می‌شود، ادعای متحول ساختن شیوه‌های متداول آموزش و ارائه روش‌های «نوین» و «کارآمد» و عموماً «لذت‌بخش» برای یادگیری کودکان است؛ آنچه خود آن را «آخرین متدهای روز» می‌نامند در فضایی کاملاً «شاد». در میان این تبلیغات گوناگون آنچه بیش از هر

پر واضح است که آموزش زبان انگلیسی دست‌کم در شهر تهران گرایش و گفتمانی خاص را ایجاد کرده است. این گفتمان خاص، در خانواده‌های ایرانی از طبقات اجتماعی-اقتصادی متوسط و عموماً در طبقات مرفه جامعه مشاهده می‌شود؛ میل به آموزش زبان انگلیسی به کودکان، البته نه آن‌چنان وافر در خود کودکان بلکه تمایل شدید والدین به زبان‌آموزی کودکانشان.

مقاله حاضر می‌کوشد با نگاهی دوباره به فعالیت‌های مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی از آنچه این مراکز با صفت «موفق» از آن یاد می‌کنند، نیز چالش‌های موجود در این مراکز که اغلب کودکان با آن‌ها مواجه‌اند و توقع بالای والدین از نتیجه فعالیت‌ها و البته نقش سیاست‌بازانه، قدرت‌مدار و کنترلی مسئولان این نهادها را با نگاهی متفاوت روایت کند. بدین ترتیب، اینکه اصولاً چه ساز و کارهایی باعث ایجاد چنین رویکردی به مقوله زبان‌آموزی شده و چه لایه‌ها و فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این رویکرد را ایجاد کرده‌اند و البته، اینکه رویکرد حاضر در نوع خود آیا تنها عکس‌العملی فراگیر در تقابل با دنیای فناوری و اطلاعات است یا نه، نیز در جای خود قابل بحث است. اما بحث اصلی این مقاله بررسی سازوکارهای یادگیری زبان در این مهدکودک است که نه تنها آزاداندیشانه، نقادانه و مبتنی بر مفاهیم «نوین» و دست‌کم «کنونی» سوادآموزی نیست بلکه به شیوه‌ای کاملاً سنتی سعی در رفع تکلیف این مرکز به‌عنوان یک مرکز «دو‌زبانه» دارد. □

این مهدکودک و مرکز پیش‌دبستانی در یکی از محله‌های شمالی تهران در نزدیکی کوه‌های دربند از آب و هوایی کاملاً عالی و البته محیطی بسیار آرام و سرسبز بهره می‌برد. حیاط مهدکودک بخشی از یکی از باغ‌های قدیمی تهران است و ساختمان سفید رنگ دو طبقه با قدمت بیش از چهل سال با انحنایی در جلوی ساختمان و پنجره‌های بزرگ چوبی سفید رنگ، نما

و معماری ساختمان‌های ۴۰-۳۰ سال پیش را به یاد می‌آورد. کودکان سه تا پنج ساله و اغلب از طبقات مرفه جامعه در این مهدکودک و مرکز پیش‌دبستانی ثبت‌نام می‌کنند و والدین آن‌ها حاضر به پرداخت هر گونه شهریه اضافه برای هر چه بهتر کردن تجربه‌های کودکان خود هستند. ظاهراً، مهدکودک نیز در این رابطه از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کند و دائماً در حال برگزاری جلسات مختلف و تحمیل هزینه‌های جدید، پذیرا و مجری پیشنهادهای والدین مبنی بر برگزاری کلاس‌های فوق‌برنامه است. با این حال، فضای تعلیم و تربیت و آموزش در آنجا با فضای یک مدرسه دولتی معمولی تفاوت چندانی ندارد، به‌جز ساعت‌های فشرده و فعالیت‌های خسته‌کننده گوناگون همچون مجسمه‌سازی، سفال‌گری، موسیقی، ژیمناستیک که اغلب باشتاب هم انجام می‌گیرند تا برنامه طبق زمان‌بندی پیش رود. در این میان، ساعت‌های آموزش زبان انگلیسی جالب توجه است. من در اینجا روایتی کوتاه از ساعات آموزش زبان انگلیسی بر مبنای مشاهدات خود نقل می‌کنم که برای کودکان سه ساله در هر صبح طی ۴۵ دقیقه ارائه می‌شود. کودکان دو تا سه ساله معمولاً بسیار کم صحبت می‌کنند و در اوایل صبح با چهره‌های خواب‌آلود به این کلاس انتقال داده می‌شوند. کتاب انگلیسی‌ای که برای آموزش به این کودکان به‌کار می‌رود، عبارت است از جزوه‌ای سیاه و سفید، کپی شده، با اشکال بسیار بزرگ که مربی زبان انگلیسی این مرکز آن را تهیه کرده و در تمامی ساعات تدریس در اختیار خود مربی است. معلم در طول ساعات آموزش زبان انگلیسی با اشاره به آن اشکال بی‌رنگ- که عموماً نقاشی‌های خودش هستند- سعی در آموختن مفاهیم و لغات جدید زبان انگلیسی دارد. او آموزش زبان را به شیوه‌ای کاملاً سنتی- پرسش و پاسخ- هدایت می‌کند و بچه‌ها تنها به این سؤالات پاسخ می‌دهند: «What's this». این فعالیت در حالی شکل می‌گیرد که بچه‌ها دور نیمکتی تنگ و کوتاه نشسته‌اند

و حتی نمی‌توانند به راحتی جابه‌جا شوند. مربی زبان انگلیسی این مرکز هیچ سابقه مطالعاتی در امر آموزش زبان انگلیسی ندارد و مطالبی را که به‌صورت تجربی و در جریان یادگیری زبان انگلیسی در مؤسسات خصوصی آموخته است، به بچه‌ها ارائه می‌کند. با اینکه کلاس این کودکان پر از اسباب‌بازی‌های رنگارنگ و متنوع است و مربی می‌تواند از آن‌ها به‌عنوان منبعی بسیار غنی برای آموزش مفاهیم گوناگون به‌کار بگیرد، در آموختن رنگ‌ها به زبان انگلیسی تنها به دو مداد رنگی بسیار کوچک اکتفا می‌کند و برای حصول اطمینان از اینکه یادگیری در کودکان اتفاق افتاده است یا نه، همان دو را به‌کار می‌گیرد. این در حالی است که برای مثال **پارسا** که کودکی سه ساله هست در یادآوری نام رنگ‌ها به زبان فارسی نیز کمی تأخیر دارد و **آرش**، کودکی که مدام برای مادرش دلتنگی می‌کند، مورد غضب معلم قرار می‌گیرد و از کلاس بیرون رانده می‌شود. این روایت چه چیزی را جلوی چشمان شما ظاهر می‌کند؟ آیا به یاد تجربه‌های زبان‌آموزی خود در مدارس راهنمایی نمی‌افتید؟ به‌نظر شما این روش با روش‌های سنتی و قدیمی زبان‌آموزی چه تفاوتی دارد؟

در تغییر این شرایط و ارائه مطالب و برنامه‌ریزی درسی زنده‌تر و مرتبط با محیط اطراف کودکان، نشست و ایستادن در یک دایره فرضی- که خود کودکان آن را شکل می‌دادند- و نیز خواندن اشعار ساده انگلیسی به کمک مربی جدید و یافتن اشکال مشابه با الفبای انگلیسی در محیط پیرامون و یا رنگ‌ها و مفاهیم مرتبط با محیط زندگی کودکان در محیط کودکانستان به‌عنوان راهکارهایی برای ارائه سوادآموزی نقادانه (فریر، ۱۹۹۲) ارائه شدند. کودکان از این تغییر شرایط خوشحال بودند. با نشست و ایستادن در دایره‌های یادگیری هم می‌توانستند حالت‌های راحت‌تری از یادگیری را تجربه کنند و هم می‌آموختند که ایستادن و نشست در دایره و خواندن شعر به نحوی متضمن نظم است. بنابراین، بعد از چند



جلسه آموخته بودند

که در ایجاد نظم در کلاس با صدا کردن همسالان خود و تشویق آن‌ها به شرکت در شعرخوانی و دیگر فعالیت‌ها مسئولیت‌هایی را بر عهده بگیرند. از سویی می‌توانستند ضمن یادگیری کلمات جدید به محیط اطراف خود دیدی موشکافانه داشته باشند.

در این میان، انتقادهایی از مدیر مهدکودک شنیده می‌شد مبنی بر اینکه «در این روش دیگر نمی‌توان بر کودکان کنترل داشت»، «و با این کار تمرکز کودکان کم می‌شود»، «فکر می‌کنید خواندن شعر برای آن‌ها الزامی است»، «چرا آن‌ها را به حیاط می‌برید» و «بهتر نیست آن‌ها در تمام مدت تدریس ساکت بنشینند و فقط خودتان شعرها را اجرا کنید».

این‌ها دست‌کم چند انتقاد اولیه به شیوه زبان‌آموزی «مبتنی بر تفکر» بوده است. سال‌هاست متخصصان آموزش زبان انگلیسی و نیز سوادآموزی فعالیت‌های آزاداندیشانه بی‌شماری را در مهدکودک‌ها انجام داده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به تحقیقات دونالد گریوز^۱، مارگارت هیملی^۲ و خصوصاً ویوین ماریا واسکوئز^۳، اشاره کرد. آن‌ها با تغییر شیوه ارائه مفاهیم در قالب مفاهیم

به این پرسش که تا چه حد این روایت زبان‌آموزی از دیدگاه شما «آزاد اندیشانه» و مبتنی بر تفکر است و اصولاً این شیوه ارائه در خدمات آموزشی تا چه حد مبتنی بر گفتمان قدرت است؟ مهم‌تر از همه طرح این پرسش ضروری به نظر می‌رسد: آیا یادگیری زبان انگلیسی به‌خودی‌خود به‌عنوان یک «پرستیژ اجتماعی» در گفتمان جامعه ایرانی تعریف نشده است؟

پی‌نوشت‌ها

1. Donald Graves
2. Margaret Himely
3. Vivian Maria Vasquez

منابع

1. The importance of the act of reading. In: Mitchell C. Weiler K., 1991 Freire, P. eds. *Rewriting Literacy: Culture and Discourse of the Other*. New York: Bergin & Garvey.
2. *Bring Life into Learning: Create a Lasting Literacy*. 1999 Graves, D. H. Portsmouth: Heineman.
3. *Shared Territory: Understanding Children's Writing as Works*. 1991 Himely, M. New York: Oxford University Press.
4. *Negotiating Critical Literacy with Young Children*. London, 2004 Vasques, V. M. Lawrence Erlbaum Associates, Publishers

مرجع

<http://anthropology.ir/node/14202>

مرتبط با محیط سعی کرده‌اند با ارائه زبان آموزشی به عنوان عملکردی اجتماعی گفتمان کنترل را با قدرتمندسازی کودکان در ارائه سؤال و تفکر به چالش بکشند. «گفتمان کنترل»، «مواد درسی اجباری و از پیش تعیین شده» و «حالات اجباری اداره کلاس» مفاهیمی آشنا برای ما هستند و یادآور تجربیات و خاطراتی مشابه؛ بیان‌کننده شرایطی آشنا که در آن مفاهیم به‌صورت کاملاً بی‌ربط با شرایط اجتماعی و زندگی افراد به آن‌ها آموخته می‌شود. در این میان بازخورد والدین هم در خور تأمل است: «چرا کودک من در یادآوری کلماتی که به تازگی یاد گرفته است تعلل می‌کند؟» چرا نمی‌تواند به‌صورت خودجوش معادل انگلیسی کلمات را در مکالمات روزمره با من بیان کند؟» این در حالی است که چنین اتفاقی در ایران که زبان انگلیسی یک زبان خارجی محسوب می‌شود انتظاری بیهوده است. در اینجا به پرسش‌های ابتدای مقاله باز می‌گردیم. اصولاً چه ساز و کارهایی باعث ایجاد چنین رویکردهایی به مقوله زبان‌آموزی شده‌اند؟ کدام لایه‌ها و فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این رویکرد را ایجاد کرده‌اند؟ و پیش از آن پاسخ دادن



نشستی

برای بررسی نرم افزار کودک
(مرکز تحقیقات رایانه حوزه
علمیه اصفهان)

انلدار محمدزاده صدیق

کار برای کودک باید توجیدی و با بهره‌مندی از تجربیات جهانی باشد

مدیران و کارشناسان مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان با اعضای هیئت تحریریه فصلنامه رشد پیش‌دبستانی نشستی به‌منظور بررسی نرم‌افزار تولید شده توسط این مرکز برای کودکان پیش‌دبستانی برگزار کردند. در این نشست تأکید شد که کار برای کودک نباید به‌صورت زاویه‌ای، خطی و خاص باشد بلکه کاری توجیدی با بهره‌مندی از تجربه‌ها و دستاوردها و ارزش‌های جهانی باشد.

در ابتدای این نشست خانم دکتر **فرخنده مفیدی**، سردبیر فصلنامه رشد پیش‌دبستانی به معرفی این نشریه پرداخت و گفت: «هدف اساسی این فصلنامه ارائه اطلاعات روز و تجربه‌ها در زمینه پیش از دبستان از زبان نویسندگان، محققان و برنامه‌ریزان برای مربیان، مدیران، کارشناسان و خانواده‌هاست.» او ضمن اشاره به بخش‌های متنوع نشریه گفت: «سعی شده است ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار شود و برای برقراری این ارتباط تنها به انتقال دانش شکل یافته بسنده نشده است بلکه برای واقع‌بینی در رابطه با آنکه در مراکز پیش‌دبستان شکل می‌گیرد، سفرهای استانی به تعدادی از استان‌های کشور صورت گرفته و گزارش‌های آن‌ها در مجله نیز به چاپ رسیده است. در این سفرها دوستان و کارشناسان همراه پیام‌هایی را از مراکز مورد بازدید انتقال دادند که به گوش

مستولان نیز رسیده و بازده خوبی داشته است.»

خانم دکتر مفیدی همچنین به انعکاس کارهای تحقیقی و پژوهش‌های مختلفی که در سطح دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد، در این فصلنامه اشاره کرد و گفت: «هدف این مجله ارتقای سطح دانش مربیان، کارشناسان و خانواده‌ها و ایجاد ارتباط با جامعه است؛ جامعه‌ای که کودک دوست است و زیباسازی فکر در رابطه با کودکان وجود دارد. امیدواریم بتوانیم به این موفقیت دست یابیم.»

در ادامه این نشست، آقای خامسی‌پور به نمایندگی از مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان به معرفی فعالیت‌های این مرکز پرداخت. او درباره اهمیت تعلیم و تربیت به‌ویژه از سنین پیش‌دبستانی گفت: «تعلیم و تعلم کاری خدایی است و کسانی که در این زمینه کار می‌کنند در مسیر حق قدم برمی‌دارند.» او در معرفی مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان توضیح داد: «مرکز

تحقیقات حوزه علمیه اصفهان از سال ۱۳۷۷ به امر و حمایت آیت‌الله مظاهری در اصفهان شکل گرفت و در حال فعالیت است.» خامسی‌پور با اشاره به اینکه ۱۶ سال از فعالیت این مرکز می‌گذرد، درباره اقدامات انجام شده گفت: «این مرکز که با ماهیت آموزشی تأسیس شده است، کارش را با آموزش رایانه برای طلاب آغاز کرد و در حال حاضر فعالیت‌های آن در بخش تحقیقات و انتشار کتاب با ماهیت حوزوی ادامه دارد.» او بخشی از کارهای تحقیقاتی این مرکز را احیای میراث به‌جا مانده از گذشتگان و یا عالمانی که در اصفهان زندگی کرده، درس داده یا به خاک سپرده شده‌اند، عنوان کرد و توضیح داد: «آثار این بزرگواران که به هر دلیل فرصت چاپ پیدا نکرده، گردآوری، بازسازی و بازخوانی شده است و در قالب این طرح به چاپ می‌رسد. تاکنون ۱۰ جلد میراث حوزه علمیه

در مرکز ما منتشر شده است.» او کار تحقیقی روی صحیفه سجادیه را از جمله کارهایی دانست که از گذشته توسط این مرکز صورت گرفته است و توضیح داد: «مجموعه ما خادم صحیفه سجادیه در کشور شناخته می‌شود. در همین راستا در بحث تحقیقات، احیای روایت‌ها و اسناد، نگارش لغت‌نامه‌ها و ترجمه‌ها، نگارش فرهنگ‌نامه موضوعی و احیای آثار عالمانی که با موضوع صحیفه سجادیه کاری را عرضه کرده‌اند در دستور کار این مجموعه بوده است و بر همین اساس کتاب فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه در سه جلد منتشر شده است.» او همچنین به آماده‌سازی دانشنامه نرم‌افزاری صحیفه سجادیه اشاره کرد و توضیح داد: «در این نرم‌افزار متن کامل صحیفه سجادیه همراه با تلاوت متن ارائه شده است. نرم‌افزار از امکانات متنوعی از جمله ارائه ۳۸ ترجمه به زبان‌های مختلف برخوردار است.» او به برخی از فعالیت‌های این مرکز در زمینه قرآن مجید اشاره کرد و گفت: «همیشه دغدغه مرکز ما این بوده است که استفاده از قرآن مجید فقط منحصر به جلسه تلاوت قرآن نباشد. به همین دلیل، ترجمه تصویری و صوتی (نمایشی) قرآن از جمله کارهایی است که در این مرکز تحقیقاتی در حال انجام است.» او درباره برنامه‌ریزی این مرکز برای ارائه نرم‌افزار ترجمه نمایشی قرآن مجید گفت: «بررسی انجام شده نشان می‌دهد که در کل قرآن مجید، ۴۵ درصد آیات قرآن ماهیت داستانی و نمایشی دارند و مابقی قرآن بشارت و انذار است. آن بخشی که قابلیت نمایشی داشت، به‌صورت نمایش عرضه می‌شود؛ یعنی ترجمه قرآن به‌صورت صوتی پخش می‌شود. وقتی که به آن قسمت از سوره نوح می‌رسد که خداوند به نوح فرمود کشتی بساز، اینجا شروع نمایش است و افراد دیالوگ‌ها را می‌گویند.» او به نظارت آیت‌الله قرائتی بر این کار و انتخاب ترجمه ایشان از قرآن مجید اشاره کرد.

خامسی‌پور ارائه کاری با عنوان «سبک زندگی» را پاسخی به دغدغه مقام معظم رهبری و مسئولان کشور به موضوعات اجتماعی دانست و در این‌باره توضیح داد: «حوزه در بحث سبک زندگی با این دید وارد شده است که سبک زندگی اسلامی را ارائه کند اما در سبک زندگی اسلامی هر جا که علم روز و فناوری باید به آن کمک کند، از آن فناوری در این محتوا استفاده شود و محتوا در اختیار مخاطب قرار گیرد تا وقتی که شخص از نظر دینی کار را می‌خواند و بررسی می‌کند، آنجا که نیاز دارد علمش را هم بداند، با بهره‌مندی از نرم‌افزار این کار برایش امکان‌پذیر باشد.» او مجموعه نرم‌افزارهای «سبک زندگی» را در دو بخش فردی و اجتماعی و شامل گروه‌های نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی برای سبک زندگی فردی و خانواده، شغل و معاش و مدیریت برای سبک زندگی اجتماعی دانست. خامسی‌پور گفت: «تاکنون نرم‌افزار سبک زندگی اجتماعی برای دوره نوزادی عرضه شده و شامل موارد قبل از بارداری تا دوسالگی است. نرم‌افزار دوران کودکی از ۲ تا ۱۲ سالگی تعریف شده است و در قالب پنج نرم‌افزار عرضه خواهد شد که شامل اتاق شادی، فرزندی برای آینده، طراوت غنچه‌ها، کودک و رسانه

و همشاگردی سلام است.» او به آماده‌سازی سه نرم‌افزار ویژه گروه پیش‌دبستانی اشاره کرد و گفت: «دو نرم‌افزار نیز مرحله دبستان و شروع تحصیل کودک را شامل می‌شود. دوران نوجوانی از ۱۲ تا ۱۷ سالگی است که یک کتاب و نرم‌افزار برای این گروه تولید و عرضه می‌شود و دوران جوانی از ۱۷ تا ۲۷ سالگی است که برای آن هم یک کتاب و نرم‌افزار کار و عرضه خواهد شد.» کارشناس مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان با تأکید بر اینکه عمده کار این مرکز درباره قرآن و اهل بیت است، توضیح داد: «برای همه اهل بیت یک نرم‌افزار کتابخانه دیجیتال آماده کرده‌ایم که به‌طور مثال، اگر شخصی می‌خواهد درباره حضرت علی(ع) مطالعه کند، یک نرم‌افزار در اختیارش باشد و ۸۸۰ کتاب و مقاله یکجا و کنار هم در اختیارش باشد.» او همچنین در بخشی از صحبت‌های خود به وجود کتابخانه عمومی این مرکز تحقیقاتی اشاره کرد که با ۱۶ هزار نسخه کتاب در شهر اصفهان در دسترس عموم است.

خامسی‌پور در ادامه به بررسی نرم‌افزار سبک زندگی مجموعه نوزادی پرداخت و گفت: «در این نرم‌افزار پنج بخش وجود دارد: قسمت اول بخش نگارخانه است. در نگارخانه مخاطب با تصاویر در قالب پوستر با موضوع نوزادی مواجه می‌شود که اطلاعات داخل پوسترها برگرفته از تحقیقات این مرکز است؛ به گونه‌ای که اگر کسی پوستر با موضوع نوزادی بخواند، بتواند این پوسترها را با طرح‌های متنوع در اختیار داشته باشد.» کارشناس این مرکز تحقیقاتی مخاطب اصلی این نرم‌افزار را اولیا، به‌ویژه مادرها، دانست و ادامه داد: «همچنین برای نام‌گذاری فرزند در نرم‌افزار اطلاعات مفیدی وجود دارد.» به گفته خامسی‌پور ۱۴ ساعت سخنرانی علمی، پزشکی با موضوع خاص نوزادی با استفاده از کارشناس‌های خبره در این نرم‌افزار موجود است. او در این‌باره توضیح داد: «تصویب‌برداری در استودیو مجموعه صورت گرفته است و کار کاملاً تولیدی می‌باشد. مطالب مذهبی، پزشکی، تغذیه، زنان و زایمان و مطالب و مباحث احکام مربوط به نوزاد هر کدام توسط متخصصان و کارشناسان ارائه شده است.» او با تأکید بر اینکه در تولید نرم‌افزارهایمان سعی کرده‌ایم همه مخاطبان را با هر سلیقه‌ای در نظر بگیریم و نیازشان را ببینیم، توضیح داد: «قسمت بعدی نرم‌افزار کتابخانه است، در این بخش متن کامل ۴۰ کتاب و مقاله درباره نوزادی قرار گرفته است که شخص می‌تواند به متن کتاب دسترسی داشته باشد و آن را مطالعه کند. همچنین ۱۵۰ کتاب دیگر توسط این نرم‌افزار معرفی می‌شود که مخاطب در صورت علاقه‌مندی می‌تواند با تهیه این کتاب‌ها از آن‌ها نیز بهره‌مند شود.» **محبوبه ملکی**، پژوهشگر مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان نیز بخش دیگر این نرم‌افزار را شامل ۴۰ داستان با موضوعات مربوط به نوزادی دانست که فایل صوتی آن نیز در بخش آواها برای مخاطب قابل دسترسی است. او به ارائه ۱۰۰ لایه در ده سبک اجرا در این نرم‌افزار اشاره کرد و گفت که موضوعات این سروده‌ها مفاهیمی از قبیل گذشت، ایثار، مهربانی، عشق به خدا، عشق به اهل بیت و عشق به خانواده و مخاطب اصلی



آن مادر (به منظور انتقال

به نوزاد) است. او درباره قسمت دیگر این نرم افزار توضیح داد: «قسمت دیگر نرم افزار شناختنامه نرم افزار است، پنج هزار صفحه مطلب با موضوع نوزادی طبقه بندی شده است که در قالب چهار موضوع تربیتی، بارداری و زایمان، حقوق نوزاد، نوزادی و شیرخوارگی به مادر به عنوان مخاطب نرم افزار عرضه می شود.»

فریده حیدری، دیگر پژوهشگر مرکز تحقیقات رایانه‌ای به وجود نرم افزار تقویمی در مجموعه این نرم افزار اشاره کرد و گفت: «در این نرم افزار تقویمی به نام تقویم مادر و کودک روی سیستم استفاده کننده نصب می شود. این تقویم اطلاعات مفیدی در اختیار مادر قرار می دهد، از جمله، زمان زایمان مادر را محاسبه می کند و ارائه می دهد، دانستنی های مذهبی و تغذیه ای بارداری را از قبل از بارداری تا ماه نهم در اختیار مادر قرار می دهد. این موردی است که خیلی از مادرها در مورد آن نگرانی هایی دارند و همواره به دنبال آن هستند. نرم افزار برای بعد از تولد کودک هم قابلیت هایی دارد؛ مثلاً مشخصات کودک را به نرم افزار می دهند و اطلاعات مذهبی نوزاد را از نوزادی ارائه می دهد. اطلاعات شیردهی را به مادر می دهد، کارت مراقبت از کودک را به صورت خودکار براساس اطلاعاتی می گیرد، نمودار رشد کودک را می کشد و نقائص و ضعف هایی را که کودک دارد مشخص می کند. زمان واکسیناسیون او را یادآوری می کند. به غذاهای تکمیلی کودک اشاره دارد و مراحل رشد را از بدو تولد تا دوسالگی شرح می دهد. سعی ما ارائه مجموعه کاملی از اطلاعات مذهبی و علمی تا دوسالگی برای کودک بوده است.» به گفته خامسی پور این نرم افزار اولین کار از مجموعه سبک زندگی است که تولید و به بازار عرضه شده است.

در ادامه این جلسه خانم دکتر مفیدی گفت: «آن طور که توضیح داده شد این نرم افزار شامل مطالب متنوع و سودمندی است. او انجام کار علمی، تخصصی و تحقیقی را قابل اعتمادتر دانست و گفت: «باید دید دسترسی عموم و کاربردی بودن نرم افزارها در شهرستان ها تا چه میزان است و چنین نرم افزارهایی تا چه میزان کاربرد دارند.»

همچنین **مرتضی طاهری**، از اعضای هیئت تحریریه رشد پیش دبستانی با بیان اینکه براساس نظریه یونسکو تا ۱۸ سالگی را دوران کودکی می گویند، خواهان تولید نرم افزارهایی در CD های جداگانه برای گروه ۱۸ سالگی شد و توضیح داد: «بهتر است

که کودکی اول و دوم

با فاصله زمانی سه سال یکبار تقسیم بندی شود. او دوره پیش دبستانی را از چهار تا شش سالگی دانست و به انتشار مجله رشد پیش دبستانی برای این گروه سنی اشاره کرد و گفت: «می توانیم برخی از امکانات نرم افزار شما را در سایت نشریه معرفی کنیم تا افراد مختلف از آن بهره مند شوند.» او با تأکید بر اینکه دین اسلام آیین زندگی است و علوم قدیمه نیست از تفکیک و جداسازی مباحث دینی و علمی انتقاد کرد و گفت: «بهتر است در کنار مباحث دینی از واژه هایی نظیر یافته های تجربی به جای مباحث علمی استفاده کرد.»

خامسی پور با استقبال از پیشنهاد مطرح شده با تأکید بر اینکه در تولید هر یک از بخش های نرم افزار از کارشناسان شناخته شده استفاده شده است، مخاطب اصلی این نرم افزار را مادران و نه کودکان عنوان کرد.

دکتر مفیدی در بخشی از صحبت های خود بر لزوم توجه به زیبایی در کارهایی که برای کودکان انجام می شود، تأکید کرد و گفت: «باید به معصومیت کودکان احترام بگذاریم و نگاه خطی، زاویه ای و یا سلیقه ای به او نداشته باشیم.» ایشان با تأکید بر اینکه نگاه توحیدی پسندیده است، ادامه داد: «نباید کودک را در چارچوب باید و نبایدها قرار دهیم بلکه باید نگاهی جهانی به وی داشته باشیم و همین منش را از طریق خانواده به او انتقال دهیم.» او با تأکید بر اینکه کارهای خوب در تمام جهان قابلیت و ارزش انتقال را دارند، توضیح داد: «والدین نیاز دارند که در طریق تربیت نگاه فراتری را هم ببینند و به این صورت نیست که به والدین بگوییم سایر کشورها چه می کنند بلکه کارهای خوب را از نقاط مختلف جهان بگیریم. خانواده ها وقتی به شما اعتماد می کنند که ببینند نگاهتان به کودکان همه جانبه است.»

سیدغلامرضا فلسفی یکی دیگر از اعضای هیئت تحریریه رشد پیش دبستانی نرم افزار ارائه شده را شامل آداب و مهارت های زندگی دانست و توضیح داد: «یکی از ویژگی های تولیدات دیجیتال ماهیت تعاملی آن هاست. نرم افزار نباید تک دانای مطلق باشد؛ به طوری که تکالیف را یادآوری و یا تکرار کند.» او به لزوم تعاملی شدن این نرم افزار اشاره کرد و گفت: «در کار کودک باید کارهای گرافیکی شوق آوری صورت گیرد و نوآوری و شوق انگیزی در رنگ ها و حرکت ها وجود داشته باشد.»

پایان این جلسه سردبیر از همه اعضا و میهمانان شرکت کننده تشکر و آرزوی موفقیت کردند.



بازی‌های کودکان؛ مسائل و چالش‌ها

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی



کلیدواژه‌ها: بازی، خشونت، اسباب‌بازی‌های جنگی

اشاره

بازی برای کودکان از اهمیت شایان توجهی برخوردار است، به طوری که بسیاری از مربیان بزرگ از بازی به عنوان کار کودک یاد می‌کنند. بازی‌های گوناگونی در همه جای دنیا برای کودکان سنین مختلف وجود دارد که به رشد همه‌جانبه آنها کمک می‌کنند و نقش آنها بر مربیان و خانواده‌ها پوشیده نیست. اما بعضی از مسائلی که به بازی‌های متنوع کودکان مربوط می‌شود، موجب چالش‌ها، بحث‌ها و حتی تناقض افکار و نگرانی‌هایی به‌ویژه در والدین و خانواده‌ها می‌شود که سؤال‌هایی را برمی‌انگیزد.

- آیا باید به کودکان اجازه داد تا با تفنگ‌ها و اسلحه و ابزارهای جنگی و اسباب‌بازی‌های پرسروصدا بازی کنند؟
- آیا بازی با ابزارهای جنگی واکنش دشواری را در جنسیت‌های متفاوت ایجاد می‌کند؟
- آیا بازی با ابزارهای پرسروصدا خشونت و رفتارهای زورگویانه و پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد؟

سؤال‌هایی از این دست موجب نگرانی والدین و ابهام در پاسخ‌گویی به آنان شده است.

- بسیاری از بزرگ‌ترها عقیده دارند که کودکان باید از بازی با اسباب‌بازی‌های جنگی و اسلحه‌هایی با انواع مختلف منع شوند و یا مورد تشویق قرار نگیرند، زیرا معتقدند با زایش رفتارهای خشونت‌آمیز در رابطه است. همچنین در این بازی‌ها تمرکز بازی و محور آن آزار و آسیب رساندن به دیگران است. اما تحقیقات چه می‌گویند؟

تحقیقات نشان می‌دهند که مشاهده خشونت یا پرخاشگری با استفاده از اسلحه و سلاح‌های جنگی در فیلم‌های سینمایی یا تلویزیونی می‌تواند به افزایش خشونت فیزیکی یا جنگ و کشمکش و زدوخورد در بازی‌ها منجر شود. در نتیجه، بسیاری از مهدهای کودک و گروه‌های بازی، سلاح‌های جنگی بازی

را به عنوان وسایل و تجهیزات خود نمی‌پذیرند ولی بسیاری از کودکان، به‌ویژه کودکان چهار تا شش سال، از بازی‌هایی که در آنها از وسایل جنگی، تفنگ، شمشیر و وسایل برنده و نوک تیز، وسایل انفجاری لیزری یا حتی چوبی استفاده می‌شود، لذت می‌برند. آنها چنانچه این وسایل را در دسترس نداشته باشند، یا به‌طور تخیلی آنها را وانمودسازی می‌کنند و یا با استفاده از قطعات جایگزین آنها را می‌سازند، مشابه‌سازی می‌کنند و به بازی مشغول می‌شوند. وسایلی مثل چوب درختان، سیخ کباب، چاقو و حتی مداد. بنابراین، باید اقدامات ایمنی لازم در خانه‌ها و مراکز بازی کودکان صورت گیرد تا کودکان در فضای باز و بسته در بازی‌های تخیلی و وانمودسازی خود به وسایل و ابزار لبه تیز، بُرنده فلزی و چوبی دسترسی نداشته باشند.

گئوف گلداستین^۱ (۱۹۹۲) که تحقیقاتی در مورد بازی‌های خشن و خشونت‌آمیز و جنگی انجام داده است، دریافت که اغلب، طبقه‌بندی آنچه اسباب‌بازی جنگی آ و رفتار خشونت‌آمیز خوانده می‌شود دشوار است.

• کارشناسان نیز تا حدودی بر سر این مسائل و تعاریف اختلاف نظر دارند. یافته‌های تحقیق گلداستین نشان می‌دهد که کودکان برخلاف بعضی از دیدگاه‌ها از تفاوت بین جنگیدن واقعی و جنگ بازی آگاهی دارند. همچنین هیچ شواهدی وجود ندارد که لزوماً بازی با وسایل جنگی

**آیا
بازی‌های جنگی آرامش
و سلامت روانی کودکان را
تهدید می‌کند؟**

پیشنهاد می‌شود که واکنش کودکان دختر و پسر به صورت جداگانه در فرهنگ ما مورد تحقیق قرار گیرد، زیرا به گفته بعضی از محققان و نیز والدین کودکان، واکنش به اسباب‌بازی‌های جنگی لزوماً و به تنهایی حاصل بازی با آن‌ها نیست. بنابراین، در اینجا سه سؤال اساسی را مطرح می‌کنیم که خوانندگان در صورت تمایل می‌توانند پاسخ آن‌ها را در قالب حوادث و یا تجربه و تحقیق برای ما بفرستند تا در مجله به چاپ برسد.

۱. چرا فکر می‌کنید که اسباب‌بازی‌های جنگی واکنش‌های متفاوتی را در جنسیت‌های متفاوت (دختران و پسران) ایجاد می‌کنند؟ چرا این‌گونه فکر می‌کنید؟

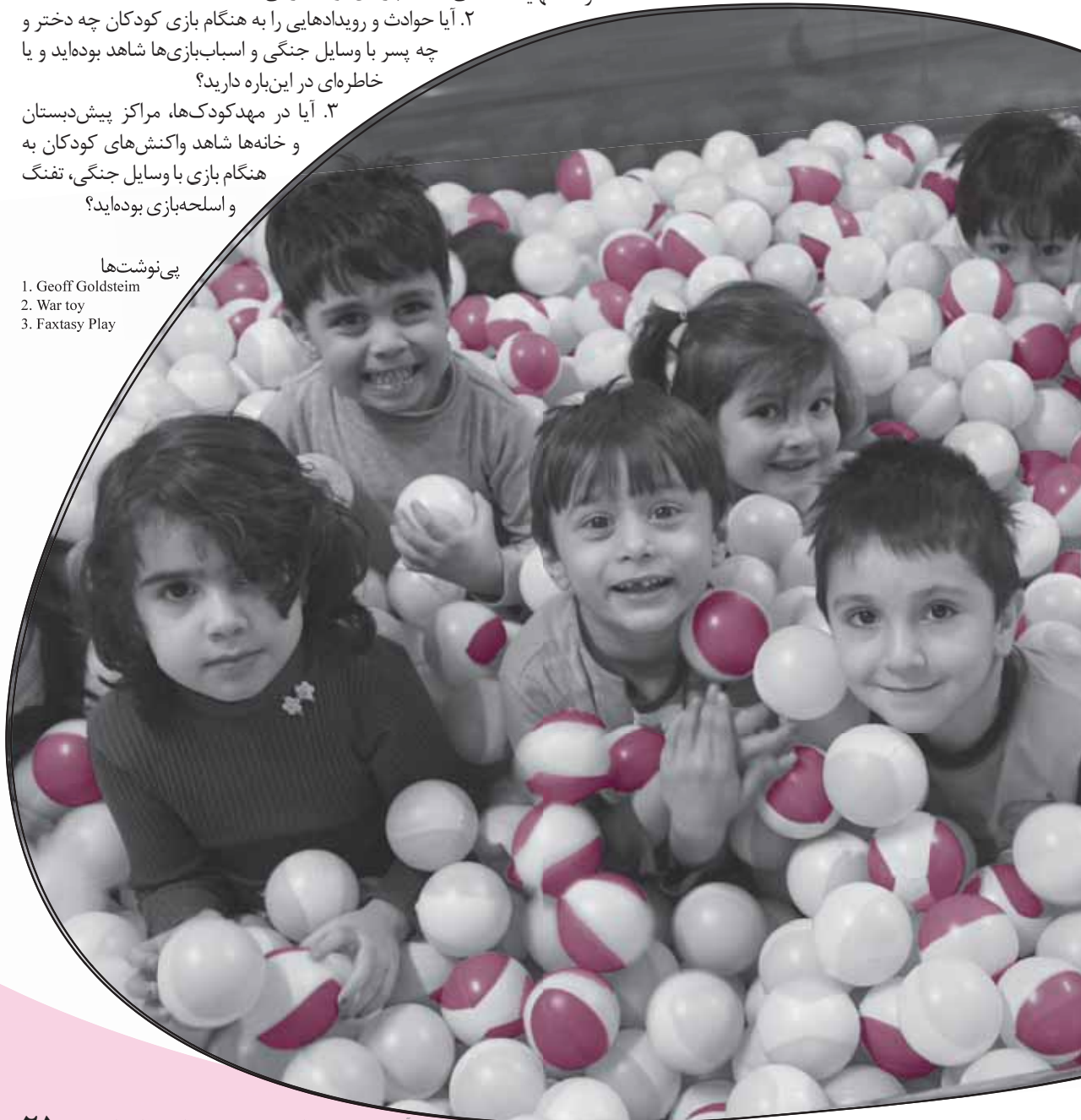
۲. آیا حوادث و رویدادهایی را به هنگام بازی کودکان چه دختر و چه پسر با وسایل جنگی و اسباب‌بازی‌ها شاهد بوده‌اید و یا خاطره‌ای در این باره دارید؟

۳. آیا در مهدکودک‌ها، مراکز پیش‌دبستان و خانه‌ها شاهد واکنش‌های کودکان به هنگام بازی با وسایل جنگی، تفنگ و اسلحه‌بازی بوده‌اید؟

بی‌نوشت‌ها

1. Geoff Goldstein
2. War toy
3. Faxtasy Play

و یا جنگ بازی به افزایش خشونت یا بزهکاری بینجامد بلکه این تأثیرات گذرا هستند و پیامدهای طولانی‌مدت و خشونت‌باری ندارند. افزون بر این، تخیلات کودکان در این سنین قوی است و بلندپروازی‌هایشان در بازی‌ها انتقام‌جویانه و کینه‌توزانه نیست. آن‌ها پس از بازی کردن به حالت عادی و راحت و آرامش برمی‌گردند و به معنای دیگر «تخلیه هیجانی» می‌شوند. این تحقیق همچنین نشان داده است که وقتی اسباب‌بازی‌های جنگی در دسترس کودکان پسر قرار گیرد، تخیلات آن‌ها بیشتر از دخترها تحریک می‌شود و به بازی‌های تخیلی^۳ بیشتر متمایل می‌شوند. در حالی که چنین تأثیری در دختران کم و یا هیچ است. در نهایت،



اشاره

مسئولیت بیشتر مرتب کند و برای اداره وسایل و لوازمی که در اختیار دارد، راه‌های ویژه‌ای ابداع کند.

در این سن، کودک می‌تواند تصمیم بگیرد که چه چیزی بپوشد، چگونه لباس‌های خود را مرتب نماید و با وسایلش بازی کند. اگر چنین است، این مسئولیت را به او بسپارید و تنها برای او «راهنمایی» فراهم کنید و راهنمایش باشید.

در این مرحله شاید تنها چیزی که کودک بدان نیاز دارد در اختیار داشتن فهرست فعالیت‌های خود و برنامه آن‌هاست. در این صورت، او می‌تواند با احساس مسئولیت بیشتر کار خود را انجام دهد.

ایجاد و دنبال کردن قوانین

در پایان شش سالگی کودکان به قوانین و نقش‌ها علاقه خاصی دارند. این دوره بهترین زمانی است که می‌توانید کودکان را با ورزش‌ها و فعالیت‌های گروهی مورد علاقه‌اش آشنا کنید.

قوانین در بازی کودکان بسیار مهم‌اند و کودک در حین بازی در گروه‌های بزرگ می‌تواند در اداره فعالیت‌ها ماهرتر شود. در خانه فرصت‌های خوبی در اختیار شماست که قوانین خانه‌داری را به کودک آموزش دهید و به او فرصت دهید تا این قوانین را بشناسد. شما می‌توانید راهنمایی‌های کلی به کودک ارائه کنید و از او بخواهید که از آن‌ها در حین فعالیت‌هایی که در خانه انجام می‌دهد استفاده کند. این کار باعث می‌شود نوعی احساس درونی برای اداره امور در وی ایجاد شود.

کودک شما همواره در حال رشد و تحول است. هم‌زمان با رشد کودکان طولی نمی‌کشد که برخی شیوه‌های آموزشی که قبلاً به خوبی کاربرد داشته‌اند، در مراحل بعدی رشد اثربخش نخواهند بود. همه این فرایندها طبیعی است. مهارت‌هایی که شما آموخته‌اید و به کودک خود یاد داده‌اید، مناسب و برای دوره‌ای از زندگی مطلوب‌اند و قابلیت سازگاری دارند اما نکته مهم این است که بدانید کودک شما در حال تحول و تغییر است. بنابراین، باید تکنیک‌های خود را با تحولات بعدی کودکان سازگار کنید و به‌طور مداوم در جریان رشد کودک، وی را پشتیبانی کنید. مقاله حاضر به برخی از تکنیک‌های اساسی که متناسب با رشد و تحول کودکان برای والدین و مربیان سودمند است، می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: رشد و تحول، کودک، راهکارهای آموزشی

وقتی کودک سه و چهار سالگی را پشت سر می‌گذارد و به پنج تا شش سالگی می‌رسد، وارد مراحل تازه‌ای می‌شود که تحولات آن‌ها تا سن دبستان هم ادامه می‌یابد. در طول این دوره کودک مستقل‌تر و مسئولیت‌پذیرتر می‌شود و به جهان بیرون، دوستان جدیدتر، مرکز پیش‌دبستان یا مهد کودک و محیط جدید علاقه‌مندتر می‌شود. این تحول تا دوران نوجوانی تداوم می‌یابد. از این رو، والدین و مربیان مراکز پیش‌دبستان به مهارت‌ها و تکنیک‌هایی برای رشد مناسب کودکان نیاز دارند تا بتوانند به تربیت و آموزش شایسته کودکان خود دست یابند. در ادامه، برخی از این تکنیک‌های مهم را معرفی می‌کنیم.

گوش کردن و انتقال دادن

از کودک انتظار داشته باشید که در دنبال کردن دستورالعمل‌ها ماهر شود. شما باید دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌هایی را به گام‌های واضح، دقیق و قابل کنترل تقسیم کنید ولی از کودکان بخواهید در هر گام فعالیت‌های ویژه آن را انجام دهد. کودک شما باید بتواند اضطراب ناشی از موقعیت‌های جدید را با تلاش خود کنترل کند. او باید یاد بگیرد که در حین بازی یا کار کردن روی یک پروژه یا فعالیت ممکن است چالش‌هایی برای او ایجاد شود. پس باید بتواند به تدریج با این مسائل کنار بیاید و آن‌ها را حل کند. همان‌طور که توجه و تمرکز کودک رشد می‌کند، او به تدریج یاد می‌گیرد فعالیت و وظیفه‌ای را به خوبی و با احساس مسئولیت بیشتر انجام دهد. شما به‌طور مداوم او را راهنمایی کنید و به او فرصت بیشتری دهید تا بتواند فعالیت‌هایش را با علاقه و توجه دنبال کند.

برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی

در شش سالگی کودک شما می‌تواند مسئولیت بیشتری در قبال پدیده‌های اطراف خود و وسایل و اسباب بازی‌هایی که دارد بر عهده بگیرد. می‌تواند وسایلی را که متعلق به اوست با احساس

دکتر مرجان کیان
استادیار دانشگاه خوارزمی



رشد و تحول کودک

حل کردن مشکلات و کنار آمدن با هیجان‌ها

کودکان در زمینه اداره و کنترل هیجان‌ها و چالش‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، به راهنمایی و هدایت مداوم نیاز دارند. شاید کودک در امور عادی زندگی کمتر خسته شود و با چالش‌های فیزیکی چندانی هم مواجه نباشد اما برای اینکه با این هیجان‌ها آشنا شود، همچنان او را راهنمایی کنید. برای مثال، به او بیاموزید هیجان‌ها مختلف چه اسم‌هایی دارند. فعالیت‌ها و عناصر آن‌ها را برای او توصیف کنید و تکنیک‌های حل مسئله و کنترل هیجان‌ها را به او بیاموزید. در طول این سال‌ها کودک به تدریج از دیدن خود پا فراتر می‌گذارد و به دیدن جهان پیرامون خود می‌پردازد. در این زمان است که نیاز بودن با دیگران و فعالیت گروهی در کودک شکل می‌گیرد. در نتیجه به تدریج نوعی حس قوی مسالمت و توجه بیشتر به دیگران در کودک ایجاد می‌شود. به این ویژگی کودک احترام بگذارید اما هرگاه او با مشکلی در دوست‌یابی مواجه شد، هدایتش کنید.

بازی کردن و شکل‌گیری اجتماع

بازی همچنان فرایند مهمی در زندگی کودکان محسوب می‌شود. کودک شما اوقات بی‌برنامه و بدون مدیریت فراوانی در اختیار دارد. او به دلیل توجهی که در این سن به قوانین دارد، به تدریج به بازی کردن علاقه‌مند می‌شود. او در این دوره هم به بازی‌های روی تابلو علاقه‌مند است و هم ورزش‌های بیرون خانه آبیاد به کودکان و دوستانش که قوانین

خاص خود را در بازی‌ها ابداع می‌کنند، توجه کنید و تلاش نمایید آن‌ها متوجه شوند. در این سن کودک به فعالیت‌های مختلفی نظیر صنایع دستی، ورزش‌ها، آشپزی و یا فعالیت‌های خلاقانه دیگر علاقه پیدا می‌کند. فرصت‌هایی برای کشف استعدادهايش در این زمینه‌ها فراهم کنید اما متوجه باشید و به یاد داشته باشید که برای او بیش از حد برنامه‌ریزی نکنید.

به‌خاطر داشته باشید که بازی بدون ساختار هنوز هم عنصر اصلی بازی کودکان در این سنین است. کودک با رشد احساس در خود و درباره جهان پیرامونش روبه‌روست و بسیار تلاش می‌کند با افراد بیشتری از خانواده و جهان پیرامون خود آشنا شود و فعالیت‌های داوطلبانه‌ای را در اجتماعات بزرگ‌تر انجام دهد. این احساس به تدریج در او حس قوی خانواده و اجتماع را شکل می‌دهد.

بدین ترتیب، والدین و مربیان با به‌کارگیری شیوه‌های مناسب و آگاهانه تلاش می‌کنند تا به‌عنوان هدایتگران فعالیت‌های روزمره کودکان در کنار آن‌ها باشند و به بزرگ شدن کودک خود با لذت و عمق بیشتری بنگرند. گویی کودکی که همراه شما بزرگ‌ترها متحول می‌شود و رشد می‌یابد، تولدی دوباره را برای شما رقم خواهد زد.

منابع

۱. کیان، مرجان و لیلی انگلی؛ ویژگی‌ها و مهارت‌های مربی پیش‌دبستانی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۹۲.
2. Barnett W. Steve (2004). *Better Teachers, Better Preschools: Student Achievement Linked to teacher Qualifications*, the national Institute for early Education Research, New Jersey, USA.

کودکان را در پیما!

پدر، مادر، رسانه، ما متهمیم!

سیدغلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و کارشناس دفتر تألیف

این است که منظور از سوادآموزی در قرن بیست و یکم چیست؟ آیا مفهوم سواد در ذهن مادر و پدری که خود غریق بحر بی‌کران و متلاطم فناوری‌های ارتباطی اند همچنان به خواندن و نوشتن و حساب کردن منحصر می‌شود؟ چگونه است که والدین با عنایت به آخرین نسخ موبایل‌های هوشمند، ریز کامپیوترها و دیگر رسانه‌های رایانه‌ی مینا که طفل طی ساعات شبانه‌روز مصرف‌کننده‌ی تام و تمام پیام‌های آن‌هاست، از مراکز پیش‌دبستانی آموزش سواد دیجیتالی طلب نمی‌کنند؟ آیا این تصور که چون کودک در چهار و پنج‌سالگی توان حفظ الفبا را دارد پس به او حروف بیاموزانیم، صحیح است؟ با فرض قبول، چون طفل در سنین مزبور توان خوردن و آشامیدن دارد، آیا چون زیست‌کنندگان ماقبل سده ۱۶ میلادی می‌توان هرگونه اطعمه و اشربه‌ای را به او خورانید و هر پوشاکی را به وی پوشانید و در هر محفلی واردش کرد و هر کلامی را در حضورش بیان کرد؟ چرا کودک را زودتر از زمان مقرر مجبور به آموختن دانشی می‌کنند که در سال‌های آینده نیز مجال آن وجود دارد؛ در حالی که امکان فراگیری مهارت‌هایی چون تفکر انتقادی را، که بهترین زمان آن قبل از شش‌سالگی تشخیص داده شده، از او سلب می‌کنند؟ اینکه عمر طفل در

در شهر فرنگ این روزگار بازار مکاره‌ی عرضه‌ی بسته‌های به‌اصطلاح آموزشی پررونق است؛ بسته‌هایی که مبلغان آن‌ها بلیغانه اظهار می‌دارند: «کودکتان را ظرف زمانی اندک با سواد می‌کنیم»؛ یعنی به کودک خواندن و نوشتن می‌آموزند؛ بی‌اعتنا به این واقعیت که خواندن و نوشتن کنشی است که همراه رشد تدریجی مغز شکل می‌گیرد و هر عملی برای حروف‌آموزی پیش از شکل‌گیری تام و تمام این رشد، کاری است ناروا. گفتنی است که روش آموزش مبتنی بر «فلش‌کارت» این بسته‌ها دیری است که روش آموزش به دیگر جانداران در دنیاست! بدین منوال که آموزندگان در باغ‌وحش‌ها و سیرک‌ها مثلا تصویر میوه‌ای را به جاندارانی نگون‌بخت نشان می‌دهند تا کارتی را که نام میوه‌ی مزبور روی آن نوشته شده است از میان چندین کارت انتخاب کند. این همان کاری است که بسیاری از شیفتگان رسانه ضمن پرداخت هزینه، غافلانه، با دردانه‌ی خود در منزل می‌کنند. به‌نظر می‌رسد امروزه مادر و پدر برای آموزش فرزند خود دچار نوعی دلواپسی‌اند. دلواپس از اینکه مبدا کودکشان طی بازه‌ی زمانی حضور غیراجباری یک یا دوساله در کودکانستان به دلیل بی‌سواد ماندن، از عرصه‌ی شتابنده‌ی پیشرفت جا بماند. حال پرسش اساسی

بسیاری از مربیان پیش‌دبستانی با پدر و مادرانی مواجه‌اند که داعیه‌ی حروف‌آموزی فرزند چهار یا پنج‌ساله‌ی خود را در سر دارند. والدینی که از سر وظیفه‌ی دل‌درگرو رفعت علمی فرزند دارند و حروف‌آموزی در دوره‌ی رسمی پیش‌دبستانی را شرط شوکت او می‌شمرند و برای تحقق این خواسته‌ی خود، از اعمال هرگونه فشار به مربی ابا ندارند. در مراکز اغلب شنیده می‌شود که والدین می‌گویند فرزند همسایه‌شان در فلان کودکانستان و زیر نظر بهمان مربی به حروف‌شناسی متبحر بدل شده است؛ تا آنجا که چنین قرائت می‌کند و چنان کتابت، لیک‌دل‌بند آنان محروم از این هر دو. و در نهایت بانگی که: «ای اهالی پیش‌دبستانی، شما باید که موجبات عقب ماندن نوگل ما را از فرزند همسایه در زمینه‌ی آموزش فراهم آوردید.» و آن‌گاه که پاسخ مربی مدبر را مبنی بر غیرضروری بودن حروف‌آموزی در پیش‌دبستانی می‌شنوند؛ حاجتمندانه رو به سوی راهنمای عمل زمانه می‌کنند؛ تلویزیون، رسانه‌ای که در دوران جلال اطلاعات در منصب تک دانای مطلق فزون‌ترین اطلاعات ناراست را به شیفتگان بانگ و رنگ تقدیم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: والدین، حروف‌آموزی، بسته‌آموزشی



پیش‌دستانی، آموزش سواد رسانه‌ای مطالبه نمی‌کنند؟...

این پرسش‌ها و پرسش‌های بسیاری از این دست پاسخ‌هایی معرفت‌شناسانه دارند لیک به ذکر این نکته بسنده می‌شود که اسلوب آموزش الفبای قریب به اتفاق بسته‌های آموزشی تبلیغی، تنها فرصت‌های تربیتی برای فراهم کردن زمینه رشد همه‌جانبه طفل، بهسازی و نظام‌مند کردن تجربه‌ها و آموخته‌ها، ایجاد آمادگی برای کسب مهارت‌های پایه یادگیری از طریق به‌کارگیری حواس، تخیل، و فرصت‌های کاوشگرانه با محوریت بازی را در این دوره نقش بر آب می‌کند، تا آنجا که به تعبیر «روسو» خواندن تازیان‌های می‌شود بر دوران کودکی، موجب پایان تداوم آن و پدیدار شدن نابهنگام و ناصواب دوره بزرگ‌سالی. در این میان، انگشت اتهام به سوی مادر و پدری است ناآگاه از اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای که در دامگه تبلیغات صید می‌شوند، و صدا البته رسانه‌ای که بنا به ذات صیادگونه‌اش با هدف تأمین سلطه فرهنگی، تعمیم فلسفه سیاسی و حفظ قدرت‌هایی که خود محصول آن‌هاست؛ رشد و سلامت روح و جسم طفل را جهت پیوند سود و تجارت، وجه‌المعامله حفظ و گسترش امپراتوری مالی خود قرار می‌دهد.

این تصور که چون کودک در چهار و پنج سالگی توان حفظ الفبا را دارد پس به او حروف بیاموزانیم، صحیح است؟ با فرض قبول چون طفل در سنین مزبور توان خوردن و آشامیدن دارد آیا چون زیست‌کنندگان ماقبل سده ۱۶ میلادی می‌توان هر اطعمه و اشربه‌ای را به او خوراند؟

این مهم برای طفل شبکه‌وند ساکن دهکده جهانی مبنای پیشرفت و سبب ارتقای منزلت است؟ در برهوت بی‌ارتباطی عصر ارتباطات، آموختن مهارت‌هایی چون بحث و گفت‌وگو و دیگر مهارت‌های ارتباط انسانی در کودکان دارای اهمیت اولویت است یا آموختن حروف؟ آیا کودکی که در کودکان الفبا آموخته رغبتش به مطالعه بیش از حروف آموخته پایه اول است؟ چگونه است که مادر و پدر آن قدر که از آموزش ندادن حروف به کودک در کودکان دلوپس‌اند، دلوپس تأثیرات مخرب کارتون‌ها و فیلم و سریال‌های اباحه‌گرانه تلویزیون‌های ماهواره‌ای بر طفل نیستند و مانند استرالیا، از دوره

سنینی که می‌توان بر پرورش شاكلة خلاقیت او متمرکز شد، صرف یادگیری الفبا شود چه توجیه علمی‌ای دارد، غیر از آنکه ویژگی کودک بودن به گمان «جان لاک» از کودک سلب شود؟ چرا با عنایت به فاصله روزافزون مخاطب با فرهنگ خوانداری و نوشتاری و گرویدن به سوی فرهنگ تصویری که نوعی رجعت ارتباطی به کپکشان شفاهی است، از کیفیت سواد بصری طفل کسب اطلاع نمی‌شود؟ کدامین ضرورت ایجاب می‌کند که کودک زودتر از زمان مقرر تعیین شده در اسناد تحولی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در میان انبوه استلزامات آموختنی این قرن در پیش‌دستانی الفبا بیاموزد؟ آیا

ورزش یوگا

راهی برای آرامش مادر و کودک

پای صحبت سهیلا احمدی و دو تن از مربیان

تنظیم: سمانه آزاد



می‌تواند مفید باشد. در وهله نخست، این وحدت با مهار کردن برخی از خصلت‌های منفی انسان مانند خشم، انتقام‌جویی، بخل و حسد به وجود می‌آید. البته نمی‌توان این موارد را کنار گذاشت؛ چون آن‌ها را خداوند برای رشد انسان نهاده است بلکه باید مهارتی پیدا کنیم که در مواجهه با این خصلت‌ها بتوانیم تأثیر منفی و مخرب آن‌ها را خنثی کنیم. سپس برای اینکه جسم از این وحدت جدا نماند، حرکات ورزشی یوگا را انجام می‌دهیم. همچنین برای وحدت با ذهن، تنفس‌های یوگا مطرح می‌شود. اگر همه این‌ها در کنار هم تقویت شوند انسان می‌تواند عنصری مفید برای خود و جامعه باشد.

اولویت مرکز شما یوگای کودکان است یا بزرگسالان؟

احمدی: کودک در خانواده رشد می‌کند و بی‌شک سلامت خانواده بر او تأثیر می‌گذارد. پس والدین باید از لحاظ جسمانی و روانی سالم باشند تا بتوانند محیط بهتری برای رشد کودک فراهم کنند. بنابراین، کار ما از بزرگسالان شروع می‌شود. اگر والدین آرامش، حوصله و انگیزه لازم را برای رفتار با کودک داشته باشند، بهترین کار را در رابطه با کودک انجام خواهند داد. مامی‌توانیم بسیاری از مادران را از

اشاره

یوگا ورزشی جسمی-فکری و به معنای یکپارچه‌سازی و یگانگی است. برخی نیز آن را به معنی کنترل کردن می‌دانند. در این صورت یوگا را می‌توان علم کنترل امواج فکر و علم مهار قوای ذهن به منظور تسلطی همه‌جانبه بر توان بالقوه خود دانست. شاید هم به‌طور خلاصه و به قول «سهیلا احمدی» یوگا روش سالم زیستن و اتحاد میان نیروهای فرد است. در باشگاه «پیام مهر» یوگا نه‌تنها برای بزرگسالان بلکه برای کودکان هم در نظر گرفته شده است. شاید یوگای کودکان نسبت به یوگای بزرگسالان کمتر شناخته شده باشد. از این‌رو برای آگاهی از چند و چون موضوع به این باشگاه رفتیم و با مدیر مربیان‌ش به گفت‌وگو نشستیم.

در این نشست دکتر فرخنده مفیدی، سردبیر، فریده عصاره، عضو شورای برنامه‌ریزی فصل‌نامه رشد آموزش پیش‌دبستانی، سهیلا احمدی (ما یا ماچووه)، بنیان‌گذار و مدیر باشگاه یوگای پیام مهر، و خانم‌ها ایوبی و خسروی مربیان یوگای کودکان و بزرگسالان حضور داشتند.

ابتدا سردبیر فصل‌نامه رشد پیش‌دبستانی هدف‌ها و محورهای اساسی مجله را به‌طور خلاصه بیان کرد و سپس بحث و گفت‌وگو درباره فعالیت‌های مرکز گویا جریان یافت.

شاید برای شروع بهتر باشد تعریفی از یوگا داشته باشید.

احمدی: یوگا به‌عنوان یک روش سالم زیستن در تمام دنیا گسترش یافته است. در واقع، یوگا به معنی اتحاد و یکی بودن است؛ اتحاد میان نیروهای جسمانی، روانی و بخش معنوی. هرچه این نیروها هم‌سوتر عمل کنند نه‌تنها برای فرد بلکه برای جامعه هم



شود.

به این معنی که به عیب‌های خود آگاهی پیدا کند و قدرت تغییر آن‌ها را داشته باشند. همچنین، حسن‌های خود را بشناسد و بتواند آن‌ها را حفظ کند. ببینید! همه بچه‌ها مهربان و دلسوز و صادق‌اند اما همین‌ها در ۴۰ سالگی تغییر پیدا می‌کنند؛ چون جامعه تأثیرهایی بر آن‌ها می‌گذارد که برخی از خوبی‌های آن‌ها از بین می‌رود. ما به آن‌ها یاد می‌دهیم که در چنین شرایطی چگونه خوبی‌های خود را حفظ کنند. در واقع، ما به مخاطبانمان کمک می‌کنیم به انسانی تبدیل شوند که از زندگی، جامعه، شرایط زندگی و وجود خودش آگاه است تا فرد مفیدی هم برای خود و هم دیگران باشد. بنابراین، سلامتی به همراه انسان‌سازی هدف ماست.

با توجه به تجربه و تخصصی که دارید، میان یادگیری یوگا و یادگیری تحصیلی کودکان مانند تمرکز و تقویت حافظه چه ارتباطی می‌بینید؟
احمدی: چنین تحقیقاتی در ایران انجام نشده ولی در هند و کشورهای غربی صورت گرفته است و نتایجی که خواهم گفت مربوط به پژوهش‌های آن‌هاست. تحقیقات نشان داده است که بچه‌هایی که یوگا کار می‌کنند، در مدرسه دانش‌آموزان سازگاری هستند؛ یعنی نوعی سازگاری میان آن‌ها و معلمان و دیگر دانش‌آموزان دیده می‌شود. شاید روی هوش آن‌ها تأثیر نداشته باشد اما بر قدرت تمرکزشان تأثیر مثبتی دارد. اکثر بچه‌هایی که یوگا کار می‌کنند، از قدرت ارتباطی و هوش هیجانی بالایی برخوردارند.

همراه کودکان. معمولاً کودک تا هشت سالگی به همراه مادر در کلاس‌ها شرکت می‌کند اما پس از آن انسان مستقلی می‌شود. وقتی مادر و کودک کنار هم باشند و حمایت خانوادگی از شرکت در این کلاس‌ها صورت بگیرد، نتیجه بهتری هم خواهد داشت.

در یوگای کودکان ابتدا بر ذهن کودک تأکید دارید یا جسم آن‌ها؟

احمدی: ابتدا از جسم شروع می‌کنیم؛ چون نمی‌توانیم به یکباره بر ذهن کودکان تأثیر بگذاریم. از آنجا که جسم کودک پرنرژی و فعال است، کار را با نظام دادن جسم شروع می‌کنیم و سپس به سمت ذهن می‌رویم.

شرط پذیرش بچه‌ها حدی از هوش عادی است؟ آیا بچه‌های ناتوان ذهنی هم می‌توانند در این کلاس‌ها شرکت کنند؟

احمدی: خیر. آن‌ها را به مرکز روان‌شناسی کودک ارجاع می‌دهیم. چون این دو مرکز یکدیگر را حمایت می‌کنند. هر کاری بتوانیم برای آن‌ها انجام می‌دهیم اما نمی‌توانیم برایشان یوگا برگزار کنیم.

تنبیه و تشویق در کلاس‌های یوگای کودکان چگونه و بر چه اساسی است؟

احمدی: تنها تنبیه این است که مربی برای دقایقی با کودک صحبت نمی‌کند. اما تشویق به صورت‌های گوناگونی است. گاهی کلامی است و گاهی به صورت در آغوش گرفتن و نوازش کردن. سعی می‌کنیم تشویق‌هایمان به صورت مادی نباشد؛ چون سازندگی مدنظرمان را از بین می‌برد.

اینکه شما فعالیت‌هایتان را از دوران بارداری آغاز می‌کنید به این معناست که برنامه‌ای مشخص را دنبال می‌کنید. حال انتظار دارید مادران در پایان این مسیر به چه هدف و جایگاهی برسند؟

احمدی: این دوره و فعالیت‌ها پایانی ندارد. هدف این است که انسان خودساخته

دوران بارداری تحت پوشش قرار دهیم و به آن‌ها کمک کنیم تا با انجام حرکات ورزشی بتوانند حتی المقدور زایمان طبیعی داشته باشند. به هر حال وقتی کودک به طور طبیعی به دنیا می‌آید با طبیعت هماهنگ‌تر است. پس از آنهم کلاس‌های مادر و کودک را برگزار می‌کنیم.

هرچه کودکانمان از لحاظ جسمی و روانی سالم‌تر باشند، جامعه سالم‌تری هم خواهیم داشت. بنابراین هدف داشتن اجتماع سالم است. همان‌طور که قانون، مذهب و مواردی از این دست هم در راستای این هدف تلاش می‌کنند. پس بهتر است برای کودک از دوران جنینی برنامه‌ریزی شود تا بتواند نیروهای مثبت خود را ارائه دهد. به این بیان، یوگا روشی است برای رشد نیروهای مثبت انسان. از این‌رو در این مرکز کودک را از همان مراحل جنینی در نظر می‌گیریم و مربیانمان هم با مادران و هم با کودکان سروکار دارند.

آیا گروه‌ها را بر اساس سن طبقه‌بندی می‌کنید و یا معیار دیگری دارید؟

احمدی: کلاس‌های بزرگسالان معمولاً برای گروه سنی ۲۰ سال به بالاست. برای بچه‌ها کلاس‌های متفاوتی داریم که در آن‌ها هم ورزش را مدنظر قرار می‌دهیم تا از لحاظ جسمی تقویت شوند و هم تمریناتی عملی ارائه می‌کنیم تا قدرت تفکر، تصور و هر آنچه در درونشان هست شکوفا شود.

البته قبل از ورود بزرگسالان از آن‌ها آزمون سلامت روانی می‌گیریم. اگر در میان آن‌ها و یا حتی بچه‌ها افرادی باشند که از این نظر مشکل داشته باشند، آن‌ها را به مرکز مشاوره‌ای که در اینجاست، معرفی می‌کنیم. گروهی هم که مشکلی ندارند به کلاس‌های یوگا هدایت می‌شوند. علاوه بر این سنجش ابتدایی، در میانه کار هم سنجش دیگری انجام می‌دهیم. این مرکز هم مرکز مشاوره و روان‌شناسی است هم حرکات یوگا. روشی که خودمان ابداع کرده‌ایم تلفیقی از روان‌شناسی و یوگاست. ما اینجا افرادی را داریم که ۱۰ یا حتی ۲۰ سال است به مرکز رفت و آمد می‌کنند؛ افرادی که ابتدا به تنهایی آمده‌اند و بعد

ایوبی: کلاس‌های یوگای مادر و کودک به مادران و کودکان کمک می‌کنند تا کسانی مانند خودشان را ببینند و با آن‌ها فعالیت‌های مشترک انجام دهند

براساس نتیجهٔ آزمون به آن‌ها می‌گوییم که چه قسمت‌هایی از مرحلهٔ قبل نیاز به تمرینات بیشتری دارد و باید در مرحلهٔ بعدی جبران شود. یعنی، همه به مرحلهٔ بعد صعود می‌کنند اما هر کس با توشه‌ای که متناسب با توانایی خود برداشته است.

اگر بخواهید والدین را برای شرکت در کلاس‌های یوگا تشویق کنید، چه دلیل یا دلایلی را مطرح می‌کنید؟

ایوبی: یوگای راهی برای رسیدن به آرامش است. یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که میزانی از آرامش در وجودمان باشد. از آنجا که ارتباط مادر و کودک تنگاتنگ است. آرامش هر دو مهم است. مادر باید آرامش داشته باشد تا بتواند ارتباط خوب و مؤثری با کودک برقرار کند و این آرامش را به کودک هم منتقل کند. آرامش کودک نه به این معنا که در گوشه‌ای ساکت بنشیند بلکه آرامش درونی و صلح‌طلبی.

در یوگا بچه‌ها رقابت ندارند و هر کس با خودش سنجیده می‌شود. در بسیاری از مدارس که دیده می‌شود بچه‌ها با هم رقابت ناسالم دارند، یوگا کمک می‌کند که این رقابت سالم باشد.

علاوه بر این، برای بچه‌هایی هم که بیش‌فعال‌اند و استرس دارند این کلاس‌ها را توصیه می‌کنیم. در این کلاس‌ها بچه‌ها به نوعی تخلیهٔ هیجانی می‌شوند و تمرکزشان افزایش پیدا می‌کند. در واقع، یکی از ویژگی‌های یوگا تنش‌زدایی است و ما با فعالیت‌هایی تنش‌زدایی می‌کنیم.

برای آموزش یوگا به مدرک خاصی نیاز هست؟

احمدی: بله. در ایران انجمن یوگا برای مربیگری کودکان و بزرگسالان دوره‌هایی را برگزار می‌کند و مدرک ارائه می‌دهد. البته در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا و کانادا یوگا به‌عنوان درمان مطرح است و تحت پوشش بیمه قرار دارد. حتی پزشکان، شرکت در کلاس‌های یوگا را به برخی بیماران توصیه می‌کنند و از آنجا که یوگا سلامت جسمی و روحی را در پی دارد بیمه‌ها از آن استقبال می‌کنند.

باید تلاش کند کودک را با بازی، داستان و... جذب کند. حتی بچه‌ها به‌صورت نوبتی می‌توانند نقش مربی را ایفا کنند. به این ترتیب، سعی می‌کنیم حتی بچه‌هایی را که همکاری و همراهی ندارند به این درک برساییم که بهتر است همیشه با دیگران همکاری کرد.

خسروی: یک مادر باید سعی کند درس‌هایی را در زمینهٔ بهداشت و سلامت روان و رسیدن به تعادل روانی در خانواده پیاده کند. در این صورت این اصول در ذهن کودک نقش می‌بندد. این کار در روابط اجتماعی، سالم زیستن بچه‌ها و حل و فصل مسئله‌های زندگی به کودکان کمک می‌کند. یوگا در اجرای این اصول در خانواده نقش مهمی دارد.

احمدی: فکر می‌کنم تأثیری که یوگا بر تمرکز دارد آن را متمایز می‌کند. من هیچ روشی را نمی‌شناسم که به اندازهٔ یوگا تمرکز را افزایش دهد. علاوه بر این، یوگا حس صلح‌جویی را هم بالا می‌برد؛ یعنی بین انسان‌ها همسویی و هماهنگی ایجاد می‌کند. در کلاس‌هایی مانند روان‌شناسی بر «من» فرد بیشتر تأکید می‌شود و «منیت» فرد را تقویت می‌کنند و می‌گویند «تو حق داری» اما در یوگا می‌گویند علاوه بر تو، دیگران هم حق دارند. پس ما حق داریم. در این صورت هم از حق خودمان محافظت می‌کنیم هم به حق دیگران احترام می‌گذاریم.

طبق گفتهٔ شما، در واقع یوگا نوعی یاری‌رسانی به مادر و کودک است و از سوی دیگر، با این فعالیت نوعی مشارکت روحی و روانی ایجاد می‌شود. شما برای اینکه بفهمید مخاطبان‌تان به چه مرحله‌ای رسیده‌اند، آزمونی برگزار می‌کنید؟

احمدی: هر مرحله آزمونی دارد که معمولاً در رابطه با کودکان انجام می‌شود اما هیچ‌کس را در مرحلهٔ قبل نگه نمی‌داریم؛ چون اینکه «نمی‌توانم به مرحلهٔ بالاتر بروم» حس ناراحت‌کننده‌ای است. تنها

این‌طور به‌نظر می‌رسد که شما از طریق تأثیر گذاشتن بر نحوهٔ اندیشیدن کودکان، مهارت‌هایی برای زندگی به آن‌ها می‌آموزید. آموزش‌هایی هم که در زمینهٔ هوش هیجانی و یا فلسفه‌ورزی برای کودکان است، چنین آموزش‌هایی دارند. وجه تمایز یوگا و این آموزش‌ها چیست؟

ایوبی: یوگا ابزاری ندارد و بچه‌ها را دوباره به سمت خودشان برمی‌گرداند. اکنون برخلاف گذشته مادران مراقب کودک هستند تا اینکه هم‌بازی او باشند. کلاس‌های یوگای مادر و کودک به مادران و کودکان کمک می‌کند تا کسانی مانند خودشان را ببینند و با آن‌ها فعالیت‌های مشترک انجام دهند. در این کلاس‌ها مادران یاد می‌گیرند که فقط مراقب کودک نباشند بلکه هم‌زمان، کودک و والد باشند و با کودک خود دوباره به بلوغ برسند. در واقع، این کلاس‌ها هم ارتباط کودک با خودش و هم ارتباط مادر با کودک را غنی‌تر می‌کند.

همچنین از آنجا که یوگای مادر و کودک با بازی همراه است، مادران یاد می‌گیرند مشکلاتشان با کودک را به‌وسیلهٔ بازی‌هایی حل کنند. با توجه به حضور مادر و کودک در یک کلاس، هم‌زمانی اتفاق می‌افتد و هر دو از دیگران الگو می‌گیرند. علاوه‌بر همهٔ این‌ها، یوگا بر خلاقیت مخاطب تأثیر می‌گذارد. مخاطب در کلاس یاد می‌گیرد با بدنش شکل‌هایی درست کند و از آواها و صداها استفاده کند. حتی آموزش برخی مفاهیم ریاضی و دید سه بعدی از طریق شناخت بدن کودک توسط خودش در این کلاس‌ها ممکن است. در این کلاس‌ها بچه‌ها آزادند و مربی



تحلیل برنامه مراکز پیش دبستانی

و مطابقت آن با راهنمای برنامه مصوب شورای عالی

حسین چابک

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی و
کارشناس دفتر پیش دبستانی
صفرعلی یازلو
کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

چکیده

هدف از این مقاله «تحلیل برنامه‌ها و فعالیت‌های مراکز پیش دبستانی و میزان انطباق آن‌ها با راهنمای برنامه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش» است. بدین منظور و برای انجام مشاهدات میدانی و مصاحبه با مربیان این مراکز، از میان مراکز پیش دبستانی مستقل و ضمیمه مدارس ابتدایی زیر پوشش اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، که با ملاک‌های مورد نظر مطابقت داشتند، در مجموع ده مرکز از مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران و از هر مرکز نیز دو کلاس (یک کلاس دخترانه و یک کلاس پسرانه) انتخاب شدند که در مجموع بیست کلاس را تشکیل دادند. برای جمع‌آوری داده‌ها و پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش از یک فهرست واریسی مشاهده انجام فعالیت و یک پرسش‌نامه نظرخواهی استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از این است که اهداف، محتوای برنامه و روش‌های یاددهی - یادگیری مراکز پیش دبستانی منتخب (شهر تهران) از منظر انطباق با ملاک‌های اهداف، محتوای برنامه و روش‌های یاددهی - یادگیری راهنمای برنامه درسی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، به‌طور کلی در حد «متوسط» ارزیابی شدند.

کلیدواژه‌ها:

برنامه درسی دوره پیش دبستانی، محتوای آموزشی، راهنمای برنامه درسی

مقدمه

آموزش پیش دبستانی برای مدرسه کودک یک برنامه آمادگی فراهم می‌کند؛

یعنی او را با مفاهیم و مهارت‌های جسمی، ذهنی و گفتاری، که برای یادگیری خواندن، نوشتن، حساب کردن و تفکر خلاق در کلاس‌های ابتدایی ضروری هستند، آشنا و از این منظر آماده می‌کند. همچنین این آموزش‌ها به رشد قابلیت‌ها و شایستگی‌های کودک از جمله سازش با کودکان دیگر، پیروی از برنامه‌های عادی روزانه، یادگیری، تمرکز بر فعالیت‌ها در یک دوره زمانی خاص و طولانی‌تر شدن مدت زمان توجه می‌انجامد که در نهایت به سازگاری کودک در سال‌های نخست مدرسه کمک می‌رساند. این آمادگی‌ها تا حدودی به کاهش تعداد مردودی، افت تحصیلی و شکست در سطوح ابتدایی منجر می‌شود. (کول، ونیتا، ترجمه مفیدی، ۱۳۹۰)

دوره پیش دبستانی در بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرو از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار است و

از سوی دولت

و والدین، بر

سرمایه‌گذاری

برای کودکان

و جذب آنان

در مراکز پیش

از دبستان الزام

شدیدی وجود

دارد. به‌طوری که در

کشورهایی مانند فنلاند،

انگلستان، فرانسه، آلمان،

بلژیک، پرتغال، بلغارستان، کره جنوبی

سن آموزش کودکان حتی تا چهار سال

قبل از ورود به دبستان کاهش یافته است.

(حج‌فروش و همکاران، ۱۳۹۱)



به طور کلی، پژوهش‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی نشان داده‌اند که سال‌های اولیه زندگی در رشد و پرورش کودکان نقش اساسی دارد؛ چرا که ستون اصلی زیربنای شخصیت کودکان در این سال‌های حساس شکل می‌گیرد و پایه‌های اصلی رشد آنان در این دوران پراهمیت بی‌ریزی می‌شود. از سوی دیگر، می‌توان گفت پرداختن به آموزش و پرورش کودکان پیش‌دبستانی جایگاه خاص و مهمی دارد؛ چون رشد همه‌جانبه کودکان در زمینه‌های ذهنی، جسمی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی، که هدف اصلی آموزش و پرورش پیش‌دبستانی است، در این دوران حساس اتفاق می‌افتد. (حجازی و سیف، ۱۳۸۷)

در این راستا، مسئله اصلی این پژوهش «مقایسه برنامه مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ با راهنمای برنامه مصوب شورای عالی» می‌باشد. بدین منظور، لازم است میزان انطباق برنامه درسی و محتوای آموزشی مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ با اصول و چارچوب راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی مصوب شورای عالی مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

- کلایف^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «مهارت‌های حرکتی اساسی و فعالیت‌های بدنی در بین کودکان پیش‌دبستانی» به این نتیجه رسیدند

که فعالیت‌های بدنی از نیازهای مهم این دوره‌اند؛ زیرا در مهارت‌های بدنی کودکان تأثیر می‌گذارند. (همان)
- آموزش خلاق به‌عنوان ابزار ذهن در برنامه‌ریزی آموزش پیش‌دبستانی در کشورهای اروپایی جایگاه ویژه‌ای

دارد. مؤسسات و مراکز پیش‌دبستانی در کشورهای اتحادیه اروپا، روان‌شناسان، مربیان پیش‌دبستانی، متخصصان گفتار، معلم یاران و مربیان بهداشت را با رویکرد ویژه به آموزش خلاقانه استخدام کرده‌اند و با تشویق از عملکردهای خلاقانه حمایت می‌کنند. (سن و همکاران، ۲۰۱۲)

- جعفری (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی» انجام داد که هدف آن بررسی تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی بود. چگونگی تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان از طریق تحریک خلاقیت، افزایش مهارت کودکان در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی شبیه‌سازی شد و امکان تعمیم آن به دنیای واقعی از جمله نتایج تحقیق حاضر بود.

- به گفته آرمند و قاسمی راد (۱۳۹۲) در کره جنوبی مراکز پیش‌دبستانی را هم دولت هم بخش خصوصی اداره می‌کنند و در برخی از مراکز حتی به افراد با نیازهای خاص نیز خدمات ارائه می‌شود. این مراکز به‌طور تمام‌وقت یا نیمه‌وقت خدمت‌رسانی می‌کنند. میزان تحصیلات معلمان، فوق دیپلم یا لیسانس است و دانشگاه ملی تعلیم و تربیت و سایر دانشگاه‌ها به تربیت نیروی انسانی این مراکز می‌پردازند.

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به شیوه انجام آن، توصیفی - پیمایشی و از نوع تحلیل محتواست. در این پژوهش جامعه آماری

مربیان و کلاس‌های پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ هستند. با توجه به میزان انحراف معیار و جای‌گذاری اعداد در فرمول کوکران، ۶۳ نفر به‌عنوان نمونه مشخص شدند. بنابراین، ۷۰ پرسش‌نامه در بین جامعه آماری به روش تصادفی ساده توزیع گردید و از این میزان ۶۳ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد که ۶۳ پرسش‌نامه برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه بود. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، پرسش‌نامه‌ها در اختیار ۳۰ نفر از مربیان پیش‌دبستانی قرار گرفت. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و استخراج نتایج، به کمک نرم‌افزار آماری SPSS، ضریب اعتبار از روش محاسبه آلفای کرونباخ به‌دست آمد.

فرضیات پژوهش

فرضیه یک: بین اهداف برنامه و فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و ملاک‌های اهداف راهنمای برنامه مصوب شورای عالی مطابقت وجود دارد.

فرضیه دو: بین محتوای برنامه و فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و ملاک‌های محتوای برنامه و فعالیت‌های راهنمای برنامه مصوب شورای عالی مطابقت وجود دارد.

فرضیه سه: بین روش‌های برنامه و فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی شهر

جدول (۱) نتایج آزمون فرضیات اول تا سوم

وضعیت فرضیه	سطح معناداری	نسبت آزمون	نسبت مشاهده شده	N	طبقه	انطباق اهداف با راهنمای مصوب	فرضیه
قبول	۰/۰۰۰	۰/۶	۰/۳	۱۵	۳ <=	عدم انطباق	۱
			۰/۷	۳۸	۳ >	انطباق	
قبول	۰/۰۰۰	۰/۶	۰/۲	۱۳	۳ <=	عدم انطباق	۲
			۰/۸	۴۰	۳ >	انطباق	
قبول	۰/۰۰۱	۰/۶	۰/۴	۲۰	۳ <=	عدم انطباق	۳
			۰/۶	۳۳	۳ >	انطباق	



تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ و ملاک‌های روش برنامه و فعالیت‌های راهنمای برنامه مصوب شورای عالی مطابقت وجود دارد.

نتایج آزمون

آزمون کای دو:

برای بررسی فرضیه‌های تحقیق و منطبق بودن اهداف تعیین شده با روش‌های اجرای برنامه و ملاک‌های

مربوط به فعالیت‌های راهنمای برنامه مصوب شورای عالی، از آزمون کای دو استفاده شده است که نتایج آن برای هر فرضیه در جدول شماره ۱ آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود:

در فرضیه اول، نسبت مشاهده شده برابر با ۰/۷ بوده و از ۰/۶ بیشتر است. بر این اساس، فرض صفر رد و فرض یک پذیرفته می‌شود؛ یعنی اهداف برنامه و فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ با ملاک‌های اهداف راهنمای برنامه مصوب شورای عالی مطابقت دارد.

برای فرضیه دوم نسبت مشاهده شده برابر با ۰/۸ است. بنابراین، فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود؛ یعنی محتوای برنامه و فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ با ملاک‌های محتوای راهنمای برنامه مصوب شورای عالی مطابقت دارد.

فرضیه سوم نیز با نسبت مشاهده شده ۰/۶ مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ یعنی بین روش‌ها، برنامه و فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ با ملاک‌های روش‌های راهنمای برنامه مصوب شورای عالی مطابقت وجود دارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این پژوهش مبنی بر اینکه «اهداف»، «محتوای برنامه» و «روش‌های یاددهی - یادگیری» مراکز پیش‌دبستانی منتخب (شهر تهران) از منظر انطباق با ملاک‌های اهداف، محتوای برنامه و روش‌های یاددهی - یادگیری راهنمای برنامه درسی مصوب شورای عالی، به‌طور کلی در حد «متوسط» ارزیابی می‌شود، می‌توان توصیه‌های زیر را به‌منظور ارتقای تطابق بیشتر این دو مؤلفه به‌عنوان پیشنهاد اعلام کرد:

- علاوه بر رشد همه‌جانبه کودک، تفکر خلاق، مهارت‌های اکتشافی و تقویت تخیل نیز باید در اهداف مورد نظر این دوره به‌روشنی در نظر قرار گیرند.

- علاوه بر شاخص‌های موجود باید بر ارتباط طولی برنامه دوره با برنامه درسی دوره دبستان، نقش هدایتگری مربی، تنوع فعالیت‌ها، آزادی عمل کودک در انجام فعالیت‌ها، استفاده از فعالیت‌های گروهی، لذت‌بخش بودن و با نشاط بودن فعالیت‌ها و تناسب آن‌ها با ویژگی‌ها و توانایی‌های سنی کودکان توجه بیشتری معطوف شود.

- به جای استفاده از کتاب‌های متنوع و موضوعات از پیش تعیین شده، از محتوای آموزشی منعطف و سیال به‌صورت بسته‌های آموزشی شامل نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، کتاب، مجله و بازی‌های

فردی و گروهی استفاده شود.

پی‌نوشت

1. cliff

منابع

- حج فروش، ا. ص، مهدوی و طلائی؛ توسعه دوره پیش‌دبستانی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۹۱.
- کول، ونیتا. (۱۹۹۱)، برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، مترجم: فرخنده مفیدی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
- حجازی، الهه، سوسن سیف؛ «تأثیر آموزش پیش‌دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی»، مقالات اولین کنگره علمی کودکان پیش‌دبستانی، ۱۳۸۷.
- وزارت آموزش و پرورش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آموزش برای همه، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۳.
- مفیدی، فرخنده؛ بتول سبزه؛ «تأثیر فعالیت‌های زبان آموزی دوره پیش‌دبستانی بر رشد زبان گفتاری دانش‌آموزان پایه اول دوره ابتدایی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال سوم، شماره ۱۰.
- جعفری، مریم؛ «تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی»، مجله ابتکار و خلاقیت در علوم، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- آرمند، محمد؛ مرضیه قاسمی‌راد؛ «آموزش پیش‌دبستانی در کره جنوبی»، فصلنامه رشد آموزش پیش‌دبستانی، دوره ۴، شماره ۳، ۱۳۹۲.
- سعادت‌مند، زهره؛ محمدجواد لیاقتدار و زهرا صادقیان؛ «نیازسنجی برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی تحت نظر آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران و مربیان شهر اصفهان»، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال ۹، دوره ۲، شماره ۸، ۱۳۹۱.

چگونه خلاقیت کودکان پیش دبستانی شکوفا می شود؟

طیبه میراحمدی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

راهنمایی عملی برای تشخیص کودکان خلاق

آزمون‌های خلاقیت معمولاً حاوی سؤال‌هایی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان به خلاقیت کودکان پی برد. این آزمون‌ها حاوی سؤال‌هایی مانند این‌هاست: چند کاربرد برای آجر پیشنهاد می‌کنید؟ با این ماریج چه چیزی می‌توانید درست کنید؟ چه نوع پایانی برای این داستان می‌اندیشید؟ از پاسخ کودکان به این سؤال‌ها طبق چهار ضابطه کلی نتیجه‌گیری می‌شود:

۱. تعداد پاسخ‌هایی که کودک به یک سؤال می‌دهد (هر چه بیشتر بهتر).
۲. غیر معمول بودن پاسخ‌ها
۳. تا چه اندازه کودک درباره پاسخ‌ها توضیح می‌دهد (تعداد جزئیات).
۴. انواع مختلف پاسخ‌های کودک (مانند انواع مختلف کاربرد آجر) (آمامبلی، ۱۳۸۶)

موانع جدی خلاقیت (کشنده‌های خلاقیت):

- اصرار بر اینکه بچه‌ها هر چیز را به یک شیوه انجام دهند: اینکه بچه‌ها فکر کنند برای انجام دادن کارها فقط یک شیوه درست وجود دارد، آن‌ها را از تلاش برای یافتن راه‌های جدید باز می‌دارد.
- مقایسه بچه‌ها با هم: وقتی کودکان را با یکدیگر مقایسه کنیم آن‌ها را مجبور می‌کنیم مثل هم رفتار کنند.
- بی‌توجهی به کنجکاوی بچه‌ها: در صورت بی‌توجهی به خلاقیت بچه‌ها آن‌ها دیگر میلی به انجام کارهای خلاقانه ندارند. اگر موارد یاد شده را از سر راه کودکان برداریم خلاقیت آن‌ها را سرکوب کرده‌ایم. دلیل این ادعا این است که همه کودکان از خلاقیت‌های زیادی برخوردارند؛ چنان‌که دانش‌آموزان اغلب از معلمان خود خلاق‌ترند. دانش‌آموزان در سال‌های

من دارای استعداد و قریحه خاصی نیستم، فقط حس کنجکاوی شدیدی دارم.
آلبرت اینشتین

مقدمه

همه ما انسان‌های خلاق را دوست داریم و می‌خواهیم کودکان خلاق داشته باشیم اما درست نمی‌دانیم چطور آن‌ها را به خلاق بودن تشویق کنیم. کودک از همان ابتدا با این حس به دنیا می‌آید و کارهایی مثل مکیدن شست یا، به جای شست دست را خلاقانه انجام می‌دهد. بنابراین، ما نمی‌خواهیم تنها حس خلاقیت را به‌وجود آوریم بلکه می‌خواهیم این حس را زنده نگه داریم تا در زمان مقتضی به اکتشاف چیزهای خارق‌العاده بدل شود.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، کودک، پیش دبستانی

تعاریف

خلاقیت چیست؟ آیا موضوعی فردی است یا اجتماعی؟ فرایند است یا محصول؟ آیا افراد خلاق افرادی عادی هستند یا منحصر به فرد؟ برخی از محققان (گیلفورد، ۱۹۵۰) خلاقیت را مجموعه ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی دانسته‌اند؛ در حالی که محققان دیگری هم‌چون هارنیگنتون (۱۹۹۰) و آمابلی (۱۹۸۹) آن را موضوعی کاملاً اجتماعی می‌دانند.

خلاقیت به زبان ساده

خلاقیت یعنی توانایی تولید ایده‌ها و راه‌حل‌های متعدد، جدید و مناسب برای حل مسائل و مشکلات. (حسینی، ۱۳۹)

دانش‌آموزان در سال‌های اول مدرسه توانایی خلاقیت سرشاری دارند اما وقتی به سنین بالاتر می‌رسند خلاقیت آن‌ها کاهش می‌یابد؛ چون خلاقیت در آن‌ها کشته شده است

با صبر و درایت برخورد کنیم و گاهی به‌جای پاسخ‌گویی به سؤال کودک او را هدایت کنیم تا خود به پاسخ برسد.

● از قضاوت، انتقاد و مقایسهٔ کودکان دوری کنیم.

● کودک را به اجبار به کاری وادار نکنیم: او را مجبور به خلاق شدن نکنیم. صبور باشیم!

● وسایل مورد نیاز او را تهیه کنیم: وسایلی مانند خانه‌سازی، عروسک خیمه‌شب‌بازی در مقایسه با عروسک کوکی بیشتر سبب تحریک خلاقیت می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۰)

تفکر خلاق

وقتی از مجموعه اطلاعات و داده‌ها فکری جدید و نو ارائه شود، «تفکر خلاق» حاصل شده است. در واقع، مجموعه‌ای از افکار رها شده که به تنهایی ثمر یا کیفیت بالایی ندارند، به اشکال جدیدی

اول مدرسه توانایی خلاقیت سرشاری دارند اما وقتی به سنین بالاتر می‌رسند خلاقیت آن‌ها کاهش می‌یابد؛ چون خلاقیت در آن‌ها کشته شده است!

شیوه‌های عملی در پرورش فرزندانی خلاق و سازنده

● برای کودک الگویی خلاق باشیم: والدینی که در برخورد با مسائل زندگی و حل آن‌ها از روش‌های ابتکاری و خلاق استفاده می‌کنند، طبیعتاً فرزندان خود را نیز به این جهت سوق می‌دهند.

● استقلال فکری و عملی کودک را تقویت کنیم: اگر به کودک فرصت دهیم تا خود بیندیشد و تصمیم بگیرد و عمل کند، زمینه‌های رشد خلاقیت را در او فراهم کرده‌ایم.

● اعتماد به نفس کودک را تقویت کنیم: افراد خلاق اعتماد به نفس بالایی دارند و این ویژگی موفقیت آن‌ها را تضمین می‌کند.

● برای آموختن و

تجربه کردن مسائل

فرصتی مناسب

ایجاد کنیم: فضای

مناسبی فراهم کنیم

تا تمام حواس کودک

پرورش یابد.

● انگیزهٔ درونی

ایجاد کنیم: به این

منظور باید به کودک

آزادی و حق انتخاب

دهیم و آن‌ها را متوجه

سازیم که انجام دادن

همهٔ کارها برای دریافت

پاداش و جایزه نیست.

● کنجکاوی کودک

را تقویت کنیم:

با سؤال‌های کودک



تبدیل می‌شوند که نتیجه‌بخش و مفیدند. دکتر پیمان هاشمیان، فوق تخصص روان‌پزشکی کودک، می‌گوید: «تمامی اختراعات حاصل تفکر خلاق است؛ یعنی فکر جدیدی که در یک مجموعه به تولید شیء جدیدی منجر شده است. گاهی تفکر خلاق به نوآوری منجر می‌شود، یعنی از داده‌ها و مصالح موجود استفاده جدیدی می‌شود. برای داشتن تفکر خلاق به زمینه‌هایی نیاز است. طبیعی است که هر کودکی با سطحی از هوش، توانمندی، استعداد و علاقه به دنیا می‌آید و شیوه پرورش تفکر خلاق در کودکان متفاوت است اما می‌توان زمینه‌های بروز تفکر خلاق را در کودکان فراهم کرد.»

پنج‌سالگی، اوج تفکر خلاق

کودکان پیش از پنج سالگی توجه و تمرکز کمتری دارند و رشد خلاقیت در بیشتر آن‌ها از پنج سالگی آغاز می‌شود اما هستند کودکان خلاق که از دو سالگی کارهای خلاقانه انجام می‌دهند و البته هوش بالاتری نسبت به همسالان خود دارند. بنابراین، والدین از زمانی که کودکانشان پنج ساله می‌شوند، می‌توانند امیدوار باشند که با بهره‌گیری از روش‌های متعدد خلاقیت در آن‌ها پرورش پیدا می‌کند.

بازی‌هایی برای پرورش خلاقیت کودکان

● یک سوپ عجیب و غریب درست کنید.

اجازه بدهید کودکان مواد لازم سوپ را از تمام خانه انتخاب کنند. هر چیز بدون خطر که در قابلمه‌ای بزرگ جا شود، برای این کار خوب است. چه کسی را باید به این ضیافت دعوت کنید؟ مادر بزرگ و حتی عروسک پارچه‌ای کودکان می‌تواند میهمان مناسبی باشد. اجازه بدهید کودکان تصمیم بگیرد. فایده این کار این است که استفاده از اشیای معمول به شیوه‌های غیرمعمول کودکان را تشویق می‌کند با ذهن بازتری به جهانی که در آن زندگی می‌کند، فکر کند.

● به یک پیاده‌روی بامزه و جالب بروید.

با نگاه جدیدی به اطراف خانه‌تان بنگرید. در خیابان نزدیک خانه قدم بزنید و از او سؤال‌هایی کنید که

پاسخی آزاد دارند. برای مثال، «به‌نظرت اون گربه به چی داره نگاه می‌کنه؟» او را تشویق کنید با اشاره آن را به شما نشان دهد. این نیم‌وجبی‌ها دیدگاه متفاوتی دارند. شاید شگفت‌انگیزترین نکته این باشد که همه چیز برایشان تازگی دارد و جدید و جالب است.

● یک گروه موسیقی تشکیل دهید.

قاشق، ماهی‌تابه و قابلمه را بردارید، بنوازید و با تخیل خود و کودکان حرکت کنید. از هر نوع موسیقی استقبال کنید.

● قصه‌های خیالی بگویید.

پایان قصه‌ها را بر اساس داستان‌ها و شعرهای مورد علاقه‌تان تغییر دهید. با این قصه‌ها به رشد دایره زبان کودکان کمک می‌کنید و به او می‌آموزید چگونه می‌تواند به شیوه خودش داستان بگوید.

● ابرها را تماشا کنید.

«آن ابرهای پفکی شبیه گوسفندند.» «آن ابرهای لاغر شبیه مدادند.» خود و کودکان به پشت دراز بکشید. از او بپرسید که چه چیزی می‌بیند. خیال‌پردازی درباره پرده نقاشی بی‌انتهای آسمان به کودکان نشان می‌دهد که حتی درباره عادی‌ترین چیزها می‌توان بی‌نهایت خیال‌پردازی کرد.

● یک مسابقه خنده‌دار ترتیب دهید.

کودکتان را تشویق کنید تا عجیب‌ترین تصویر یک گربه را بکشد یا خنده‌دارترین حرکات را انجام دهد. این نوع فعالیت‌ها نه تنها قوه تخیل او را تقویت می‌کنند بلکه به او نشان می‌دهند که تلاش برای کمال لزوماً هدف مطلوبی نیست.

● بازی لباس‌های رنگارنگ را انجام دهید.

آن پیراهن رنگارنگ قدیمی را از کمد بیرون آورید، بپوشید و هم‌چون رنگین‌کمان شوید. اجازه بدهید کودکان در شکل و شمایل خنده‌دار به شما ملحق شوند. بچه‌ها با این بازی درمی‌یابند که شما برای تخیل ارزش قائلید و بسیار اهل تخیل هستید.

منابع

۱. حسینی، افضل‌السادات؛ یادگیری خلاق کلاس خلاق، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۹۰.
۲. آمابلی، نورا؛ شکوفایی خلاقیت، مترجمان: قاسمزاده و عظیمی، دنیای نو، تهران، ۱۳۸۶.

3. WWW.KOODAKCITY.COM
4. WWW.MIGNA.IR
5. WWW.PARSEGARD.COM
6. www.moalemekhalagh.ir

نکاتی تربیتی در آموزش دوره پیش دبستان

یوسف زارع نبیلیان
دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

نکات مثبت توانایی هایشان را متذکر شوند و یا به تجزیه و تحلیل کلمات توهین آمیز می پردازند و یا با کلمات بازی می کنند. به عادت کردن نوآموزان به فکر کردن **هانس ای** می گویند و این، اندیشه کردن درباره رفتارها و گفتارهای خود و دیگران و ربط دادن آن‌ها با ارزش‌هایی مثل مهربانی، احساس مسئولیت و با هم بودن است.

در آموزش روحیه تعاون و همکاری روش «بازو» کاربرد بیشتری دارد که یک دستورالعمل کاربردی است و بچه‌ها را وامی‌دارد تا در گروه‌های کوچک و با توانایی‌های متفاوت با هم کار کنند.

بچه‌ها از همان دوره پیش دبستانی می‌آموزند که میزان تحمل خود را افزایش دهند و می‌دانند که در جامعه، همه در یک وضع نیستند و کمک به دیگران و تنها به فکر خود نبودن را می‌آموزند. پیام‌هایی مانند «نگهبان مسئولیت خود باشیم - جدول زمانی را در نظر داشته باشیم - محیط خود را تمیز نگه داریم» در برگزیده آن است که بچه‌ها از همان کودکی خودفرمانی و خودمدیریتی را بیاموزند.

پافشاری و سماجت جزء آموزه‌های تربیتی ژاپنی‌هاست و کودکان را سخت کوش و مقاوم بار می‌آورد. آموزگاران ژاپنی به انرژی جسمانی بچه‌ها و سرزندگی که با علامتی به نام گنکی شروع می‌شود توجه فراوان دارند و بچه‌ها تا می‌توانند بازی و شادی می‌کنند.

در جلسه‌های انجمن اولیا و مربیان از والدین خواسته می‌شود غذا و وسایل معمولی در کیف بچه‌ها بگذارند تا موجب چشم هم چشمی نشود.

آموزش اخلاق برای عینیت بخشیدن به اخلاقیات در منزل و جامعه، احترام به انسان‌ها و تکریم زندگی، گسترش یک جامعه دموکراتیک، و داشتن نقش فعال در پایداری صلح جامعه جهانی است.

برگرفته از کتاب آموزش قلب‌ها و اندیشه اثر: کارترین لویس، مترجمان: افشین منش و شیده ایلگی

آموزگاران در کلاس‌های پر تعداد دانش‌آموزان را به گروه‌های چهار تا هشت نفره تقسیم می‌کنند و گروه‌ها هم در فعالیت‌های درسی و اجتماعی با یکدیگر همکاری جدی دارند که منجر به آرام شدن کلاس‌ها هم می‌شود. در مدارس ژاپنی یادگیری فعال در جریان است؛ نوآموزان درباره علت پدیده‌ها به جست‌وجو می‌پردازند و معلم از شاگردان می‌خواهد به اندازه‌گیری و مقایسه اشیاء در کلاس و خارج از کلاس اقدام کنند و با وقتی ماهی یا خرچنگ در آکواریوم می‌میرد، علت مرگ آن‌ها را بررسی کنند. گروه‌های کلاسی نشست‌هایی برگزار می‌کنند و به بررسی ضعف‌های خود در زمینه همکاری و انجام فعالیت‌ها می‌پردازند. هر یک از اعضای گروه سعی می‌کند به دیگری کمک کند تا عقب نماند؛ چرا که این امر بر عملکرد کل گروه تأثیر دارد.

آموزگاران سعی می‌کنند دانش‌آموزانی را که دچار اشتباه شده‌اند راهنمایی کنند نه اینکه اشتباهات آن‌ها را تذکر دهند. دانش‌آموزان، خود به اشتباهات درسی و رفتاری خویش پی می‌برند. معلم به کودکی که کفش‌های دیگری را پوشیده است، نمی‌گوید که کفش عوضی پوشیده‌ای بلکه با سؤال‌هایی او را متوجه اشتباهاتش می‌کند.

در آموزش و پرورش ژاپن هدف از نظم و ترتیب، القای روحیه تبعیت و پیروی نیست. آموزگاران از روبه‌رو شدن با احساسات و امیال بچه‌ها پرهیز می‌کنند و راه‌های دیگری برای کمک به افراد نابهنجار انتخاب می‌کنند.

آموزگاران حتی در مواقع روبه‌رو شدن با ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان لطف و محبت خود را در محیط می‌پراکنند. زمانی که رفتار ناهنجاری از دانش‌آموزی سر می‌زند، ابتدا خود شاگردان سعی می‌کنند آن را سر و سامان دهند. در مرحله بعد، آموزگاران با توجه انگیزه‌های مثبت مانع ادامه ناهنجاری‌ها می‌شوند و در مرحله بعدی بیشتر به تقویت فهم و درک بچه‌ها اقدام می‌کنند و به حل مشکل می‌پردازند.

معلمان در برخورد با رفتار و گفتار نابهنجار سعی می‌کنند به جای تنبیه از روش‌های تغییر رفتار استفاده کنند. با تشویق

بازی را دست کم نگیریم!

سعدی سامی

کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی

کلیدواژه‌ها: بازی، بازی درمانی، بازی درمانی گروهی

پرداختن به ورزش و بازی ورزشی برای کودکان آمادگی جسمانی را افزایش می‌دهد. کسب مهارت و موفقیت اعتماد به نفس را بالا می‌برد و به کودک می‌آموزد که چگونه محرک‌های آنی را در خود کنترل کند. این توانایی نه تنها در ورزش بلکه در مناسبات اجتماعی نیز مفید است، به کودک در یافتن دوستان تازه و کشف علائق و شیوه صحیح زندگی کمک می‌کند. به‌علاوه به او می‌آموزد که قوانین را رعایت کند و در زندگی با پیروزی و شکست کنار بیاید. بازی‌ها از جمله نمودهای اجتماعی و فرهنگی هر اجتماع به حساب می‌آیند. بازی‌ها علاوه بر تخلیه روانی و کارکردهای جسمانی مزیت‌های فراوان دیگری دارند. آن‌ها تبلور فرهنگ و میراث هر جامعه به حساب می‌آیند. در حقیقت، ویژگی اصلی بازی‌ها درس‌آموزی و سازگاری با نظام و محیط طبیعی اجتماعی پیرامون خود است. بازی برای کودک فواید و ارزش‌های زیادی دارد. او طی آن، پدیده‌ها را درک می‌کند، روابط را می‌فهمد و از آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط، مبادله و آزمایش و تسلط بر واقعیت‌های بیرونی استفاده می‌کند. (لطفی کاشانی، وزیری، ۱۳۸۸) شافر به نقل از **تامپسون** و **رودلف** معتقدند که درهم شکستن مقاومت در کودک، ایجاد لیاقت و توانایی، تفکر خلاق، پالایش، تخلیه هیجانی، ایفای نقش، خیال‌پردازی، آموزش نمادین، ایجاد و ارتقای رابطه و دلبستگی، هیجان مثبت و غلبه بر ترس‌های مربوط به دوران رشد از فواید بازی درمانی است. (تامپسون و رودلف، ۱۳۸۸) بازی با نقش درمانی خود فرصتی برای

کودک فراهم می‌آورد که بتواند نگرانی‌ها و ناراحتی‌هایی را

که از محیط دارد، برطرف و عواطفش را بیان کند.

بازی درمانی همچنین برای کودک نقش پالانده

روانی دارد، از شدت ناکامی‌ها می‌کاهد و

نقشه‌های مفیدی برای حل مشکلات

در حین بازی به کودک ارائه می‌دهد

(احدی، بنی‌جمالی، ۱۳۸۵).

بازی درمانی راهی است برای غلبه

بر اضطراب در کودکان آشفته

و مضطرب و در آن از بازی

به‌عنوان واسطه ارتباطی میان

کودک و درمانگر استفاده

می‌شود. این روش بر پایه

یک فرض کلی استوار

است که در آن بازی در

جایگاهی قرار می‌گیرد

که کودک ابتدا تفاوت

بین «آنچه من هستم»

و «آنچه من نیستم»



**بازی
با نقش
درمانی
خود فرصتی
برای کودک
فراهم می آورد که
بتواند نگرانی ها و
ناراضایتی هایی را که
از محیط دارد، برطرف و
عواطفش را بیان کند**

همچنین نتایج تحقیق **زارع پور، خشکناز، کاشانی نیا (۱۳۸۸)** با عنوان «اثر بخشی بازی درمانی گروهی بر میزان افسردگی کودکان» نشان داد که بازی درمانی بر کاهش افسردگی کودکان مؤثر است. محققان اثر برخی از عوامل محیطی مثل داشتن سابقه ورزشی، ساعات پرداختن به بازی و میزان برخورداری از اسباب بازی در دوران کودکی را بر وضعیت توانایی های ادراکی - حرکتی دانش آموزان شهر تهران مورد مطالعه قرار دادند. نتایج یافته های این تحقیق نشان داد که داشتن سابقه ورزشی، پرداختن به بازی و برخورداری از اسباب بازی در کودکی بر تعادل، چابکی، هماهنگی چشم دست و مهارت های ادراکی - حرکتی کودکان تأثیرگذار است (احمد و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین، می توان نتیجه گیری کرد که بازی درمانی به دلیل ماهیت جذاب و مفرح بودن و درگیر کردن همه دانش آموزان در فعالیت های زنگ ورزش تأثیر زیادی بر تقویت مهارت های حرکتی و بُعد روانی آن ها دارد.

را تشخیص می دهد و شروع به بهبود ارتباط خود با جهان ماورای خودش می کند (لطفی کاشانی، وزیری، ۱۳۸۸). بازی درمانی رویکردی ساختارمند مبتنی بر نظریه درمان است که فرایندهای یادگیری و ارتباط سازگانه و بهنجار کودکان را پایه ریزی می کند (تامپسون و رودلف، ۱۳۸۸). در بازی درمانی به کودک فرصت داده می شود تا احساسات آزردهنده و مشکلات درونی خود را از طریق بازی بروز دهد و به نمایش درآورد. در مطالعه **مک گیو (۲۰۰۰)** با عنوان «بررسی اثر بخشی بازی درمانی گروهی بر کاهش مشکلات رفتاری، افزایش سازگاری عاطفی، بهبود مفهوم و افزایش خودکنترلی»، حاکی از این بود که تمایلات مثبت در رفتار کودکان ایجاد می شود. **باگرتلی و پارکر (۲۰۰۵)** بیان کردند که بازی درمانی بر یادگیری، خودکنترلی، مسئولیت، ابراز احساسات، احترام گذاشتن، پذیرش خود و دیگران، بهبود مهارت های اجتماعی، عزت نفس، کاهش افسردگی و اضطراب مؤثر است. بازی کردن دانش آموزان شامل حرکات آرام و موزون و در برخی مواقع، سرعتی و درشت در جهت بهبود تصویر فضایی، مهارتی خودکنترلی، تصویر بدنی و آرام بخشی، بهبود مهارت های درکی - حرکتی، تعادل، زمان بندی ها و کنترل رفتارهای تکانشی است که برای این کودکان مفید واقع می شود (ام آکسلاین، ۱۳۶۹). نتایج تحقیق **زارع و احمدی (۱۳۸۶)** گویای این بود که جلسات بازی درمانی موجب کاهش مشکلات رفتاری شده است.

منبع

۱. لطفی کاشانی، فرح و وزیری، شهرام؛ روان شناسی مرضی کودک. ارسباران، تهران، ۱۳۸۳
۲. تامپسون چارلز، رودلف ل، لیندا ب. مشاوره با کودکان، مترجم طهوریان، جواد، رشد، تهران، ۱۳۸۸
۳. احدی حسن و شکوه السادات بنی جمالی؛ روان شناسی رشد. پردیس؛ تهران: ۱۳۸۵
۴. ام آکسلاین، ویرجینیا؛ بازی درمانی، ترجمه احمد حجاریان، کیهان، تهران: ۱۳۶۹
۵. زارع، مهدی و سونیا احمدی. اثر بخشی بازی درمانی به شیوه ی رفتاری - شناختی بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. مجله روان شناسی کاربردی، ۳، ۱۳۸۶
۶. زارع پور، افسانه؛ مسعود فلاحی خشکناز و زهرا کاشانی نیا؛ بررسی تأثیر بازی درمانی گروهی بر میزان افسردگی کودکان مبتلا به سرطان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۴، ۱۳۸۸
7. Caattanach, Ann (2005). Introduction to Play Therapy, This Edition Published in the Tylor & Francis e-Library.
۵. Carmichael, K.D. (۲۰۰۶). Play Therapy: An Introduction, Glenview, IL: Prentice Hall.
۷. McGive, D.E. (۲۰۰۰). Child-Center Group Play Therapy. Dissertation.
۶. abstract international. (۲۰۰۶). ۳۰-۳۹
8. Baggerly, J., Parker, M. (2005). Child-centered group play therapy with African American boys of the elementary school level. Journal of Counseling & Development, 83, 387-396.
9. Houshvar P. The Effect of Parent Training of 4 to 10 year old children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. [Thesis]. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2008.
10. Khalahi H, Emad M. Effect of selected movement program on perceptual-motor function of 4-6 year old children. Movement Science and Sport 2002; 1: 30-42. [In Persian].

کلیدواژه‌ها: دوره پیش‌دبستان، اهداف دوره پیش‌دبستان، تربیت بدنی

ویژگی‌های کودک در دوره پیش از دبستان

هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش‌دبستانی، پایه و اساس شخصیت او را شکل می‌دهد. اگر این دوره، آن‌گونه که پیامبر خدا(ص) فرموده‌اند، با عطف و مهرورزی، همدلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت‌پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی‌ترین، سالم‌ترین و متعادل‌ترین ستون‌های تکوین شخصیت پیریزی می‌شود و این قبیل بچه‌ها بیشترین آمادگی روانی و ذهنی را برای یادگیری (هفت سال دوم) می‌یابند و آمیزه‌ای از محبت‌پذیری و آموزش‌پذیری، آنان را برای دوره مشورت‌پذیری و رایزنی با بزرگ‌ترها (هفت سال سوم) آماده می‌کند. از نظر مربیان این دوره می‌تواند مقدمه خوبی برای آموزش مهارت‌های ساده باشد.

اهداف کلی آموزش و پرورش پیش از دبستان

پرورش سلامت جسمی، هماهنگی ماهیچه‌ای مناسب و مهارت‌های حرکتی اساسی در کودک، پرورش عادت‌های

بهداشتی سالم و شکل‌گیری مهارت‌های پایه‌ای لازم در او به‌منظور سازگاری شخصی مانند لباس پوشیدن و درآوردن، خوردن، شستن، نظافت. پرورش آداب و نگرش‌های مطلوب برای تشویق در مشارکت گروهی سالم و حساس کردن کودک به حقوق و امتیازات دیگران، پرورش پختگی عاطفی از طریق راهنمایی کودک به بیان و ابراز خود، شناخت، پذیرش و کنترل احساسات و عواطف شخصی، پرورش حس زیبایی‌شناسی در کودکان، برانگیختن کنجکاوای ذهنی کودک و کمک کردن به او در درک دنیایی که در آن زندگی می‌کند و شکوفا کردن علائق تازه در او از طریق فراهم آوردن فرصت‌ها برای پژوهش، جست‌وجو و کسب تجربه، تشویق کودک به استقلال و خلاقیت از طریق فراهم کردن فرصت‌های کافی برای ابراز وجود خود، پرورش توانایی کودک برای بیان احساسات و افکار به زبانی روان، واضح و صحیح، ایجاد حس اعتماد به نفس و امنیت خاطر در کودکان، متوجه ساختن کودک به دنیای پیرامونش.

اهمیت آموزش و پرورش در دوران پیش از دبستان

آموزش و پرورش در دوران پیش از دبستان برای رشد کلی و همه‌جانبه کودک اهمیت

دارد؛ دلایل این اهمیت در ادامه آمده است.

- شش سال اولیه زندگی کودکان سال‌هایی حساس‌اند، زیرا میزان رشد در این سال‌ها نسبت به مراحل دیگر سرعت بسیار بیشتری دارد.

- پرورش کامل استعدادهای کودک به‌ویژه در این سال‌ها نیاز به محیطی محرک و برانگیزاننده دارد.

- با افزایش تعداد مادران شاغل، گسیختن وابستگی‌ها و نظام خانواده‌های سنتی، تنش‌های روانی حاصل و نیز اشتغال والدین در خارج از خانه، که حاصل الگوی زندگی کنونی است، کودکان اغلب نمی‌توانند از منافع محیطی محرک و برانگیزاننده بهره‌مند شوند.

- کودکان مناطق محروم به‌ویژه از این نظر محرومیت‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. والدین بی‌سواد آن‌ها تعامل مؤثر و مفیدی با کودکان خود ندارند و نمی‌توانند به رشد مطلوب و مناسب گفتار و زبان و مهارت‌های شناختی آنان کمک کنند. نبود تسهیلات، وسایل و موارد یعنی اسباب‌بازی، کتاب، امکانات بازی به محرومیت‌های آنان می‌افزاید. اگر کودکی در شش سال اول زندگی خود در چنین محیط پر از کمبودها و محرومیت‌ها پرورش یابد، تأثیر نامطلوبی بر رشد کلی و به‌ویژه ذهنی و زبانی او

مهدی ولی‌نژاد
آموزگار منطقه موسیان، دهلران، ایلام

پیش‌دبستانی واهمیت آن در پرورش کودکان

می گذارد. متأسفانه باید گفت بیشتر کودکان شهرستان فرآشید (در استان فارس) نیز در چنین محیط‌هایی رشد می‌یابند.

● برنامه آموزش و پرورش مناسب در این دوره تجاربی محرک برای رشد ذهنی، زبانی، جسمی و اجتماعی و عاطفی کودکان فراهم می‌آورد. اگر این نوع برنامه‌ها به گونه مؤثری سازمان داده شوند، می‌توانند محرومیت ناشی از کمبودهای محیط خانه را جبران کنند و کودک را در ساختن مبنایی قوی برای سهولت رشد بعدی و بارور کردن استعدادهای کاملش یاری دهند.

● یک برنامه آمادگی برای مدرسه کودک فراهم می‌کند و این آمادگی‌ها باعث کاهش تعداد مردودی‌ها و افت تحصیلی و شکست در سطوح ابتدایی می‌شود.

● وقتی کودکان خردسال به مراکز پیش‌دبستانی راه می‌یابند، خواهران و یا برادران بزرگ‌تر آن‌ها نیز آزادی بیشتری دارند و می‌توانند بهتر به کارهای خانه و تحصیلی خود بپردازند.

ویژگی‌هایی که در دوره پیش از دبستان بسیار مهم است و باید به آن‌ها توجه کرد و روش‌های آموزش را براساس آن ویژگی‌ها طرح‌ریزی کرد عبارت‌اند از:

- علاقه کودکان به بازی
- قدرت و نیاز کودکان به الگوگیری، نقش‌پذیری و تقلید
- (۳) شادی کودکان و علاقه آن‌ها به مطالب آهنگین

مراحل آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان

هدف آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان پرورش و رشد همه‌جانبه کودک است. رشد و پرورش همه‌جانبه کودک شامل مراحل زیر است.

- رشد زبان و گفتار
- رشد جسمی و حرکتی
- رشد خلاقیت و ابراز وجود
- رشد ذهنی و شناختی
- رشد عاطفی - اجتماعی

روش‌های تربیت دینی کودکان پیش از دبستان

برخی از روش‌های تربیت دینی کودکان

پیش‌دبستانی عبارت‌اند از:

- تربیت دینی کودک پیش‌دبستانی از طریق بازی
- تربیت دینی کودکان از طریق ارائه الگو
- تربیت دینی کودکان از طریق خواندن شعرها و متون آهنگین و شاد
- تربیت دینی کودکان از طریق ارائه پاسخ‌های مناسب به سؤال‌های دینی آن‌ها
- روش‌های دیگر تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی.

با توجه دادن کودکان به نعمت‌هایی که همیشه همراه آن‌هاست، مثل اندام‌های مختلف آنان (چشم، گوش، دهان و...) یا نعمت‌هایی که خیلی دوستش دارند مثل پدر، مادر، مادر بزرگ یا نعمت‌هایی طبیعی مثل کوه، جنگل، حیوانات، گیاهان با استفاده از حس زیبایی‌شناسی می‌توان آن‌ها را در جهت خداشناسی هدایت کرد. با ترسیم شکل‌ها و نقاشی‌هایی که در آن‌ها مؤمنان همیشه لباس‌هایی با رنگ روشن و تمیز می‌پوشند، می‌خندند و خوشحال‌اند، می‌توان ویژگی‌های مثبت افراد متدین را به کودکان نشان داد و عادت‌های صحیح را به‌طور غیرمستقیم به ایشان آموخت.

با ترتیب دادن نمایش‌های شاد و آموزنده می‌توانیم وظایف مسلمانان را از طریق نمایش یا ایفای نقش توسط خود کودکان اشاعه دهیم و در کنار این نمایش و ایفای نقش، شعرها و نشرهای آهنگین بخوانیم. با ارائه جلوه‌هایی از زندگی امامان و پیامبر اکرم (ص) که کودکان به آن‌ها علاقه دارند مثل بازی کردن حضرت پیامبر با کودکان و سلام کردن پیامبر به کودکان آنان را به الگوهای مبارک دین اسلام علاقه‌مند کنیم. قبل از اقدام به تربیت دینی کودکان، رفتار، اعمال و شخصیت خودمان را مورد بازنگری قرار دهیم و سعی کنیم نمونه کامل اعمال و گفتار اسلامی باشیم. به همین دلیل چگونگی انتخاب مربیان مقطع پیش‌دبستانی بسیار بسیار مهم و حیاتی است. همراهی کردن کودکان پیش‌دبستانی در مراسم دینی برای آنان بسیار لذت‌بخش و آموزنده است. برای مثال، شرکت آن‌ها در نماز جماعت، مراسم عزاداری، مراسم میلادیه، البته بدون ایجاد سختی و فشار برای آنان، می‌تواند آموزش

عملی مراسم دینی باشد.

سخن آخر و ارائه پیشنهادها

عده‌ای از والدین متأسفانه به تصور اینکه فرستادن فرزندان به مراکز پیش‌دبستانی باعث تنفر و زدگی آن‌ها در سال‌های بعد می‌شود، از این کار امتناع می‌کنند. باید گفت که این تصور مبنای علمی ندارد و تاکنون هم در هیچ جای دنیا چنین چیزی مطرح نبوده و به اثبات هم نرسیده است بلکه به‌عکس فرستادن کودکان به چنین مراکزی نه تنها باعث تنفر و زدگی آن‌ها نخواهد شد و آن‌ها را آماده ورود به مراحل بعدی آموزش نیز خواهد کرد. از آنجا که تربیت اجتماعی مطلوب و سازگاری با گروه‌های اجتماعی در تنهایی و بدون فراهم شدن فرصت‌های مناسب صورت نمی‌گیرد، این فرصت‌ها هر قدر زودتر برای کودک فراهم شود، رشد اجتماعی او سهل‌تر خواهد شد. از این‌رو، جدا شدن کودک از محیط کوچک خانه، روی آوردن به محیط وسیعی است که هسته مرکزی آن را گروه همبازی‌ها و هم‌سالان تشکیل می‌دهند.

به‌خصوص که با ورود به این دنیای جدید بر دامنه ارتباطات و آزادی کودک افزوده می‌شود. لذا کودک را پیش از ورود به دبستان، به‌منظور کسب و توسعه سازگاری اجتماعی به کودکان با بفرستید. با توجه به کوچک بودن محیط خانواده و محدودیت‌های آموزشی و پرورشی و از طرفی گستردگی برنامه‌های آموزشی و پرورشی در مراکز پیش‌دبستانی لازم است والدین در جهت تقویت و رشد شخصیتی و مستحکم پایه آموزشی فرزند خود در امر آموزش و پرورش تلاش کنند.

منبع

۱. نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی پیوند، تهران، شماره ۲۴۲، آذر ۱۳۷۸.
۲. نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی پیوند، تهران، شماره ۳۱۹، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۳. ماهنامه آموزشی رشد آموزش ابتدایی، تهران، سال دوم (دوره جدید)، آذر ۱۳۷۷.
۴. ماهنامه آموزشی رشد آموزش ابتدایی، تهران، سال دوم (دوره جدید)، دی ۱۳۷۷.
۵. گرمی نوری، رضا و علیرضا مرادی؛ روان‌شناسی تربیتی دوره کاردانی تربیت معلم، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۶. تقی‌پور ظهیر، علی؛ اصول و مبانی آموزش و پرورش، دانشگاه پیام‌نور، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۰.



تنظیم خواب کودکان

فاطمه حصارکی
کارشناس مسئول مقطع ابتدایی
منطقه ۵ تهران

متخصص اطفال یادآور شد: «برنامه‌ریزی زمان خواب، شرایط محیطی محل خواب و رفتارها و عادت‌های زمان خواب از عوامل مهم تأثیرگذار در ایجاد خواب راحت هستند.» دکتر کوشانفر با تأکید بر اینکه برای برنامه‌ریزی خواب کودک، زمان خواب و بیداری او باید منظم باشد، گفت: «این برنامه باید در هفت روز هفته به‌طور ثابت اجرا شود و در تعطیلات آخر هفته بیش از یک ساعت تغییر نکند. در مورد نوجوانان این تغییر تا دو ساعت هم ممکن است باشد.» وی گفت: «برای زمان خواب باید به‌طور منظم برنامه‌ریزی شود. حدود نیم‌ساعت به کودک فرصت آماده شدن برای خواب داده می‌شود. در این مدت فعالیت‌های کودک باید تا حد ممکن رو به کاهش باشد و از فعالیت‌های هیجان‌آور، مشاهده تلویزیون

کوشانفر با بیان اینکه بهداشت خواب مجموعه آداب و رهنمودهایی است که باعث ترویج خواب کافی در شب و هوشیاری کامل در روز می‌شود، گفت: «در صورت رعایت بهداشت خواب در ابتدای زندگی، این روند در سراسر زندگی فرد ادامه می‌یابد و از بروز بیماری‌های خواب هم پیشگیری می‌شود.» وی بارزترین علائم رعایت نکردن بهداشت خواب را بدخوابی، خواب‌آلودگی در طی روز و بی‌خوابی طی شب دانست و گفت: «مقاومت در مقابل خوابیدن، اضطراب خواب، دیر خوابیدن، بیدار شدن در طول خواب، زمان ناکافی خواب، سخت بیدار شدن به هنگام صبح و کج‌خلقی صبحگاهی از نشانه‌های خواب بد در کودکان است.» این

کلیدواژه‌ها: خواب کودکان، اتاق خواب، عادات روزانه

یک متخصص اطفال با اشاره به اینکه یک برنامه منظم برای زمان خواب باید برقرار شود، گفت: «حدود نیم ساعت به کودک فرصت آماده شدن برای خواب داده می‌شود. در این مدت، فعالیت‌های کودک باید تا حد ممکن کاهش یابد.» به گزارش ایسنا، دکتر اکبر

و بازی‌های ویدئویی، ورزش‌های ایروبیک و فعالیت‌های فیزیکی پرهیز شود.» این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی همچنین تصریح کرد: «کودکان باید از مصرف کافئین (شکلات، چای، سودا)، مایعات زیاد، غذاهای حجیم و تنقلات شیرین در ساعات پایانی روز پرهیز کنند.»

آرامش قبل از خواب

برای کمک به خواب کودک، به او غذاهای حاوی تریپتوفان مثل شیر و گوشت بوقلمون و قبل از خواب میان‌وعده‌های سبک داده شود. فعالیت‌های خوب قبل از خواب شامل حمام گرفتن با آب گرم، خواندن داستان برای کودک، داشتن ساعتی همراه آرامش با خانواده، گوش کردن به موزیک ملایم یا صداهای طبیعی، و یادآوری خاطرات شیرین در ایجاد شرایط خواب راحت مؤثر است. وی گفت: «با بزرگ شدن کودک، زمان خواب معمول او را می‌توان تغییر داد. برای مثال، می‌توان در خارج از منزل قدم زد یا دربارهٔ حوادث روز یا برنامهٔ فردا صحبت کرد یا به بازی‌های کارتی یا تخته‌ای یا پازل پرداخت.

کودکان بزرگ‌تر ممکن است قبل از خواب به مطالعه بپردازند، موزیک گوش کنند یا به سرگرمی‌های آرام مورد علاقه‌شان مشغول شوند. با وجود انجام تمام فعالیت‌های فوق، کلید اصلی داشتن زمان خواب معمول این است که کودک بداند چه ساعتی باید لباس خواب بپوشد و دندان‌هایش را مسواک کند، چه زمانی باید در رختخواب باشد و چه مدت را در رختخواب به فعالیت‌هایی مانند کتاب خواندن بپردازد. در واقع، کودک نباید مدت زیادی از زمان بیداری‌اش را در رختخواب بگذراند.» کوشانفر گفت: «اگر کودک در زمان مقرر برای خواب آماده نبود، می‌توان این زمان را ۳۰ دقیقه به تأخیر انداخت ولیکن برای رسیدن به زمان خواب همیشگی باید این زمان را به تدریج جلو کشید تا به ساعت خواب مقرر همیشگی رسید.

آماده‌سازی محیط اتاق خواب

۱. دمای اتاق خواب کودک باید مناسب و ثابت باشد.
۲. محیط اتاق خواب بهتر است تاریک باشد و در صورت نیاز یک چراغ خواب کوچک روشن شود.
۳. در طول شب، لحظات کوتاهی به کودک سر بزنییم تا از سلامت او اطمینان حاصل کنیم.
۴. تهویهٔ هوای اتاق مناسب و محیط خواب آرام و بی‌سروصدا باشد.
۵. کودک را نباید زمانی که ناراحت است در رختخواب گذاشت.
۶. رختخواب فقط برای خوابیدن است و در محدودهٔ آن کودک نباید به بازی کردن، غذا خوردن، مشاهدهٔ تلویزیون، بازی‌های کامپیوتری و ویدئویی یا صحبت کردن یا تلفن بپردازد. در زمان خواب این وسایل باید خاموش باشند. در عوض، وسایل و ابزارهای که برای کودک ایجاد امنیت و آرامش می‌کنند، مانند عروسک، اسباب‌بازی یا پتوی خاص را می‌توان در اختیار او گذاشت.
۷. لباس خواب کودک باید راحت و مناسب باشد.
۸. کودک را باید در وضعیت خواب‌آلود اما هنوز بیدار در رختخواب گذاشت تا در همان‌جا به خواب رود.
۹. اگر به کودک اجازه داده شود که هر کجا خوابش گرفت بخوابد، شکستن این عادت بسیار مشکل می‌شود.
۱۰. در صورتی که کودک در طول شب مرتباً می‌غلطد، بهتر است او را از رختخواب بیرون آوریم و به یک فعالیتی کم‌تحرک مانند مطالعه مشغول کنیم و مجدداً پس از ۲۰ تا ۳۰ دقیقه به رختخواب بازگردانیم.

تأثیر عادت‌ها و رفتارهای روزانه کودک در خواب شبانه

بسیاری از عادت‌ها و رفتارهای روزانه به خواب شب کودک کمک می‌کنند. کودک در ابتدای صبح و به محض بلند شدن از خواب باید در معرض نور خورشید قرار گیرد.

اطمینان

از دریافت نور طبیعی خورشید در طی روز به حد کافی، تأثیری مثبت بر ایجاد آرامش در وی در طول روز دارد. محروم کردن کودک از اتاق خواب خود برای تنبیه، نظارت بر صحنه‌هایی که کودک در طی روز از طریق تلویزیون، اینترنت و بازی‌های ویدئویی می‌بیند و در نهایت، هرگونه تغییر هیجان‌آور مانند مشکلات مدرسه، طلاق، مرگ عزیزان کودک، نقل مکان یا رقابت با خواهر و برادر که ممکن است بر خواب کودک تأثیرگذار باشد، باید به‌طور جدی از جانب والدین مورد توجه قرار گیرد. (سایت خبری تابناک، ۱۳۹۲ دکتر کوشانفر)

الگوی صحیح خواب کودکان

نحوهٔ خواباندن کودک و شکل دادن به عادت خواب در فرهنگ‌ها، قباایل و حتی خانواده‌ها متفاوت است. بعضی‌ها بچه را وقت خواب قنداق می‌کنند، بعضی لباس نازک به او می‌پوشانند و یا حتی بعضی او را لخت می‌خوابانند.

ممکن است کودک در یک اتاق مجزا، به‌تنهایی با چند خواهر و برادرش بخوابد یا به اتفاق همهٔ اعضای خانواده در یک‌جا و حتی در یک رختخواب بخوابد. کودک ممکن است به پشت، پهلو و یا روی شکم، در یک اتاق تاریک، نیمه‌تاریک، کاملاً روشن یا در یک محیط بی‌سروصدا یا با صدای رادیو و تلویزیون و با وجود صداهای ناگهانی مثل هواپیما بخوابد. ممکن است وقت شیر خوردن در بغل مادر با قرص خواب‌آور یا با لالایی در گهواره به خواب رود یا اینکه به شنیدن قصه، دعا و بازی کردن نیاز داشته باشد یا کلاً زمان مشخصی برای خواب نداشته باشد یا برعکس هر شب طبق نظم خاصی بخوابد.

دهید. از شوخی‌ها و بازی‌های پرتحرک، تعریف قصه‌های ترسناک و یا هر عملی که به هنگام خواب هیجان کودک را برانگیزد، اجتناب کنید. می‌توانید با او گفت‌وگو یا بازی آرامی کنید یا برایش قصه بگویید یا کتاب بخوانید.

وقتی چند صفحه به پایان داستان باقی مانده است به او تذکر دهید که کم‌کم وقت تمام می‌شود و او می‌بایست بخوابد. نباید تسلیم خواسته‌های او برای خواندن داستان دیگری شوید. با این شیوه کودک مقررات را می‌آموزد.

چنانچه هر دو بدانید که هنگام خواب چه کارهایی را باید انجام دهید، هرگز میان شما بحثی روی نخواهد داد. کودک بزرگ‌تر هم که می‌شود دوست دارد مدتی را قبل از خواب با شما سپری کند. تماشای تلویزیون این هدف را تأمین نمی‌کند حتی اگر او در کنار شما به تماشای تلویزیون بپردازد، به لحظات خصوصی و صمیمی و نزدیک‌تری نیاز دارد. می‌توانید دربارهٔ وقایع مدرسه یا برنامه‌ریزی یک روز تعطیل و یا چیزهای جالب و سرگرم‌کننده یا در صورت امکان در مورد برخی نگرانی‌های او صحبت کنید تا هنگام خواب کمتر به آن‌ها فکر کند. برخی شب‌ها ممکن است از پیاپی‌دهی و بازی و یا کار در منزل لذت ببرد. یک کودک ۱۲-۱۰ ساله احتمالاً دوست دارد به تنهایی برای خواب آماده شود. با او به گفتن «شب‌به‌خیر» اکتفا نکنید بلکه کمی صحبت کنید. آخرین کاری که قبل از رفتن به خواب انجام می‌شود خیلی مهم است. هرگونه دعوا، درگیری و تشنج مانع آن می‌شود که کودک خواب آرام و راحتی داشته باشد.

خواب کودک و رختخواب والدین

بسیاری از والدین برای رهایی از ناراحتی‌های هنگام خواب، در مقابل کودک کوتاه می‌آیند و او را در تمایلاتش برای خوابیدن در کنار خودشان آزاد می‌گذارند و احساس می‌کنند که این بهترین کار برای کودک است. این کار برای یکی دو شب قابل توجیه است، مثلاً وقتی که کودک بیمار است یا روحیه نامناسبی دارد، اما در بیشتر موارد مناسب نیست. همهٔ ما این حقیقت را می‌دانیم که افراد در رختخواب مجزا بهتر می‌خوابند. مطالعات نشان داده‌اند که حرکات و بیداری‌های یک فرد در طول شب افراد دیگری را که با او

همان کارهایی است که قبل از خواب برای آماده کردن کودک انجام می‌دهید. اگر او نوزاد است، احتمالاً پوشکش را عوض می‌کنید و روی پا لالایی‌اش می‌دهید تا خوابش ببرد و سپس او را به جای خوابش منتقل می‌کنید. ممکن است او را در حالی که بیدار است به جای خوابش ببرید تا خود به تنهایی بخوابد. همهٔ این الگوها برای چند ماه اول عالی هستند؛ چرا که انتظار نداریم یک نوزاد سرتاسر شب را به‌طور پیوسته بخوابد. اگر فرزند پنج تا شش ماهه شما هنوز سازگاری نیافته است، باید به برنامه و عادت زمان خواب او نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تری بیندازید. اگر او هنگام خواب روی پا لالایی شود و یا با شیر خوردن در بغل بخوابد، باید گفت که هنگام بیداری‌های معمول نیمه‌شب برای خواب رفتن دوباره دچار مشکل خواهد شد. برای اینکه بتوانید به او کمک کنید تا شب‌ها خواب بهتری داشته باشد، می‌بایست در عادت‌های زمان خواب او تغییراتی ایجاد کنید. مثلاً او را بیدار بگذارید تا نحوهٔ سازگاری و تنهایی خوابیدن در رختخواب را - چه در اول شب چه در نیمه‌شب - بیاموزد. به تدریج که کودک بزرگ‌تر می‌شود، عادت‌های زمان خواب اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. اگر زمان خواب برایش لحظات خوشی باشد، دید خوبی به آن خواهد داشت.

برنامه و روش‌های وقت خواب متفاوت‌اند. باید برنامه و روشی متناسب با وضعیت خانوادهٔ خود انتخاب کنید. خوب است هر شب دقیقی را با کودک خود سپری کنید و به او یاد دهید که چه کارهایی را باید طبق برنامه انجام دهد. برای بچه‌های کوچک‌تر زمان خواب زمان جدایی است و تحمل آن دشوار است. در واقع، درست نیست بچهٔ نوپا یا خردسالی را به تنهایی به رختخواب بفرستیم؛ چون ممکن است سبب احساس محرومیت وی از بهترین لحظات روز شود. خوب است ده تا سی دقیقه قبل از خواب را به او اختصاص

اهمیت یک برنامه روزمره برای خواب

بعضی از روش‌های خواب بهتر از برخی دیگرند اما کارهای زیادی وجود دارند که به رفتار خواب مربوط می‌شوند. اگر برنامه‌ای دائمی اجرا می‌شود و کودک‌کنان با این برنامه شب‌ها به راحتی می‌خوابد، در طول شب هم بارها بیدار نمی‌شود و در طول روز رفتار رضایت‌بخشی دارد، باید گفت این برنامه کاملاً مناسب است. برخی عادت‌ها و شیوه‌ها به کودک شما کمک بیشتری می‌کنند تا الگوی درست در او شکل بگیرد و از مشکلاتی که در سال‌های بعد احتمال پیدایش آن‌ها می‌رود جلوگیری شود. برای مثال، اگر عادت دارید هر شب کودک‌کنان را بیست یا سی دقیقه روی پا لالایی دهید تا خوابش ببرد و حتی نیمه‌شب هم که او، یکی دوبار، از خواب بیدار می‌شود مجبورید با همین روش دوباره او را بخوابانید، باید گفت که عملاً در عادت خواب او مداخله کرده‌اید و یادگیری شروع خوابش را به تعویق انداخته‌اید.

اگر کودک را در رختخوابش بگذارید و اجازه دهید که بدون لالایی و تکان دادن خودش به تنهایی بخوابد و در طول شب نیز به خواب ادامه دهد، مطمئناً برای شما و او بهتر خواهد بود. در هر حال، به نفع کودک است که خوابی پیوسته و منسجم داشته باشد. ممکن است شما و کودک‌کنان در یک رختخواب بخوابید و کاملاً هم از این بابت راضی باشید و حتی کودک تمام شب را به خوبی بخوابد اما ادامهٔ این عادت در مدت طولانی برای هر دو شما مطلوب نیست. توجه داشته باشید که باید در این عادت تغییراتی داده شود. منظور از روش و عادت‌های قبل از خواب

اگر کودک در زمان مقرر برای خواب آماده نباشد، می‌توان این زمان را ۳۰ دقیقه به تأخیر انداخت ولیکن برای رسیدن به زمان خواب همیشگی باید این زمان را به تدریج جلو کشید تا به ساعت خواب مقرر همیشگی رسید

در یک رختخواب

می‌خواهند بیدار می‌کند و باعث تغییرات خواب می‌شود. لذا بهتر است که کودک را با افراد دیگر در یک جا خوابانیم. تنها خوابیدن بخش مهمی از یادگیری کسب استقلال، بدون اضطراب و همراه با آرامش و اطمینان است. این روند در رشد روانی به موقع کودک اهمیت بسزایی دارد. خوابیدن کودک در بستر شما به جای اینکه باعث آرامش و اطمینان او شود، برای او اضطراب و سردرگمی می‌آورد. اگر به کودک خود اجازه بدهید که میان شما و همسران بخوابد، احتمالاً به دلیل اینکه خود را مسئول جدایی شما می‌داند، احساس قدرت زیادی خواهد کرد و همین موجب نگرانی او هم می‌شود؛ چون می‌خواهد مطمئن شود که شما او را تحت کنترل دارید و هرگاه که صلاح باشد بی توجه به تمایل او اعمال سلیقه می‌کنید. اگر نشان دهید که نمی‌توانید به این نحو عمل کنید و او می‌تواند هر طور که بخواهد عمل کند، ممکن است احساس تزلزل کند.

اگر کودک با یکی از والدین خود زندگی می‌کند، یا یکی از والدین دور از خانه و در محل کار است و یا حتی در اتاق دیگر می‌خوابد، این وضع برای او اضطراب بیشتری را همراه خواهد داشت. در اینجا بعضی والدین آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و کودک را به رختخواب خود می‌آورند و یا یکی از آن‌ها به رختخواب او می‌رود اما کودک باز هم اطمینان خاطر نخواهد کرد، چرا که احساس می‌کند جای یکی از آن‌ها را گرفته است و یا خود را مسئول جدایی‌شان می‌داند و همین امر او را دوباره نگران می‌کند. اغلب بچه‌هایی که والدین آن‌ها جدا از هم زندگی می‌کنند یا طلاق گرفته‌اند، خود را در این آشفتگی خانوادگی مقصر می‌دانند. ناراحتی این کودکان بیشتر مربوط به زمانی است که در رختخواب والدینشان می‌خوابیده‌اند. اکثر بچه‌ها مشکل جدی و مداومی برای تنها خوابیدن ندارند. اگر کودک شما از تنها خوابیدن خیلی می‌ترسد و شما اجازه می‌دهید کنارتان بخوابد، مشکل او را حل نکرده‌اید. ترس او باید دلیل داشته باشد. شما زمانی موفق می‌شوید به او کمک کنید که

همراهش

بکوشید تا علت

ترسش را پیدا کنید. این کار

به صبر، درک و استقامت قابل

ملاحظه شما نیاز دارد.

اگر به خاطر تمایل خودتان او را به رختخوابتان می‌آورید بهتر است احساسات او را دوباره ارزیابی کنید. برخی از افرادی که تنها زندگی می‌کنند (به دلایل متفاوت) در صورتی که شب‌ها کنار فرزندشان بخوابند، کمتر احساس تنهایی و ترس می‌کنند و راضی‌ترند. گاهی وقتی والدینی از دست هم ناراحت‌اند کودک را به رختخواب خود می‌برند. اگر شما هم با این‌گونه مسائل درگیر هستید، باید گفت که به جای کمک به کودک تا سعی دارید مشکل خود را حل کنید. زمانی که چنین الگویی برای خواب وجود داشته باشد نه تنها کودک بلکه همه افراد خانواده از این مسئله رنج می‌برند. باید مشکل و نیاز خودتان را درک کنید و با آن کنار بیایید و اگر این مشکل به آسانی حل نشود، می‌بایست از متخصصان کمک بگیرید.

اگر کودک عادت کند همیشه با شما بخوابد، او را در مهدکودک هم نمی‌توانید تنها بگذارید. این عادت او در زندگی اجتماعی شما نیز تأثیر می‌گذارد و دیری نمی‌گذرد که احساس می‌کنید نسبت به کودکان عصبانیت روزافزونی پیدا کرده‌اید و زمانی هم که آن‌قدر بزرگ می‌شود که دیگر نتوانید با او در یک رختخواب بخوابید، نمی‌توانید قانعش کنید که به رختخواب خودش برود و البته مجبورید حضور وی را هر شب در اتاق خودتان تحمل کنید. ممکن است شما یک یا دو اتاق خواب داشته باشید و علاوه بر چند بچه، پدر بزرگ و مادر بزرگ هم با شما زندگی کنند که به اتاق نیاز دارند و یا ممکن است در خانه کسی باشید که تنها یک اتاق دارد. این‌ها همه نمونه‌هایی از موقعیت‌های دشواری هستند که البته برای آن‌ها راه‌حل هم وجود دارد. مثلاً اگر کودک شما مجبور است در اتاق شما بخوابد، به او یک رختخواب

جداگانه

بدهید که

گوشه‌ای از اتاق

را به خودش اختصاص

دهد و سعی کنید فضایی

برای وسایل او ایجاد کنید.

استفاده از اسباب‌بازی در

هنگام خواب

به جای اینکه کنار کودک نوپا و یا خردسالان بخوابید تا خوابش ببرد، بهتر است از یک عروسک نرم پارچه‌ای، یک اسباب‌بازی و یا حتی پتوی مخصوص استفاده کنید. اسباب‌بازی معمولاً کودک را سرگرم و متقاعد می‌کند تا شب را به تنهایی سپری کند. این کار باعث می‌شود او احساس کند که بر دنیای پیرامون خود تا حدودی کنترل دارد. چرا که یک اسباب‌بازی و یا یک ملحفه را هر وقت که بخواهد می‌تواند همراه داشته باشد و این شیء هیچ‌گاه او را ترک نمی‌کند.

کودک معمولاً چنین اشیایی را در ابتدای سن نوپایی انتخاب می‌کند و دوستی با آن‌ها را تا ۸-۶ سالگی ادامه می‌دهد. اگر کودک شما با یک اسباب‌بازی و یا عروسک پارچه‌ای نرم سرگرم شود آن را وارد برنامه خواب خود خواهد کرد. اسباب‌بازی‌ای که با او غذا بخورد و به قصه‌هایش گوش دهد، به او اطمینان دهد که اسباب‌بازی‌اش را تا هر زمانی که بخواهد می‌تواند داشته باشد. این کار «شب به خیر گفتن» را برای او آسان‌تر می‌کند. (شبکه ملی مدارس، انتشارات رشد، ۱۳۹۲).

منابع

۱. «خواب کودکان»، روزنامه سلامت، سایت خبری ویستا، (۱۳۹۰).
۲. «جدول خواب کودکان»، پایگاه خبری بهداشت و تندرستی، (۱۳۸۸).
۳. «چگونه خواب کودکان را تنظیم کنیم»، کوشانفر، سایت خبری تابناک، (۱۳۹۲).
۴. شبکه ملی مدارس، (۱۳۹۲)، «الگوی صحیح خواب کودکان»، انتشارات رشد مدارس.



راهنمای کارورزی مدیران مراکز قبل از دبستان

مؤلف: بتول سبزه

ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی (تلفن: ۶۰-۶۶۴۸۷۶۲۵-۰۲۱)

سال انتشار: ۱۳۹۳، چاپ اول

قیمت: ۳۷۰۰ تومان

الهام و فایبی نژاد

مدرس دانشگاه علمی-کاربردی

این کتاب به همت و با همکاری جهاد دانشگاهی تهیه شده و از مجموعه کتاب‌های آموزشی این نهاد است. کتاب مشتمل بر شش فصل به همراه پیوست‌ها است.

کتاب راهنمای کارورزی با هدف شناسایی ویژگی‌های این مرکز از جهت تأسیس و راه‌اندازی، انواع وظایف و مسئولیت‌ها، تجهیزات، استاندارد و لوازم مورد نیاز و نیز نحوه برنامه‌ریزی برای اداره امور مرتبط با کارکنان و آموزش کودکان و خانواده‌ها تنظیم شده است.

● در فصل اول علاوه بر تعریف کارورزی در مراحل مختلف، اهمیت و ضرورت، اهداف اساسی کارورزی و اصول مهم آن مطرح شده است.

● فصل دوم که با هدف آشنایی با شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات تهیه شده به تفصیل به جمع‌آوری اطلاعات از راه مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه پرداخته است.

در هر یک از موارد نیز اصول و نکات ضروری مورد نظر قرار گرفته است.

● فصل سوم با هدف آشنایی با وظایف اجرایی، نظارتی و پرسنلی مدیران مراکز پیش‌دبستانی تنظیم شده و پس از مقدمه کوتاه به ذکر سیاست‌های اجرایی مثل شرایط ورود و پذیرش کودکان، ساعات کار، شرایط ثبت‌نام و فرم‌های مربوط، وظایف مدیر، مقررات بهداشتی، بحث شهریه و به‌ویژه ارتباط با والدین پرداخته است.

● هدف فصل چهارم آشنایی با استانداردهای مربوط به فضا، معیارهای انتخاب وسایل و تنظیم کلاس‌هاست.

این فصل، مقررات و قوانین شهرداری در خصوص ساختمان مراکز پیش‌دبستان، مقررات بهداشتی، ایمنی، تغذیه و مواد قانونی ارائه شده از طرف سازمان بهزیستی، تنظیم فضا، تجهیزات و سازمان‌دهی محیط آموزشی را مد نظر قرار داده است.

● در فصل پنجم با عنوان «ویژگی‌های کودکان پیش‌دبستانی» ویژگی‌های رشدی کودکان از تولد تا شش سالگی از ابعاد مختلف جسمانی، اجتماعی، عاطفی، شناختی و زبان مد نظر قرار گرفته است.

● فصل ششم و پایانی کتاب نیز به آشنایی با تنظیم برنامه‌های آموزشی در مراکز پیش‌دبستانی اختصاص یافته است. در این فصل نیز پس از مقدمه‌ای کوتاه، نکات مهم در برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی دوره پیش از دبستان، روند کلی و نمونه‌هایی از فعالیت مطرح شده است.

این کتاب، که به همراه پیوست‌ها و منابع ۱۰۴ صفحه دارد، ضمن برخورداری از محاسنی چون داشتن هدف در هر فصل، به شکل خودآموز تهیه شده است و مقدمه کاربردی و راه‌گشایی نیز دارد. ضمناً مجموعه مطالب کتاب با فرم‌هایی نیز همراه است که در هر مورد می‌تواند برای خوانندگان نکته‌های آموزشی و تربیتی را در بر داشته باشد.

محتوای کتاب شامل اطلاعات گردآوری شده است و اگرچه در تألیف آن از منابع مختلف بهره گرفته شده، در بعضی زمینه‌ها در هر فصل مطالعات تکراری درج شده است. پیشنهاد می‌شود مؤلف محترم در چاپ‌های بعدی با طرح موضوعات تازه‌تر جذابیت کتاب را افزایش دهد. در هر حال، با توجه به شیوه خودآزمایی‌ها، و سؤال‌ها و خلاصه کردن فصول مطالعه این کتاب ضروری به نظر می‌رسد.

